



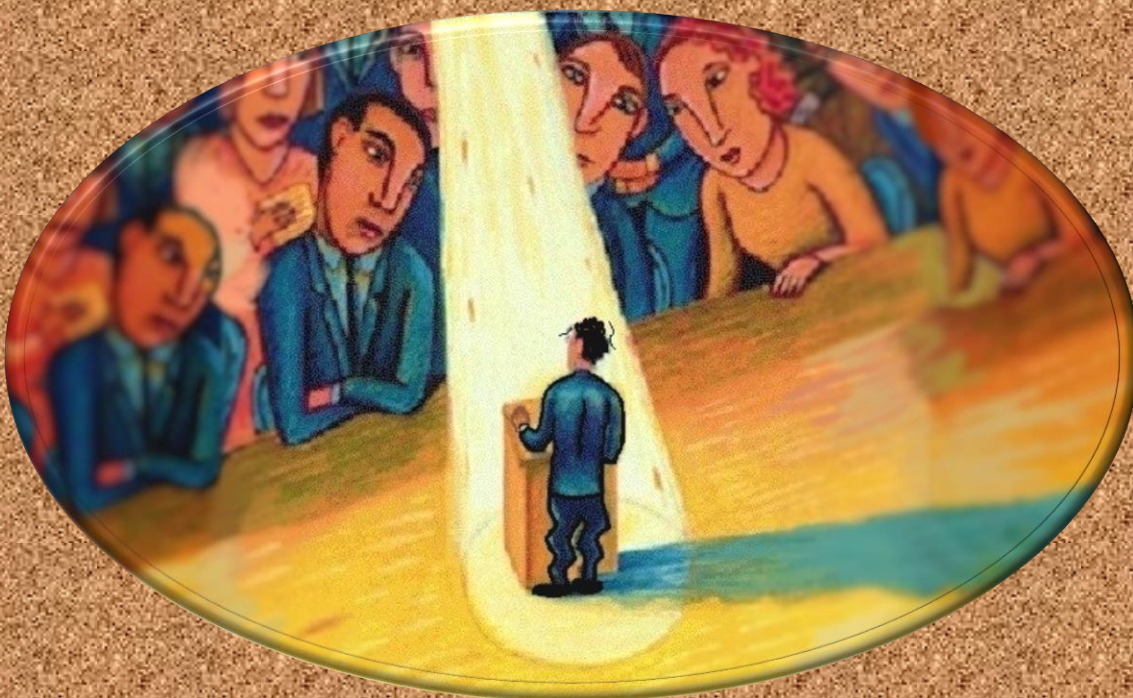
خدا آفرین

توزکجه - فارسی

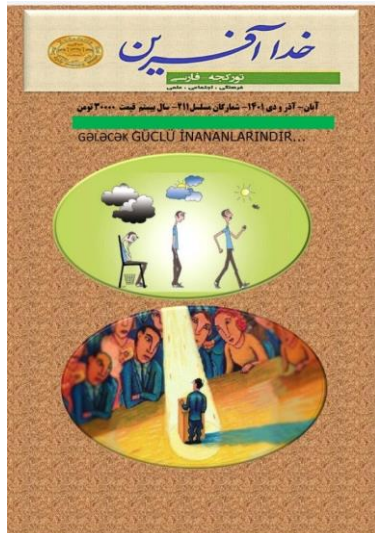
فرهنگی ، اجتماعی ، علمی

آبان - آذر و دی ۱۴۰۱ - شمارگان مسلسل ۲۱۱ - سال بیستم قیمت ۳۰۰۰۰ تومان

GƏLƏCƏK GÜCLÜ İNANANLARINDIR...



خداآفرین 211 Xudafərin



ایچینده کیلر:

- آندیمیز دوغولوغوموزدور و بو یولون سونونا دک برابرک-----۲
- ساغالان در اسناد تاریخی سه قرن گذشته-----۳
- عبدالعلی مجازی آذربایجانین دیرلی فولکلور شیناسی-----۱۳
- میرزه علی اکبر صابیر-----۲۰
- قاراباغ بایاتیلاریندا خوجالی فاجیعه سینین عکسی-----۳۰
- شانا پیپیک-----۳۷
- آذربایجان یاخین تاریخ ده-----۴۰
- ترس از مرگ اساس اغلب ترسهای ماست-----۴۵
- حبیب ساهیر کیمدیر-----۶۰
- خاطرات مردم جعفرکاوایی وزیر جنگ فرقه دمکرات-----۶۳
- والله اینها همان غلامعلی و اوروجعلیهای خودمان هستند-----۶۴
- از سری جنایتهای پهلوی در آذربایجان-----۶۷
- آذربایجانیها قربانی رقابتهای قدرتهای شق و غر-----۶۹
- معاریفچی شخصیتلریمیز-----۷۰
- ارمنستان جزئی از خاک و سرزمین تاریخی جهان تورک-----۷۳
- شعریمیز - شاعیریمیز-----۷۵

www.khudafarin.ir

شماره مسلسل ۲۱۱- آبان - آذر و دی ماه- سال ۱۴۰۱ - ۹۶ صفحه

مدیر مسئول سردبیر و صاحب امتیاز:

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

خبرنگاران: علی محمدنیا

تانای شرقی دره جک

ویراستار: سمیه ستاری فر

مدیر سایت: مهندس فرید ستاری فر

زمینه مجله:

فرهنگی؛ مسایل اجتماعی؛ معلومات عمومی؛ طنز و سرگرمی سالم

روش مجله:

آموزشی؛ تحلیلی؛ خبری؛ اطلاع رسانی؛ پژوهشی

گستره توزیع: آذربایجانهای شرقی غربی؛ اردبیل؛ تهران

آدرس چاپخانه: تهران چهار راه خانقاه پاساژ گوهری نسب چاپ ارسباران/۳

نشانی مجله تهران خیابان وصال شیرازی پلاک ۷ طبقه سوم واحد ۵

تلفن: ۰۹۱۹۲۲۸۱۹۱۶ / ۶۶۴۶۰۸۹۵ فاکس: ۶۶۴۹۳۰۸۴

نحوه ارسال مقاله:

تایپ شده بصورت word به ایمیل یا آدرس ماهنامه به زبانهای ترکی و فارسی

جهت معرفی آثار دو نسخه همراه با توضیح مناسب ارسال نمایید.

اشتراک ماهنامه: شش ماه ۳۵۰۰۰ و یکساله ۶۵۰۰۰ هزار تومان

به شماره کارت بانک شهر ۷۰۰۷۸۶۴۷۹۳۸۹ به نام حسین شرقی دره

جک واریز نمایید.

KHUDAFARIN

Cultural and scial mnthly magazin managng Directr cncessiner

and chief Editr: Dr. HUSEYN

SHARCFHJDAREJAK(SYFURK)

XUDAFƏRİN

Aylıq Elmi, İctimai, mədəni Dərgi

Təsisçi və Baş Redaktor: Dr. HÜSEYN

ŞƏRQİDƏRƏCƏK(SOYTÜRK)

Say 211 Kasım - Aralık 2022, Tehran

tiraj: 2000

www.khudafarin.ir

Telegram: <https://t.me/xudafarindergisi>

khudafarin@yahoo.com

آندیمیز دوغرو لوموز دور و بو یولدا سونونا قدر برابرک

Andımız doğruluğumuzdur bu yolda sonuna qədər bərabərlik.

هم یاری قورومالیسان هم ده سری. لاکن بیر یئرده بیرین دن واز گئچمه لی اولماق زوروندا قالدیغیندا یقین کی سر دن گئچمه یی ترجیح ائدیرسن.

تورکون توره سی اساسلارینا اویغون اولاراق یاری قربان وئرک اولماز. اما من ۲۰ ایل خدافرین نشر ائتمکله بوتون حاق و اوزگورلوکلریمدن واز گئچدیم.

سئوگی و سئونلریمدن هم ده مادی ایمکانلاریمدان اولوسوم نامینه واز گئچتدیم. زور شرطلرده حیاتی سوردورمک مجبوریتینده قالدیم. اوزومو و منی سئونلری هر زامان چتین دورومدا قویدوم.

بونلارا باخمایاراق تانرینین منه و بیزه آیردیغی بو گوره وی ده بورایا قدر یعنی ۲۰ ایل سوردورمه یی باجاردیق. خدافرین درگیسیله یاناشی ۱۰۰ لرله کیتاب اولوسوموزا ارمغان ائتدیک. مدنیت قله سینی انشا ائتمک اوچون دیرناقلاریمیزلا داش قازدیق. بو یولدا منی یالنیز قویمویان عایله مه و آرخاداشلاریم و بوتون اولوسوما هم ده اوز دیل و ادبی - مدنی وارلیغینی سئونلره اوز سایقی و سئوگیمی گوندرریم. سونونا قدر یولوموزا داوام ائده جییک انشالله. چونکو "تورک سو کیمی دی بیر یئرده قالسا ایله نر"

زامانین ایجابی آییق و ساییق اولماق لازیم. او جمله دن استکبارین فعلینه اویماماق شرط دیر.

وطن / اوزگورلوک / شرف نامینه بوتون ظالیمترین شرفسیز اوینلارینا قارشی مجاديله و گئنه مجاديله. اونوتما ییق کی بیزی بیزدن باشقا سئون یوخدور.

مدیر مسئول : دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)
Sorumlu müdir : Dr.Hüseyin Şarqıdərəcək SOYTÜRK



ایکی آی دیر سیزلرله گوروشموروک. بو چوخ اوزون زامان دیر. آنجاق اووموزدن آسیلی اولومویان ندنلر واردیر.

بیرچوخ خدافرین سئورلر مختلف یوللارلا درگیمیزین چیخماماق سببلرینی اویرنمک ایسته دیلر و حتی یانیمیزدا اولدوقلارینی سویله دیلر.

بو آراجلا بوتون قایغی چکن اینسانلاریمیزا درین سئوگی و سایقیلاریمی بیلدیرمک ایسته بیرم. آنجاق ایچینده اولدوغوموز دورومدان دولایی و بیرده مادی سیخینتیدان قاینقلانان سببلر اوزوندن درگیمیز یایملانمادی. بیرده اوسته گل منیم شخصی مسئله و ساغلیق سورونلاریم دا بونا اک اولدو.

ایندی تانریا شوکورلر اولسون کی درگیمیز ایشیق اوزو گورومه یی باشاردی.

سایقی دیر خدافرین اوخویانلاری و میلی - معنوی دیرلریمیزه اونم وئرن بوتون هرکسه اوز مینت دارلیغیمی بیلدیرمک ایسته بیرم.

اصل میللتیم بیلیرکی بیز اونون وارلیغی یولوندا بوتون وارلیغیمیزی قویموشوق و سونونادک دا بئله اولاجاقدیر.

مطبوعات ایشی هر زامان چوخ چتین و سوروملو ایشدیر. هله - هله سنین یایینلادیغین مطبوعات ایسه میلی دیرلری قورویان بیر اورگان اولورسا اونون یوکو و مسئولیتی داها آغیردیر.

ساغالان در اسناد تاریخی سه قرن گذشته

نویسنده: قدرت ابوالحسنی سهلان

ارائه و بکار رفتن ساغالان در اسناد ۳ قرن گذشته نشان داده خواهد شد.



۲) فارسیزه کردن اسم مکانهای ترکی در نوشته ها

فارسیزه کردن اسم مکانهای ترکی یعنی، حروف صدادار اسم را طوری تغییر دادن که تلفظش برای فارس زبانها راحت بوده و در زبانشان کلمه با تلفظ مشابه داشته باشد. با فارسیزاسیون توپونیم ترکی هویت خود را از دست داده جعلی میگردد و حتی ممکن است در خود زبان فارسی نیز بی معنی باشد. میتوان گفت، اغلب اسامی رسمی شهرها و روستاهای مناطق ترک نشین ایران از جمله آذربایجان، فارسیزه گشته اند. مثلا در منطقه روستای مورد بحث، خوجا میرجان به خواجه مرجان، قیزیل دیزه به قزل دیزج، قوم تپه به قم تپه و غیره بدل شده اند. قابل ذکر است، زبان ترکی نه حرف صدادار دارد که همگی کوتاه هستند، در صورتیکه فارسی سه حرف صدادار کوتاه و سه حرف صدادار کشیده دارد. از اینجا مشخص میباشد نوشتن درست بسیاری از اسامی ترکی به دلیل عدم انتقال صحیح حروف صدادار به زبان فارسی مقدور نیست. بنابراین در مورد ثبت اسامی ترکی اگر مشاهده کردیم، مردم بومی یک منطقه نام یک محل را یک گونه تلفظ میکنند، ولی در ثبت اسم به فارسی اساسا در حروف صدادار تفاوت وجود دارد، نام صحیح را تلفظ مردم منطقه منعکس مینماید و باید از آن توپونیم محافظت گردد. جعل عمدی اسامی ترکی

(۱) مقدمه

در مقاله ساغالان (بازنویسی یک سند تاریخی) چاپ شده در ماهنامه اوزان، ساغالان بودن اسم اصلی روستای با نام رسمی سهلان، متعلق به شهرستان تبریز، نهایی گشت. با وجود این باز هم جهت بدست آوردن اسناد بیشتر در مورد نام این روستا به منابع اصلی الکترونیکی یا غیر الکترونیکی نقشه ها، سفرنامه ها، کتب تاریخی و جغرافیایی مراجعه شده است. نتایج تحقیقات جدید انجام یافته، در این مقاله آمده است. در اینجا ابتدا، بدلیل ضرورت موضوع، مبحث کوتاهی در مورد فارسیزاسیون اسم مکانهای ترکی در ایران خواهیم داشت. سپس بحثی در مورد بدل بودن ساهاالانها و ساوالانهای اطلاق شده به این روستا خواهیم داشت و در نهایت اسناد تاریخی

(qurrih, qurrih) گویند. اما حرف ه برای بیان آوایی در الفاظ گفتار وجود ندارد. " یعنی حرف ه (h) در کلمات زبان ترکی وجود نداشته است، جز در موارد وقف یاد شده انتهای الفاظ. اما الان بعد از گذشت قرن‌ها، در تلفظ کلمات ترکی واج ه شنیده میشود! اگر دقت شود این واج ه تلفظ حرف غ یا ک میباشد، مثلاً به جای ساغ، ساه شنیده میشود و به جای کؤک، کؤه. موقع نوشتن چنین کلماتی بایستی از حرف اصلی یعنی غ یا ک استفاده کرد و نه از واج ه.

به روستای ساغالان، ساهالان هم میگویند که در آن واج ه وجود دارد که با توجه به مطالب بالا این واج ه باید تلفظ ک یا غ باشد. حرف ک در الفاظ مردمان منطقه جهت اشاره به این روستا مشاهده نمیشود و در اسناد نیز بکار نرفته است. برخلاف آن غ در هر دو مورد هست. پس، ساهالانها تلفظ ساغالان هستند و ابتدا ساغالانی بوده که ساهالان از آن پدیدار گشته است. در نتیجه تمامی اسناد و نقشه‌هایی که در آنها نام روستا ساهالان نوشته شده، در حقیقت با املای صحیح باید ساغالان ثبت میشدند.

از طرف دیگر، ساوالان جهت اشاره به این روستا، در گویش مردمانی استفاده میشود که در لهجه آنها حرف غ به بصورت واج و تلفظ میشود و برعکس آن رخ نمیدهد. یکی از روستاهایی که این امر شایع است، کوندور (کندرد) گونئی میباشد. به گفته آقای رستم شعله که اهل کوندور میباشد، در روستایشان به ساغ اول، مراغا، موغان و باغ وزیر بترتیب ساو اول، مراوا، مووان و باو وزیر اطلاق میشود. به ساغالان هم ساوالان میگویند. بنابراین، ساوالانها هم تلفظ ساغالان هستند و ابتدا ساغالانی بوده که ساوالان از آن پدیدار گشته است. در نتیجه، تمامی اسناد و نقشه‌هایی که در

(بومی) به شکل فارسی با دستورات حکومتی نیاز بحث طویل دارد که در اینجا به آن نمیپردازیم. شبیه عمل فارس‌سازیون در مورد ثبت اسامی ترکی در سایر زبانها نیز روی میدهد، با این تفاوت که در آثار قدیمی غیرفارسی جعلی مشاهده نمیشود، بلکه مولیفین اسمی که از مردم شنیده اند را، گاهی با تفاوت طبیعی در حروف صدا دار ضبط کرده اند.

(۳) ساهالانها و ساوالانها

در این قسمت لازم است، ابتدا به تفاوت واج با حرف اشاره ای بگردد. در زبانشناسی، حرف صورت مکتوب واج است و واج صورت ملفوظ حرف و ارتباطشان لزوماً یک به یک نیست. هر اجتماع زبانی از شمار معدودی از واجها استفاده می‌کند که الزاماً مشابه واجهای زبانهای دیگر نیستند. برای مثال در زبانهای ترکی و فارسی، حروف ط و ت و در نتیجه کلماتی مانند حیاط و حیات یکسان تلفظ شده، شکل نوشتاری متفاوتی دارند، منتها در زبان عربی متفاوت هم تلفظ میگردند. همچنین تلفظ واجها نزد همه متکلمین یک زبان لزوماً یکسان نمیباشد و تفاوت لهجه بین دو ده مجاور هم بیشتر اوقات مشهود است.

موضوع لازم دیگر اینکه، در زبان ترکی حرف ه وجود ندارد و گواه آن کتاب دیوان لغات الترك است. در صفحه ۷۸ کتاب دیوان لغات الترك تالیف محمود کاشغری که مربوط به قرن پنجم هجری است و توسط دکتر صدیق به فارسی ترجمه گشته، حین صحبت از حروف زبان ترکی، مولف چنین گفته است: "جز اینها، حرف ه برای وقف در پایان کلمه نوشته میشود. چنانچه وقتی شاهین و باز را آواز دهند تاه تاه (tah tah) گویند و چون اسب کم سال را صدا زنند قره، قره

ارائه شده است. بدلیل اهمیتشان سه سند از آنها (اسناد بندهای ۱۲ و ۱۱، ۵) در این مقاله نیز با توضیحات اضافی تکرار گردیده اند. قبل از رفتن به سراغ اسناد جدید، ذکر چند نکته ضروری است:

* اطلاعات زندگانی افراد مشهور قید شده در این مقاله از ویکی پدیا اخذ شده اند.

* در قسمت Books سایت جستجوی گوگل کتب زیادی به زبانهای مختلف دنیا منتشر شده اند که با وارد نمودن اطلاعات دلخواه میتوان آنها را جستجو کرد و در صورت وجود، بسته به میزان دسترسی داده شده از کتاب استفاده نمود.

* نگارنده در نقشه های قدیمی اروپاییان بر روی یک روستا متمرکز شده، اما در نقشه ها نام اصلی سایر شهر و روستاهای آذربایجان نیز دیده میشوند. چرا که نقشه برداران برخلاف کاتبان که میتوانستند نام محلها را از اسلاف خود وام بگیرند، به نوعی با مردم بومی تماس داشته، اسامی غیرفارسیزده بومی را ضبط کرده اند. مثلاً سهلان در نقشه های قدیمی دیده نمیشود، زیرا توسط مردم استفاده نمیشده است. و اما اسناد:

۴-۱) کتاب جهانگشای نادری مربوط به حدود سه قرن پیش

کتاب جهانگشای نادری را میرزامهدی خان استرآبادی، منشی و مورخ نادرشاه افشار، به زبان فارسی نگاشته است. این کتاب ارزشمند تاریخی مربوط به اوایل قرن ۱۲ شمسی و در مورد زندگی نادرشاه و لشکرکشیهای وی به مناطق مختلف میباشد. میرزا مهدی خان در صفحه ۸۱ کتابش، هنگام تشریح جنگ نادرشاه و عثمانیها در نزدیکیهای تبریز، نام این روستا را، مطابق شکل زیر، قریه سهیلان قید کرده است. سهیلان در

آنها نام روستا ساوالان مکتوب گشته، در حقیقت با املای صحیح باید ساغالان ثبت میشدند، همچنانکه نوشتار مراغا، موغان و باغ وزیر صحیح هستند.

در مورد موضوع، شنیدن اسامی روستا از زبان حاجی محمدعلی روشنایی (مشهور به مشه محمدعمی) شنیدنی است! حاجی محمدعلی جزو افراد کهنسال روستای ساغالان میباشد. تولد حاجی سال ۱۳۱۲ شمسی است اما خاطراتی که تعریف میکند نشان می دهد، بایستی بیش از یکصد سال داشته باشد! کلیپ کوتاهی از حاجی در مورد نامهای روستا بتاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۱ توسط پسرش حسین تهیه شده و در صفحه اینستاگرام نگارنده هم منتشر شده است. در این کلیپ حاجی، در جواب پرسشهای پسرش به سه نام ساغالان، ساه آلان و ساوالان برای اشاره به روستای سهلان اشاره نموده است. طبق گفته حسین، حاجی برای نام بردن از روستایشان معمولاً از نام ساه آلان استفاده میکند که بسیار جالب توجه میباشد! ساه آلان گفتن حاجی محمدعلی روشنایی تایید میکند نام روستا باید ترکیبی و از دو کلمه تشکیل شده باشد. آنگونه هم که در بحث ساهالانها ذکر شد، واج ه تلفظ حرف غ و در نتیجه ساه تلفظ ساغ است. یعنی نامی که حاجی بر زبان میراند، نوشتارش ساغ آلان است. در اینمورد، قبلاً در مقاله ریشه شناسی نام روستای سهلان چاپ شده در ماهنامه ائل بیلیمی قید گردیده، اسم اصلی سهلان ترکیبی و ساغ آلان (ساغالان) میباشد و گفته ی حاجی محمدعلی روشنایی آنرا تصدیق می نماید.

۴) اسناد تاریخی

در مقاله ساغالان (بازنویسی یک سند تاریخی)، ۱۱ سند مختلف در تایید ساغالان بودن روستا

روز در این روستا مانده و ساهالان مورد استفاده در منطقه را ثبت کرده است. نوشتار درست ترکی ساهالان هم ساغالان است.

شکل ۲: نسخه الکترونیکی سفرنامه موریه از گوگل بوکس

۳-۴) کتاب مسافرت به ایران مربوط به سال ۱۸۱۷ میلادی

موریس دوکوتز بوئه (۱۸۶۱-۱۷۸۹ م) اهل آلمان، کتاب مسافرت به ایران را به زبان آلمانی نگاشته است. دوکوتز بوئه در زمان فتحعلی شاه قاجار و سال ۱۸۱۷ میلادی به همراه سفیر کبیر روسیه عازم ایران شده بود. آنها جزو مهمانان حکومتی بودند که به شهرهای نخجوان، ایروان، تبریز و زنجان رفتند. محمود هدایت (۱۳۶۹-۱۲۷۶ هـ ش)، نویسنده و مترجم ایرانی، کتاب مذکور را به فارسی ترجمه کرده و در سال ۱۳۶۵ توسط سازمان انتشارات جاویدان تهران نشر داده



گویش مردمان کاربردی ندارد و عربیزه/فارسیزه شده ساهالان می باشد. همانطوریکه در قسمت ۳ ذکر شد، نوشتار درست ترکی ساهالان نیز ساغالان می باشد.

شکل ۱: نسخه خطی کتاب جهانگشای نادری از کتابخانه دیجیتالی هندوستان

۲-۴) سفرنامه جیمز موریه مربوط به سال ۱۸۱۴ میلادی

جیمز موریه (۱۷۸۰-۱۸۴۹ م)، دیپلمات و نویسنده بریتانیایی، در صفحه ۲۱۱ جلد ۲ سفرنامه اش که به زبان فرانسوی می باشد، مطابق شکل زیر، نام روستا را ساهالان (Sahalan) ذکر نموده است. موریه در سال ۱۸۱۴ میلادی یک

211
SAHALAN.
mire, des brocards et des étoffes de soie d'Ispahân formèrent les principaux, auxquels on ajouta deux des éléphants du roi, envoyés en présent de la ville de Herât.

Le roi de Perse pria l'ambassadeur anglais, pour qu'il pût veiller à ses intérêts ultérieurs, de retourner en Angleterre par la Russie; et, comme il eût été incommode aux deux ambassadeurs de voyager ensemble à cause de leur suite nombreuse, sir Gore Ouseley partit le premier, et deux mois après Mirza-Aboul-Hassan-Khân se mit en route.

Il fut décidé que je serai chargé des affaires diplomatiques sur les frontières de Perse et de Russie; j'accompagnai donc jusqu'à cet endroit son excellence, et le 18 mai 1814 nous atteignîmes Tauriz; toutes les affaires

هنگام شب دو نفر از تبریز آمده سفیر کبیر را از طرف شاهزاده عباس میرزا و وزیرش خیرمقدم گفتند و با خود پرتقال و ماهی های بزرگی برسم تحفه آورده بودند ولی پرتقالهای مرجمتی ترش و ماهیها قدری مانده بود. روز هیجدهم نیز تا شهر تبریز خیلی راه داشتیم بعلاوه ایرانیان تصمیم گرفته بودند که ما را خیلی تجلیل کنند، بنابراین در قریه سجیلان که در بیست و رستی شهر واقع بود اردو زدیم، در موقع شب از دور چراغهای اردوی قشون ایران نمایان بود.

*** 56 ***

Ende ein schwarzer Streif die Stadt Lauris bezeichnet; man befindet sich in Oufian. Da Moab nicht so weit gegangen, so glauben Viele, daß dieses Dorf seine Benennung von den Oafis erhalten, die ihre Wohnung hier aufschlugen, als Jémael I. seinen Hof Ardevil nach Lauris verlegte. Das Dorf ist übrigens so unbedeutend, daß es nicht der Mühe werth ist, nach der Entstehung seines Namens weiter zu forschen. Heute Abends kamen ein Paar Abgesandte aus Lauris, um im Namen von Abbas-Mirza und seines ersten Ministers den Gesandten zu begrüßen. Sie brachten große Fische und Apfelsinen zum Geschenke. Ich kann nichts dafür, daß erstere verfault und letztere sauer waren.

Den 18. Da der Marsch von hier nach Lauris zu weit gewesen wäre, und die Perser auch einen feierlichen Empfang bereiteten, so schlugen sie das Lager 20 Werste vor der Stadt, bei dem Dorfe Segilan auf. Heute Abends sah man viele Feuer der Persischen Armee.

Den 19. Einige Werste vor der Stadt Lauris ist ein Flußchen, Adgasu, über welches eine antike Brücke von zehn Bogen er-

۴-۵) نقشه خاورمیانه به سال ۱۸۸۴ میلادی

نقشه مهم و ارزشمندی مربوط به خاورمیانه وجود دارد و ترسیم کننده اش هانریش کیپرت (۱۸۱۸-۱۸۹۹ م)، جغرافی دان و طراح آلمانی، می باشد که رسام نقشه آذربایجان نیز هست که در سند قبلی به آن اشاره شد. نقشه خاورمیانه به زبان فرانسوی بوده، به سال ۱۸۸۴ میلادی در برلین چاپ شده است. نقشه کش، همانطوریکه در شکل زیر مشاهده میشود، نام روستای مورد

است. در صفحه ۱۵۷ ترجمه کتاب دوکوتر بوئه هنگامی که آنها از سمت صوفیان عازم تبریز بودند، در پاراگرافی به در ساغلان ماندنشان نیز اشاره مینماید. هدایت، مطابق بالای شکل زیر، نام این روستا را به اشتباه سجیلان ترجمه کرده است!

با مراجعه به اصل آلمانی کتاب moritz von kotzebue در گوگل بوکس نام اصلی را، مطابق پایین شکل زیر، در صفحه ۵۶، Segilan می یابیم و با جستجوی ساده اینترنتی درمورد نحوه تلفظ حرف g در آلمانی، آنرا معادل تلفظ گ فارسی می بینیم که آنهم شبیه تلفظ غ ترکی میباشد. نتیجه اینکه، تلفظ Segilan سغیلان بوده و آلمانیزه شده ساغلان است.

شکل ۳: قسمت بالا از ترجمه فارسی و پایین از اصل آلمانی کتاب مسافرت به ایران

۴-۴) نقشه آذربایجان (ایران) مربوط به سال

۱۸۶۲ میلادی

نقشه آذربایجان، بر اساس مشاهدات و بررسیهای اولیه انجام داده در سالهای ۱۸۵۵-۱۸۵۱ میلادی نیکولای خانیکوف (۱۸۷۸-۱۸۱۹ م)، خاورشناس، جغرافیدان و مردم شناس روسی، تهیه شده، توسط هانریش کیپرت آلمانی به زبان انگلیسی رسم گشته است. نقشه مزبور سال ۱۸۶۲ میلادی نیز در برلین انتشار یافته است. در نقشه نام روستای مورد بحث، همانطور که در شکل زیر داخل دایره دیده میشود، سئهتلان (Sehelan) قید شده است. سئهتلان انگلیسی شده ساهالان میباشد و نوشتار درست ترکی ساهالان ساغلان است.

شکل ۴: نسخه الکترونیکی نقشه آذربایجان (ایران)

بروجدرد) که مسلط به زبان روسی میباشد، بصورت زیر است:

آذربایجان شمالی

مقاله نظامی-جغرافیایی

کاپیتان ستاد مرکزی

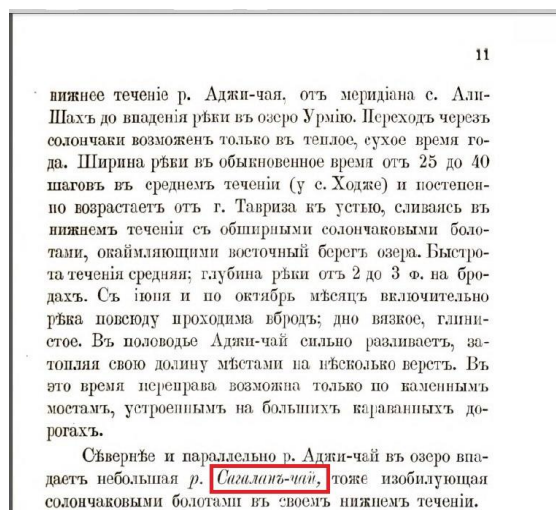
ال. ک. آرتامونوف

تفلیس ۱۸۹۰

کتاب آذربایجان شمالی دارای بیش از ۵۰۰ صفحه بوده، مشخصاً اهمیت نظامی و جغرافیایی برای روسها داشته است. کتاب به دو بخش کلیات و مسیرها تقسیم شده و شماره بندی صفات بخشها جداگانه است. در هر حال ساغالان ترجمه شده به ترکی عثمانی در اصل روسی Сагалан دیده میشود و در صفحه ۱۱ بخش کلیات و ۶۲ بخش مسیرها آمده است. جهت ترجمه پاراگرافهای مربوطه از دکتر میرعلی رضایی (استاد دانشگاه و اهل سولدوز) و آقای فطرس یاری جسته ایم. دکتر رضایی، طبق گفته خودشان، از دوستان جمهوری آذربایجان مسلط به روسی کمک گرفته و ترجمه ترکی انجام یافته را به نگارنده برگرداندند. آقای فطرس هم به فارسی ترجمه نمودند. تلفظ روسی اسم خاص مذکور را از رضایی ساقالان (Saqalan) و از فطرس ساگالان گرفتیم که تنها در تلفظ حرف Ғ متفاوتند. ساقالان را بعنوان یک بومی ترک منطقه خواهیم ادا کنیم، ساغالان میگردد. زیرا حرف ق اگر بین دو حرف صدا دار قرار گیرد، نرم گشته به غ بدل میشود. ساگالان به فارسی نیز شبیه ساغالان به ترکی تلفظ میگردد. از سوی دیگر به گفته آقای فطرس، در زبان روسی حرف غ وجود ندارد و به جای آن از همین حرف Ғ استفاده میگردد، مثلاً بغداد، باگداد (Багдад) نوشته میشود. بنابر این بدون توضیحی میشود



بحث را سغالان قید کرده است که فرانسوی شده ساغالان است.



شکل ۵: نقشه خاورمیانه هانریش کیپرت و ساغالان

۴-۶) کتاب روسی و مربوط به سال ۱۸۹۰ میلادی

همانطوریکه در سند دهم خواهد آمد، در کتاب آذربایجان (احوال جغرافیه و تقسیمات سیاسی سیله اصول اداره سی) نام دو رود جلگه واقع شده روستا آجی چای و ساغالان چایی ذکر شده اند. در روی کتاب ترکی عثمانی مذکور نگاشته شده، کتاب ترجمه ای از یک اثر روسی مربوط به سال ۱۸۹۰ میباشد. مشخصات کتاب روسی در گوگل بوکس، طبق ترجمه آقای خسرو فطرس (اهل

اشاره شده است. ساغالان از نام روستای مورد بحث اخذ، به رود آبیاری کننده اراضیش و بیشتر مشهور به سینیق چایی اطلاق و در این سند منعکس گشته است.

۴-۷) نقشه عثمانی سال ۱۳۰۲ قمری

در نقشه ای که در کتابخانه دیجیتالی مجلس بزرگ ملت ترکیه نگهداری میشود و مربوط به زمان امپراتوری عثمانی و سال ۱۳۰۲ هجری قمری و به زبان ترکی عثمانی است، همانطوریکه در شکل زیر مشاهده میشود، ساغالان به شکل سغالان ضبط شده است.



شکل ۸: نام ساغالان به شکل سغالان

۴-۸) کتاب مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام

شهید تبریزی، اتفاقات سال ۱۳۲۶ قمری

نویسنده کتاب مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام تبریزی، ثقة الاسلام تبریزی (۱۲۹۰-۱۲۳۹ هـ ش) است و نصرت الله فتاحی آن را گردآوری نموده است. همانطوریکه در شکل زیر دیده میشود، در صفحه ۱۱۲ کتاب یاد شده که مربوط به اتفاقات زمان مشروطه هستند، به روستا با نام ساوالان اشاره شده است. بنا به دلایل قسمت ۳، شکل نوشتاری صحیح ساوالان هم ساغالان است.

Сагалан را ساغالان ترجمه نمود، مانند ترجمه ترکی عثمانی مذکور بالا. در هر حال ترجمه فارسی پاراگرافهای ترکی آذربایجانی دکتر رضایی در ذیل شکلهای مربوطه آورده شده که ترجمه فارسی فطرس نیز شبیه آنهاست:

شکل ۶: نام Сагалан (ساغالان) در متن روسی "از طرف شمال و بموازات آجی چای به سمت

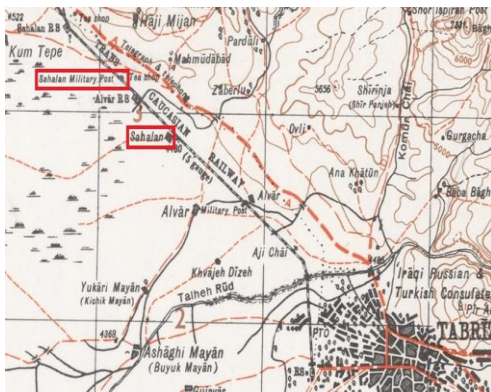
62

поселениях, напр. для проведения желѣзной дороги, вѣроятно окажется возможным перейти хребтъ безъ устройства тоннелей.

Третій участокъ, отъ с. Софіанъ до г. Тавриза, т. е. четвертый переходъ, обнимаетъ совершенно ровную, степную, мѣстами солонцеватую долину или бассейнъ р. Сагаланъ-чая и нижняго теченія р. Аджичая. На этомъ протяженіи нѣкоторое препятствіе для колеснаго движенія могутъ представить ветрѣчныя по пути рѣчки, главнымъ образомъ Сыныхъ-чай, Альваръ и р. Аджичае. رود نه چندان بزرگ ساغالان چای میریزد که در جریانات پایینش حاوی باتلاقهای نمکی بسیار است."

شکل ۷: نام Сагалан (ساغالان) در متن روسی "میدان سوم، از روستای صوفیان تا شهر تبریز، یعنی مرحله چهارم، تماما صافی است که بعضی جاهایش صحرای خاک شور و یا حوضه ساغالان چای و جریانات پایین آجی چای را شامل میشود."

همانطوریکه در سند مورد بحث آمده و در نقشه آذربایجان فوق دقیق تر نمایان شده، در دشت صاف بین صوفیان و تبریز دو رودخانه تقریباً به موازات هم جریان دارند. شمالی بیشتر مشهور به سینیق چایی و جنوبی آجی چای میباشد. در این سند تاریخی به رود شمالی با نام ساغالان چای



هست، ولی متن آن در دسترس نیست تا اشتباه نویسنده یا مترجم معلوم گردد.

۴-۱۰) کتاب آذربایجان چاپ ۱۹۱۸ میلادی

در گوگل بوکس کتابی با عنوان آذربایجان (احوال جغرافیه و تقسیمات سیاسی سیله اصول اداره سی) انتشار یافته است. این کتاب به زبان ترکی عثمانی و چاپ سال ۱۹۱۸ میلادی (۱۳۳۴ قمری) میباشد. در صفحه ۱۰ کتاب، مطابق شکل زیر، نام دو رود جلگه واقع شده این روستا آجی چای و ساغالان چایی ذکر شده اند. همانطویکه در سند ششم هم قید شد، ساغالان از نام روستا اخذ، به رود آبیاری کننده اراضیش و بیشتر مشهور به سینق چایی اطلاق و در این سند منعکس گشته است.

شکل ۱۱: کتاب آذربایجان و ساغالان چایی
ترجمه فارسی پاراگراف مربوطه ترکی عثمانی نیز

تیدرمایر از وسایل و لوازم هیئت خودش یک دست لباس خاکی رنگ زیبا با دکمه‌های چرمی به من هدیه داد. علاوه بر این لباس برای خودم یک کلاه نواحی گرمسیری هم تهیه کردم. به طوری که حالا دوباره ظاهری اروپایی پیدا کردم و دیگر مثل پاشاهای ترک نبودم. متأسفانه در بغداد شنیدم که ستوان فون فریزن میل تیتس^۱، عضو هنگ پیاده نظام زاخرن^۲، که تا سال پیش در سفارت خدمت می‌کرد، در جنگ کشته شده است. روز سیزدهم مارس از هولشتاین، کنسول آلمان در موصل، خبر رسید که نیروهای عثمانی به طرف تبریز در حرکت هستند و شاهزاده ابوالفتح میرزا، منشی کنسولگری، با ستاد عثمانی به ساوجبلاغ رفته است. در بغداد، روزنامه لا ایرا^۳ (شماره ۳۴، سوم فوریه ۱۹۱۵)، چاپ میلان، به دستم رسید که در گزارشی درباره‌ی ورود روس‌ها به تبریز نوشته بود: پس از پیروزی درخشان روس‌ها در صوفیان و ساوالان که عثمانی‌ها تجهیزات توپخانه خود را از دست دادند و بیش از هزار کشته، دوهزار اسیر و عده بی‌شماری زخمی بر جای گذاشتند، ژنرال‌های عثمانی که لیکن کنسول آلمان و رئیس‌بیگ کنسول تازه‌وارد عثمانی نیز همراه آن‌ها بودند، به سمت مراغه فرار کردند.

سواره ماکو که از سمت پل آجی می‌خواهند وارد شهر شوند بنای جنگ است و تا آخر روز صدای توپ و تفنگ بلند بود، در آخر اجمالا معلوم شد که جمعی از جانب شهر و جمعی سواره ماکو از خارج رو به امیرقیز گذاشته و جنگ کرده‌اند از داخله شهر سواره رحیم خان و سواره‌های مرتندی هجوم برده‌اند از جانب ستار خان یمب بجانب پل جماعتی از مهاجمین انداخته شده که قریب ۸ نفر مقتول و زیر خاکی مانده‌اند، از جمله مقتولین دو سه نفر از سواره‌های نامی بوده، ضرغام نظام قره‌داغی نیز مختصر زخمی از سرش برداشته مجعلا مهاجمین نتوانسته‌اند کاری یکنند...

تا آخرین نفر و تا آخرین نفس

و هم در این روز (۱۴ ماه) تاپ فونسل انگلیس چهار نفر از ملت را بعنوان نماینده بحضور می‌پذیرد، میرزا حسین واعظ میرزا محمد تقی، شیخ محمد خیابانی میرزا سید حسین خان، چه مذاکره میکنند معلوم نگردهام، همین‌قدر شنیدم همگی گفته‌اند که اگر این جماعت را هر قدر حساب فرمائید اگر یک نفر هم از ایشان بماند، باز مطالبه حقوق خواهند کرد.

دو روز قبل شهرت دادند، از لندن تلگرافی بامضاء ایرانیان به انجمن آمده که قرار شد تا ۱۴ شوال وکلاء انتخاب و بطهران فرستاده شوند.

تفصیل جنگ ۱۴ ماه شعبان ۱۳۲۶:

تفصیل جنگ ۱۴ شعبان را باین‌نحو تقریر کردند که: سواره ماکو یا سواره مرتند و غیره دو سه روز قبل در ساوالان^۱ از جانب اهالی قریه مزبور گرفتار مدافعه بودند بالاخره سواره هجوم کرده و توپ بسته تا بعلق و خرمن‌ها آتش گرفته و قهرا غلبه کرده‌اند.

شکل ۹: کتاب مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام تبریزی در کتابخانه نور

۴-۹) کتاب ماه عسل ایرانی و مربوط به سالهای ۱۵-۱۹۱۴

کتاب ماه عسل ایرانی جاوی خاطرات کنسول آلمان ویلهلم لیتن (۱۸۸۰-۱۹۳۳ م) در تبریز و مربوط به سالهای ۱۵-۱۹۱۴ میباشد. پرویز رجبی (۱۳۹۰-۱۳۱۸ ه ش)، مورخ و مترجم ایرانی، آنرا به فارسی ترجمه کرده است. در صفحه ۲۱۵ کتاب، مطابق شکل زیر، نام روستا در کنار صوفیان بصورت ساوالان ذکر گردیده است! ساوالان بایستی ناشی از سهو نویسنده یا مترجم باشد و صحیح مورد استفاده آن ساوالان میباشد. شکل نوشتاری صحیح ساوالان هم ساغالان است.

شکل ۱۰: کتاب ماه عسل ایرانی و ساوالان بصورت سهو ساوالان

اصل آلمانی کتاب ماه عسل ایرانی با عنوان Persische Flitterwochen در گوگل بوکس

۵۱۶

فصل دهم

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خواجه دربزج	۶۸	۵۶۴	۳۰۱	۲۶۳
رواسان	۷۸	۴۳۹	۲۳۲	۲۰۷
سعد بيك	۴	۴۵	۲۴	۲۱
سهلان (ماغالان)	۱۶۱	۹۹۷	۵۱۶	۴۸۱
شيخ حسن	۹۷	۴۷۸	۲۳۸	۲۴۰
فروده گاه لشكري	۱	۳۷	۳۷	-
قلعه چه	۳۲	۱۹۳	۹۲	۱۰۱
كجاباد	۳۵۳	۲۱۱۰	۱۰۷۱	۱۰۳۹
كوجان	۸۹	۴۹۷	۲۶۹	۲۲۸
لاله	۳۰۵	۱۶۱۸	۸۰۶	۸۱۲
مايان سفلي (اشاقمايان)	۳۱۸	۱۷۸۵	۹۳۰	۸۵۵
مايان علوي (يوخاريمايان)	۹۹	۶۹۴	۳۵۰	۳۴۴
وزنق	۴۴	۲۶۴	۱۳۴	۱۳۰
جمع دهستان سردرود	۳۱۸۵	۱۸۱۱۰	۹۴۳۷	۸۶۷۳

ساوالان - sâvâlân - ده جزء دهستان صوفیان بخش شبستر
شهرستان تبریز

۱۷ك جنوب خاوری شبستر - ۲ك شوسه تبریز و مرند - ۱ك
راه آهن چلغا

چلگه - معتدل - سکنه ۸۰۲ - شیعه - ترکی
آب از چشمه - محصول غلات و حبوبات - شغل ذراعت کله داری
راه مالرو.

شکل ۱۳: ساوالان نام ثبت شده در سرشماری، چاپ
۱۳۳۰.

۱۳-۴) کتاب نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن، چاپ ۱۳۴۹ شمسی

در کتاب نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و
جمعیت شناسی آن نوشته دکتر محمدجواد مشکور
(۱۲۹۷-۱۳۷۴ ه ش)، مورخ ایرانی، نویسنده در فصل
دهم به آمار شهرها و آبادیهای آذربایجان در
سرشماری سال ۱۳۴۵ پرداخته است. در صفحه ۵۱۶
کتاب مذکور، مطابق شکل زیر، نام روستای مورد
بحث که در آنزمان جزو دهستان سردرود بوده، به
شکل سهلان (ماغالان) ضبط شده است. ماغالان
بایستی ساغالان باشد و حرف اول اشتباه تایپی است،
چونکه اسم این روستا چه شفاهی و چه کتبی در
گذشته و حال هموار با حرف س شروع شده است.
این موضوع در مقاله ساغالان (بازخوانی یک سند
تاریخی)، ریشه شناسی نام روستای سهلان و غیره
مشهود است.

چنین است: "در شمال محلی که رود آجی به
دریاچه متصل میشود، آبی با نام ساغالان چایی به
دریاچه اورمیه در حال ریختن است. دیگر، قسمت
سفلی این حاوی باتلاقهای وسیع و نمکی است."

۱۱-۴) نقشه توپوگرافی از تبریز و پیرامون مربوط به ۱۹۴۳ میلادی

در کتابخانه دانشگاه تگزاس آمریکا نقشه توپوگرافی از
تبریز و پیرامون موجود میباشد که مربوط به سال
۱۹۴۳ میلادی و ایام جنگ جهانی دوم میباشد. نقشه
مشخص ارزش نظامی و جغرافیایی برای آمریکایی ها
داشته است. در این نقشه که قسمتی از آن در شکل
زیر نشان داده شده، نام روستا ساهالان (Sahalan)
قید شده است. همچنین محلی بنام قرارگاه نظامی
سهالان (Sahalan military post) در سمت
صوفیان دیده میشود.

شکل ۱۲: نقشه توپوگرافی از تبریز و پیرامون و
سهالان

۱۲-۴) کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران چاپ سال ۱۳۳۰ شمسی

سال ۱۳۳۰ شمسی ارتش کتاب فرهنگ جغرافیایی
ایران (آبادیها)، جلد ۴، استان ۳ و ۴ آذربایجان بیرون
داده است که منتج از سرشماری آن زمان میباشد. در
آن سرشماری برخلاف سرشماریهای بعدی انجام
یافته در ایران، زبان و مذهب محل نیز پرسش شده
است! همچنین نام بومی غیرفارسیزه برای روستاها
ثبت شده است. کتاب مذکور از کتب قابل اتکای
پژوهشگران میباشد. در هر حال. نام ثبت شده برای
روستا در صفحه ۲۶۷، همانطوریکه در شکل زیر دیده
میشود، ساوالان است. شکل نوشتاری صحیح ساوالان
هم ساغالان است.

L2zZHWAhUEPewKHbEnAuS06AEwEXoECBIQAw#v=one
page&q&f=false

۶- کتاب مسافرت به ایران، موریتس دوکوتز بونه (Moritz von Kotzebue's Reise nach Persien mit der Russisch-kaiserlichen ... By Moritz von Kotzebue)

https://books.google.com/books?id=lytDAAAcAAJ&printsec=frontcover&dq=moritz+von+kotzebue&hl=en&sa=X&ved=2ahUKEwiEI7eB8pz3AhXq_7sIHa1-CFUQ6AF6BAgHEAI#v=onepage&q&f=false

۷- نقشه آذربایجان (ایران)

<https://maps.princeton.edu/catalog/princeton-dj52w715p>

۸- نقشه خاورمیانه

<https://www.loc.gov/item/2013593036/>

۹- آذربایجان شمالی

(Съверный Азербайджан: Военно-географический очерк
By Леонид Константинович Артамонов)

<https://books.google.com/books?id=CyDD5FvzCmoC&pg=PA11&dq=%D0%A1%D0%B0%D0%B3%D0%B0%D0%B8%D0%B0%D0%BD&hl=en&sa=X&ved=2ahUKEwjo46d0K73AhWCRPEDHYphBzIQ6wF6BAgIEAE#v=onepage&q=%D0%A1%D0%B0%D0%B3%D0%B0%D0%BB%D0%BD&f=false>

۱۰- نقشه عثمانی

<https://acikerisim.tbmm.gov.tr/xmlui/handle/11543/2013>

۱۱- مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام تبریزی، ثقة الاسلام تبریزی،

گردآوری کننده نصرت الله فتحی، ناشر انجمن آثار ملی (تهران) سال ۱۳۵۵ شمسی، کتابخانه دیجیتال نور:

<https://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Text/39068/2/112?SearchText=%D9%82%D8%B1%DB%8C%D9%87%20%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86>

۱۲- ماه غسل ایرانی، ویلهلم لیتن، ترجمه پرویز رجبی، چاپ تهران،

نشر ماهی، سال ۱۳۸۵ شمسی

۱۳- آذربایجان (احوال جغرافیه و تقسیمات سیاسیه سیله اصول اداره

سی)، چاپ استانبول، نشر عسکریه، سال ۱۳۳۴ قمری

<https://books.google.com/books?id=X-crAAAAAAAJ&q=%D8%B3%D8%A7%D8%BA%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86&dq=%D8%B3%D8%A7%D8%BA%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86&hl=en&sa=X&ved=2ahUKEwiTuuHp7uL2AhVjx4UKHVemCiYQ6AF6BAgIEAI>

۱۴- نقشه توپوگرافی از تبریز و پیرامون

http://legacy.lib.utexas.edu/maps/ams/iraq_and_iran/txu-pclmaps-oclc-6589753-tabriz-j-38-k.jpg

۱۵- فرهنگ جغرافیائی ایران (آبادیه)، جلد ۴، استان ۳ و ۴

آذربایجان، سرتیب حسینعلی رزم آراء، انتشارات دایره

جغرافیائی ستاد ارتش، مهرماه سال ۱۳۳۰ شمسی

۱۶- نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن،

محمد جواد مشکور، نشر تهران، چاپخانه بهمن، سال ۱۳۴۹

شمسی

۱۷- اطلس تاریخی نقشه ها و تصویرهای جغرافیائی آذربایجان، امیر

هوشنگ انوری، نشر تهران، ندای تاریخ، چاپ اول، سال ۱۳۹۴

شمسی

شکل ۱۴: کتاب نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و

جمعیت شناسی آن، ساغالان به شکل سهو ماغالان

۴-۱۴) کتاب اطلس تاریخی نقشه ها و تصویرهای

جغرافیائی آذربایجان، تاریخ نامشخص

در کتاب اطلس تاریخی نقشه ها و تصویرهای جغرافیائی

آذربایجان نوشته امیر هوشنگ انوری نقشه های فراوانی از

آذربایجان معرفی شده اند. نام روستا در نقشه ۱۸۹ که در

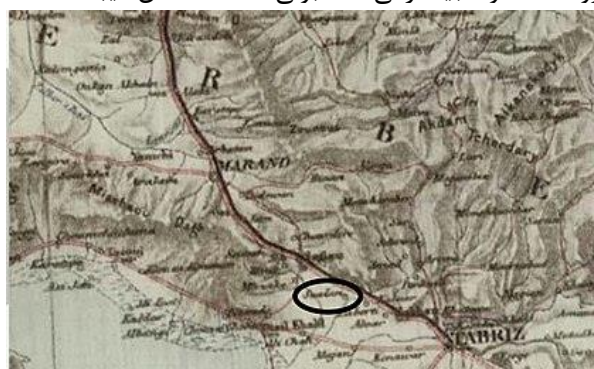
کتابخانه مجلس شورای تهران با شماره آرشیو

(m16285) نگهداری میشود، مطابق شکل زیر، ساآلان

(Saalan) قید گشته است. همانطوریکه در مقاله ساغالان

هم ذکر شده، ساآلان گویش بومی رایج فعلی خود این

روستاست و شبیه ترکی استانبولی تلفظ ساغالان میباشد.



شکل ۱۵: نقشه کتاب اطلس تاریخی نقشه ها و

تصویرهای جغرافیائی آذربایجان و ساآلان

اطلاعات و تهیه کننده این نقشه به هر دلیل در دسترس

نیست.

منابع

۱- ساغالان (بازخوانی یک سند تاریخی)، قدرت ابوالحسنی سهلان

و جلیل یاری، ماهنامه اوزان، چاپ تهران، شماره ۲۰، فروردین

ماه سال ۱۴۰۰ شمسی

۲- دیوان لغات الترك، شیخ محمود کاشغری، ترجمه دکتر حسین

محمدزاده صدیق، چاپ اول، نشر اختر، تبریز ۱۳۸۳

۳- ریشه شناسی نام روستای سهلان، قدرت ابوالحسنی سهلان،

ماهنامه ائل بیلیمی، چاپ تبریز، شماره ۷۸، سال ۱۳۹۵

۴- تاریخ جهانگشای نادری، میرزا مهدی خان استرآبادی، نسخه

دیجیتال کتابخانه هندوستان:

<http://ndl.iitkgp.ac.in/document/QTdodkktb1RLQkJOYKYzMW5BaVp3NDddikxPR1JSRTJmU1dy221iUEE4MD0>

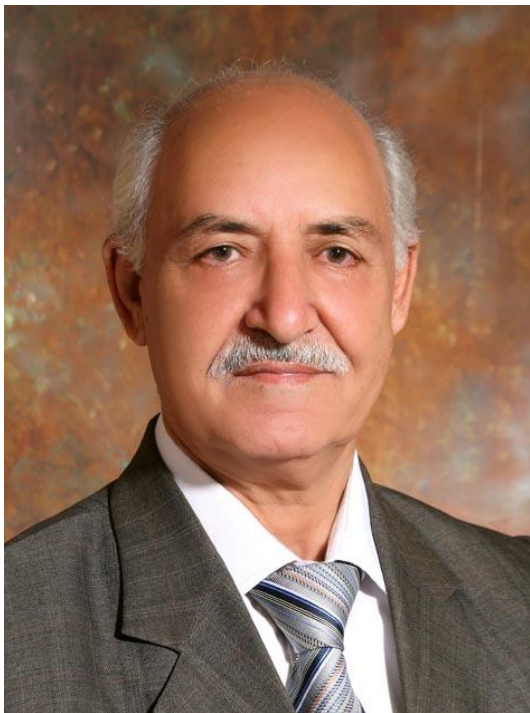
۵- سفرنامه جیمز مویه جلد ۲

[Second voyage en Perse, en Arménie et dans l'Asie \(Mineure: fait de ..., Volume 2](#)

- By James Justinian Morier)

<https://books.google.com/books?id=zFJCAAAAcAAJ&pg=PA211&lpg=PA211&dq=James+Justinian+Morier+sahal&source=bl&ots=8rzbltPKf&sig=ACfU3U3LElj3j4Mq1HUrXK2QyUodoUGtA&hl=en&sa=X&ved=2ahUKEwjh9v>

عبدالعلی مجازی (آسلان) آذربایجانمیزین دیرلی فولکلورشناسی



خدافرین درگیسی امکداشلاری دا
دیرلی استادیمیزی آد گونو
مناسیتیله تبریک ائدیر. اوزون عمر
و جانساغلیغی دیله ییر.

مریم مجازی

۱۳۲۵ نجی ایلین اسفند آییندا تهراندا مهاجرت
ائتمه مجبوریتینه معروض قالمیشام. ۱۳۴۶ نجی
ایله تاهل اختیار ائدیب ائولنمیشم، اونون
حاصلی ایکی اوغلان بیر قیز دیر.

یوخاریدا یازدیغیم سوزلرین شرحینه گؤره
کتابیمدا چاپ اولان شعرین بیر قسمتینی
گتیریرم، اولسون کی بو بیتلر بیوگرافیانی
آچیقلاسین.

اون یاشیمدا منده گلدیم تهراندا
یولوم دوشدو، لاله زارا، مهرانا
قالمیش ایدیم مات و مبهوت حئیرانا
آیاق آچدیم، اوندان بهارستانا
قالانی سیزلر سالیق حسابا
کاغاذ توتماز، گرک یازیم کتابا
اوندان سونرا، نه لر گلدی باشیما
فلک گونده آغی قاتدی آشیما
آنا اولدو، منه خبر گلمه دی
سانمایین کی، بو خبر بیر کلمه دیر
ائتدیم کی، آنام چوخدان اولوبدور

۱۳۱۳/۷/۴ ایله آذربایجانین گؤنئی ماحالی،
شبستر شهرینین شمالیندا، میشوو داغینین
سولو - چاپلی، چئشمه لی - بولاقلی، گول -
چیچکلی، باغ - باغاتلی، خوش هاوالی اتکلرینده
یئرلشن شانجان کندینده بیر اثرکن ال صنعتلی،
مال - داوار ساخلایان، اکینچی لیک ائدن و شال
توخوماقلا ایمرار معاش ائدن بیرعائله ده آنادان
اولموشام.

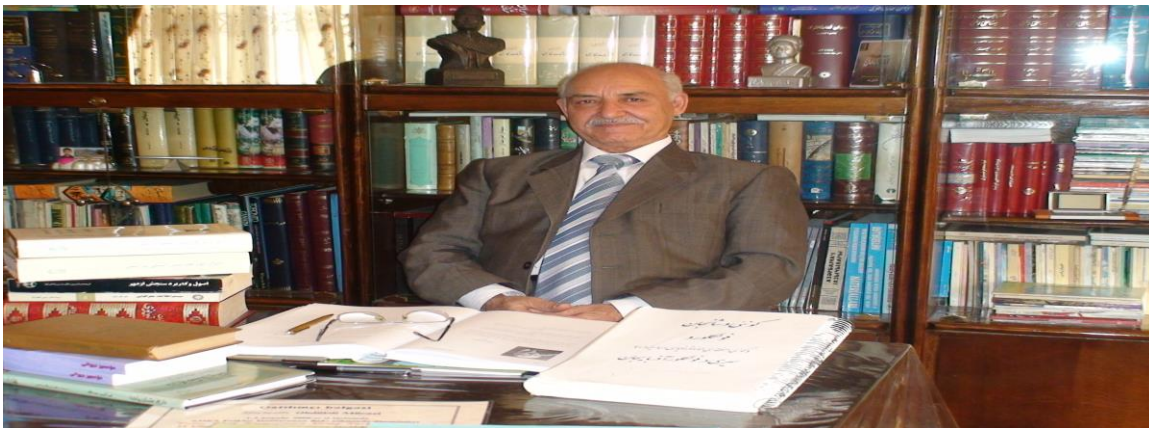
آذربایجانین وضعیتتی قولای اولدوغونا و
تحصیل ایمکانی اولمادیغینا گؤره ۱۱ یاشیما قدر
سوادسیز ایمیشم، ۱۳۲۴دن ۱۳۲۵ نجی ایله قدر
فرقه دمورات زمانی، تحصیل اجباری، عمومی و
رایگان اولدوغونا گؤره بیر ایل آنا دیلیمده درس
اوخوماغا نائل اولموشام. ائله بو ایللرده مهربان
آناییم سؤز - سووندان، باشلارینا گلن قضوو
قدرلردن، شاهلاردان، خانلاردان، بهی لردن، قدیم
کندلرین و ائولرین تالانماسیندان، قادینلارین
قورخودان تندیرلرده گیزلنمه لریندن، باهالیقدان،
آجلیقدان، طاعون، وبا خسته لیگیندن، دبلردن،
رسملردن، دوزگونلوکدن، ایماندان، قیامتدن و
شیرین - شیرین ناغیل لاریندان فایدالانمیشام. ۱۲
یاشیمدا میلی حؤکومت دییشیلندن سونرا همان

یئنه آرزوم دوشدو قالدی اؤتوشدوم
 چوخ کتابلار آلیب، بیغیب، اوخودوم
 کلمه‌لری بیر - بیرینه توخودوم
 بحث ائله‌دیم^۸ انجمنلر ایچینده
 سانکی رشبر^۹، قالیب چۆلده، بیچینده
 هر نه یازدیم سؤزوم باشا یئتمه‌دی
 آرزولاریم، یئنه قالدی، بیتمه‌دی
 گئندمه‌دیم مکتبیمه سون قویام
 تحصیل اوچون تامارزی‌یام، یانقی‌یام
 بؤیوک آرزو منه درس اوخوماق دیر
 درس اوخوماق، سانکی فرش توخوماق دیر
 شعر یازدیم، اؤز اؤزومه باغلاشیم
 «اصلانی» یادیم سالیب آغلاشیم
 اونا گۆره «آسلان»^{۱۰} آدی سئچیلدی
 پالتار تکین دوز اگنیمه بیچیلدی
 لیاقتیم اولسا اونو ساخلییام
 «آسلان» اوچون من هامی دان حاقلییام

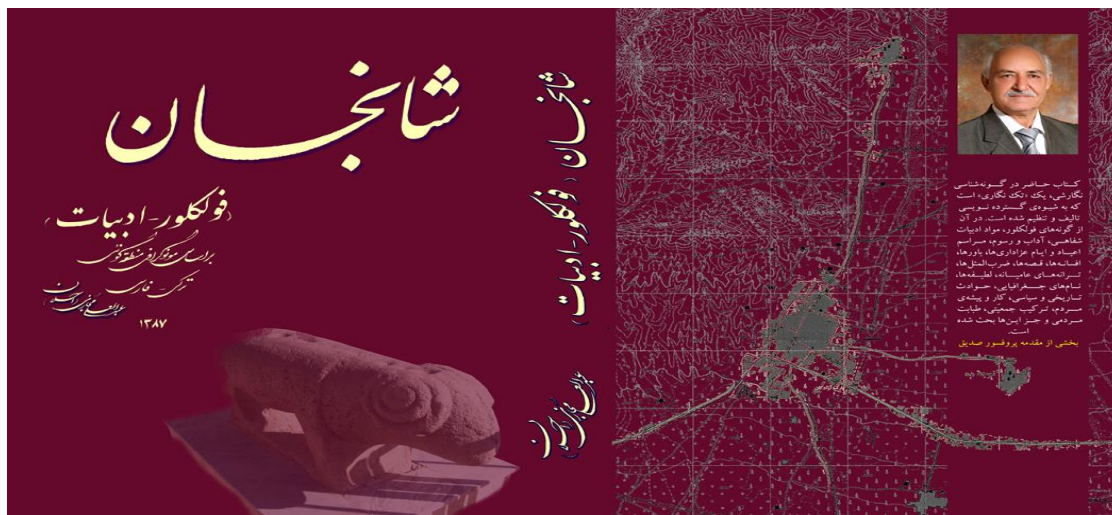
هر حالدا ۲۵ ایلدن سونرا یئنه درس اوخوماغا
 باشلایب، ادبی دیپلم آلدیم و سونرا مدیریت و
 فنی تعمیرات رشته‌لرده دیپلم آلیب و اداره آب
 تهراندا کارمندلیق ایشینه مشغول اولدوم.
 ۷۵ ایل تهراندا یاشادیغیما و فارس دیلی و
 ادبیاتیندا ادبی تحصیل آماغیما و ۲۵ ایل
 اداره‌لرین دفتر و یازی ایشلرینده ایشله‌مک و
 مختلف مدیریت و اداری دۆره‌لری گۆردوگومه
 باخمایاراق، آنا دیلیمده یازیب یاراتماقی اؤزومه
 بیر یوکسک بورج بیلیمیشم.

اوشاقلیقدا تورک دیلینه عاشیق اولدوغوما و
 بیر ایل ده اوشاقلیقدا تورکجه اوخوماغیما گۆره و
 آنامین شیرین - شیرین لایلالاری سینما پرده‌سی
 کیمی گۆزومون اؤنوندن کئچر و یادیم دوشرکن
 هر هارادا روزنامه، کیتاب و نشریه تاپسایدیم،
 آلاردیم اوخویاردیم و ساخلایاردیم، ایندییه‌دک

نه دی - نه وار؟ (سینه‌پهلوی)^۳ اولوبدور
 ایکی ایلدن سونرا خبر وئردیلر
 گوللریمین چیچک‌لرین دردیلر
 ائشیتدیم کی آنا اولوب ایکی ایلدی
 قوهوم - قبله، بیر - بیریندن سئچیلدی
 ایکی ایلده آناسیزام بیلیمیردیم
 آغلامیردیم، گۆز یاشیمی سیلمیردیم
 بیلن گوندن دائم قارا گئیردیم
 فلکه ده اوزو قارا دئیردیم
 باجی - قارداش، قالیب کتده اوزاقدا
 یئتمیم اوشاق، او دا قاردا، سازاقدا
 قورخولو تهراندا^۴ نئجه یاشاردیم
 ناشیلیغی سوودوم، بیر آز باشاردیم
 نئچه کرن^۵، اولوم‌لردن قورتاردیم
 چوخ قویونو باشا کیمی اوتاردیم^۶
 قراریمدا کیشی کیمی، دوراردیم
 حساب‌لاردا اؤزه زیان ووراردیم
 باش ساخلادیم یار یولداشین ایچینده
 دوز یاشادیم، مین اووباشین ایچینده
 بحث ائله‌دیم، سیاسته قاریشدیم
 کوسموشودوم، دوستلار ایله باریشدیم
 درس اوخودوم بیر آرزوما یئتیشدیم
 آمما بؤیوک آرزوم ایله آتیشدیم
 هرئیلده‌دیم، بو آرزوما چاتمادیم
 آمما هئچوقت هدفیمی آتمادیم
 بیر آز یئنه، درس اوخودوم اولمادی
 بیر قیراندان^۷ چوخ سحره قالمادی
 مجبور اولدوم تحصیلی ترک ائله‌یم
 تحصیل اوچون عهدیمی برک ائله‌یم
 ایگیرمی بئش ایل او زاماندان گئچنده
 ائوله‌نیبم آرواد اوشاق ایچینده
 تحصیل آلیب درس اوخودوم تازادان
 ائله بیل‌کی، اوندا اولدوم آنادان
 گئجه گوندوز درس اوخودوم یاتمادیم
 هئچوقت علمی آیری زادا ساتمادیم
 عالیم‌لره، گئتدیم، گلدیم، قاتیشدیم



- نئچه دؤنه یازدیقلاریم و کیتابلاریم جیریلیب
- ایسلانید و یانیبدیر، یئنه او مسئلهلره باخمایاراق،
- انقلابدان (۱۳۵۷ش) بویانا تورک دیلینده هر نه
- کیتاب، روزنامه و درگی چاپ اولوبدور،
- چالیشمیشام کی آلیم، اوخویوم و ساخلایم.
- ایندی ۸۸ یاشیمدا و گوزلریمین خسته لیگینه
- باخمایاراق اؤز ائو کتابخانامدا اوخویوب یازماقلا
- باشیمی قاتیرام.
- تورکون تکمیلی ادبی دیلینی اؤیرندیگیم
- اوستادلاریمدان مرحوم دکتر تیمور پیرهاشمی،
- دکتر حمید نطقی، پروفیسور محمد تقی زهتابی،
- پروفیسور غلامحسین بیگدلی، پروفیسور حمید
- محمدزاده، اوستاد عبدالکریم منظوری خامنه،
- دکتر علی کمالی، علی تبریزی، دکتر جواد هیئت،
- دکتر حسین محمدزاده صدیق، اوستاد یحیی
- شیدا و اوستاد محمد علی قوسی فرزانه و...
- آدلارینی قید ائتمه لییم.
- آنادان اولدوغوم کندین (شانجان و شبسترین)
- ادبیات و مونوگرافیاسینی «شانجان- فولکلور و
- ادبیات» ادلی کتابینی ۶۵۰ صفحه ده یازمیشام
- کی ۱۳۹۰ ایلین بهمن آییندا انتشارات اندیشه نو
- توسطی ایله چاپدان بوراخیلیب. شانجان کیتابیندا
- بو موضوع لاری اوخویا بیلرسیز:
- گونئی منطقه سیندن جغرافی و اقتصادی
- بیر تحقیق
- آذربایجان و گونئی فولکلوروندان اؤرنک
- چیله مراسملری
- آخر چرشنه و چرشنه آخاشمی: (بازارا
- گئتمه، چرشنه لیک، اؤد یاندرماق، کلید
- سالماق، تاباق آپارماق، باجالیق یا شال
- ساللاماق، قاشق چالما، بؤرک آتما، سودان
- آلتدانماق، یومورتا بویماق و یومورتا
- دؤیوشدورمک و ...)
- نوروز بایرامینین تاریخی مسئلهلری و
- مراسملری: (چیل یاسین سویو، نیسان
- سویو (آب نیسان)، سایلار و ساینچیلار،
- کوسالار و کوساچیلار، تکه چیلر، چؤمچه
- خاتون و سایر...)
- چاووشلار، درویشلر، شکل
- دؤلندیرانلار، باشاق ییغانلار
- دبلر، ادبلر، ایناملار و افسانهلر: (قورخو
- تۆکمک، دعا یازماق، یومورتا یازماق، یئره
- میخ چالماق، جین وورماق، ال آروادی،
- قارا باسملار و ...)
- آذربایجان فولکلوروندا ناغیلار
- معاصر دؤورده یارانان فولکلور
- گولمه جهلر
- اوشاق فولکلورو
- پئشهلر: (توکانچیلیق، آل وئرچیلیک و
- تجارت، مالدارلیق، اکینچیلیک، قوروقچو



ایلدن باشلانیب ایندییه قدر (۱۴۰۱ شمسی) ادبی درنگرده مستمر ایشتیراک ائدیپ و شعرلر تقدیم ائتمیشم کی، بیر آزی شانجان کتابیندا چاپ اولوب و قالان شعرلر و مقاله لیریمی اگر عؤموردن قالارسا اونلاری دا چاپ ائنده جگم. باکی شهرینده اولان «یازیچیلار بیرلیگی» نین فخری عوضوو و تهراندا «صابیر ادبی انجمن» و شبسترده «انجمن ادبی شیخ محمود شبستری» نین ده عوضوویام.

صابیر رستمخانلی، نصرت کسمنلی، محمد آراز، بختیار وهابزاده و گولنیگار رحیملی نین شعرلرینی عرب الفبامیزا کؤچورموشم و مهد آزادی روزنامه سینده چاپ اولوبدور. همچنین عزیزه خانیم جعفرزاده نین یازدیقی عاشیق پری مجلسی نین شاعرلریندن گولشاد خانم و سایره لریندن ده کؤچورموشم کی اونلار دا مهد آزادی روزنامه سینده چاپ اولوبلار.

میرزا عباسعلی واثقی «واثق» ین بیوگرافیاسی و شعرلرینی ییغیب اونو غروب مجله سینده معرفی ائتمیشم.

فولکلور ساحه سینده «سایالار، کوسالار، قوچ قاتما، دول گلمه، ساغین، قیرخیخ» و «نوروز بایرامی و آخر چرشنه مراسیملری، چیلله گئجه لری، چیل یاسین سویو، نیسان سویو»، و «اکین و بیچین دبلری، ایناملار، افسانه لر، روایتلر، ناغیللار، تویلار،

بوستانچیلیق، پتکچیلیک، شالچیلیک، باغدارلیق، بونا سالماق، دییرمانچیلیق، داغچیلیق، تورپاقچیلیق، دللک (سلمانی)، حامامچیلیق، پینه چیلیک، داشچیلیک، چلنگر و چوبتچی، چرچی خیرداجی، اووچولوق، کهلیک توتماق، غربت چیلیک و مکتوب گلمه)

- ائل طبابتی: (بوغاز باسما، قولاق چیرتماق، قارین باغلاما، سینیق چیلیق، حجامت و ...)
- ساخلامالار: (سود، یوقورد، پنیر، آلمالار، قاخلار، قوون - قارپیز، میلان (اوزوم)، قوز - بادام، کیشمیش، قووورما، دری ساخلاما، رشته کسمک، لپه، یارما و ...)
- گونئی منطقه سی حادثه لرده: (جیلوولار، قیتلیق ایلر، ملی تاریخلر، چالدران موحرابه سی، قیز قالاسی و قیز کؤرپوسو و ...)
- گونئی ادبیات تاریخیندن اؤرنک
- مؤلفین عمومی و اختصاصی شعرلری: (مشاعرلر، تعریفلر، غمنامه لر، دانیشیق لار و ...) و سایر موضوعلار...

قید ائتمه لییم کی «انجمن ادبی استاد شهریار»، «گونئی مدنیت اوجاغی» و «میشوو کولتور درنگی» نین مؤسس عضولریندن اولموشام. ۱۳۶۲

گله جگینه اولوسلار آراسی فولکلور سمپوزیوملاری - ندا ارائه ائتمیشم.

-ژانویه ۲۰۰۳ «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله جگینه بیرینجی اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی» سایالار و کوسالار مقاله سی؛

-مارس ۲۰۰۴ «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله جگینه ایکینجی اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی» نوروز بایرامی مقاله سی؛

-نوامبر ۲۰۰۵ «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله جگینه اوچونجو اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی»، آخیر چرشنبه و آخیر چرشنبه آخاشمی شبستر ماحالیندا مقاله سی؛

-نوامبر ۲۰۰۶ «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله جگینه دوردونجو اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی»، آذربایجان و گونئی منطقه سی نین فولکلوروندان اورنک: چیلله مراسیم لریندن، چارچار، چیلله، کیچیک چیلله، جریان بولاق، کوسالار.

-اکتبر ۲۰۰۷ «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله جگینه بئشینجی اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی»، آذربایجان و گونئی منطقه سینین فولکلوروندان اورنک: کوسالار و کوساچیلار، کوسا بی لرین تعریفی، تکه چیلر، چاووش یا چووش، درویش لر، شکیل دولاندرانلار، باشاق ییغانلار.

-نوامبر ۲۰۰۸، آذربایجان فولکلوروندا ناغیل لار، ناغیل لارین باشلانیشی و قورتالیشی، کئچل و قاضی، اشرف عمی نین ناغیلی.

یاسلار، آغی لار، قارقیشلار، چاووشلار و اوشاق فولکلورو و شعرلری» باره ده و گونئی ده توی مراسیم لرینی، اویونلارینی، شنلیکلرینی و فولکلوروموزون نئجه داوام تاپماسینی، عاشیق لارین سازلی سؤزلرینی و سازلی ناغیل لارینی، تاپماجالارینی و آیری- آیری قونولاردا تحقیقات آپاریب و مقاله لر یازمیشام کی مختلف درگی لر و قزئتلرده چاپ اولوبدور. اولناردان نئچه سینی ده قید ائدیرم کی، هله لیک کتاب شکلینده چاپ اولماغا ایمکان تاپماییلار.

- اؤز خاطره لریم (تلخ و شیرین) فارسجا ۲۵۰ ص؛ - سون اون ایله ده یازدیغیم شعرلر؛

- زلیمخان یعقوبون «من بیر داغ چایی یام» و «اؤلمپه گئدن زلیمخان» کتاب لارینی عرب الفباسینا کؤچورموشم کی هله چاپ اولمایبیدیر. آشاغی دا آدلاری گلن درگی لر و گونده لیکلرین هامی سی دفعه لرله فولکلور ساحه سینده منیم یازدیغیم مطلب لر و شعرلریمی چاپ ائدیبلر:

ارمغان آذربایجان، وارلیق مجله سی، اختر، مهد آزادی، فروغ آزادی، یول، اسلامی بیرلیک، نوید آذربایجان، فجر آذربایجان، جوالدوز، دیلماج، ائل بیلیمی، بهار زنجان، بایرام زنجان، سینای همدان، پیام شبستر، میشوو هفته نامه سی، گونئی مدنیت اوجاغینین داخلی نشریه سی، میشوو کولتور درنگی نین داخلی نشریه سی، آذری، خوی نگار، تپش قلم، آغری، خدافرین، غروب.

بورادا قید اولونان مقاله لری، آذربایجان رسپوبلیکاسی نین فولکلور انستیتوتوندا کئچیریلن «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک



فولکلور قیلاووزو، گولدورلو ولینین، بهروانین و صمد مرادینین شعر مجموعهسی، محمد رضا کریمینین آذربایجان فولکلورو، هاشم ترلانی گوموشو پنچک کتابی، حسن جعفرزادهنین آتالار سوزونون کؤکو، و علی دنیابینین عؤموردن اؤتن ایلر کتابی.

سحر تلویزیونونودان پخش اولونان نیچه برنامهده ایشتیراک ائدی و فولکلوروموزا راجع جانلی دانیشیق آپارمیشام.

۱۳۶۸- دن تقاعددا یاشاماغیما باخمایارق، اوتوز ایله یاخین گونئی منطقهسی و خصوصی ایله آتا- بابا یوردوم و اورکدن سئودیگیم شانجان کندی و گونئی منطقه سینین مونوگرافیاسین، تاریخ ادبیاتین، فولکلورون، اونلارا قوشدوغوم شعرلری و آتا- بابا سؤزلرینی الیمدن گلن قدر یازیرام.

گونئیده توی مراسیملرینی، اوینلارینی، شنلیکلرینی و آیری کندلرده فولکلوروموزون نئجه داوام تاپماسینی، عاشیقلارین سالی سؤزلرینی و سالی ناغیللارینی، تاپماجالارینی یازماقلا باشیمی قاتیرام.

آذربایجان اوغلو

آذربایجان اوغلو شانجانلیام

عطیرلی دیر یوردوم باللی شانلیام

افتخاریم بو دور دوز نیشانلیام

ؤز یولومد دوز گئدرم قورخمارام

هئچ اغیارین قیهاسینا آخمارام.

آذربایجان اوغلو من مجازی یام

وفالی ائلرین من بیر آزی یام

گونئی ماحالینین اینجه نازی یام

من دئییرم هامی گرک دوست اول

انسان گرک دوستلاریلا راست اول.

آذربایجان اوغلو اسلانام بیلین



-نوامبر ۲۰۱۰ «ورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله جگینه آلتینجی اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی»، شبستری حسین (حسین کرد شبستری) پهلوانین حیدرآباد سفری.

بو کنفرانس لاردا ارائه ائتدیگیم مقاله لرین هامیسی «ورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله جگینه، اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسینین ماتریال لاری» کیتابلاریندا چاپ اولونوب. قید ائتمه لییم کی، بو کنفرانس لارین هامیسی آذربایجان میلی علملر آکادمیاسی (AMEA)، فولکلور اینستیتوتون طرفیندن کئچیریلیب.

-ترکیه ده ۲۰۱۱-جی ایل ژانویه آیینین ۱۰-۱۱-داجی بکتاش ولی کولتور درنگی طرفیندن کئچیریلن «اولوسلار آراسی، حاجی بکتاش عاشورا گونو» کنفرانسیندا، محرمده عاشورانین تاریخسل مسئله لری حاقدا مقاله ارائه ائتمیشم.

آدی گلن کیتابلاری تصحیح ائتمگه ایمکان تاپمیشام: مئشین کیتابی، دده قورقود کیتابی،

پاريلدايان و نورلا دۇلان يئره راست گلنده آغزى
آچيق قالاردى.

۲- بهارستان: همان بهارستان مئيدانى كى؛ ميللى
شۇرا مجلسى اوردایدی، اۇردا هر گون نمايش،
ميتینگ، چيخيش و تظاهرات اولاردى.

۳- سینه پهلو: فارس ديليندهدير، انسانين
سينهسینه سويوق دگنده تنگه نفس اولار و
سينهسى آغرييار، ائله بو ساده مسئلهيه گۆره آنام
اولموشدو.

۴- قورخولو تهران: تهران مخوف آديندا بير كتاب
وار، اونو اوخويون! او زمان تهرانين آن قورخولو
زمانى ايدى. هرگون چوخلو اوشاق يا بويوك آدام
يوخ اولاردى، ساواشماق، اوغرولوق و ظولوم
حددن آشميشدى. اصغر بروجردى (اصغر قاتيل)
معروف ۱۳ اوشاگين باشيني كسميشدى كى
اعدام اولدو.

- نئچه كرن: نئچه مرتبه: دفعه: دؤنه - دؤنه.

۶- باشاكيىمى اوتاردیم: تورك مثل لريندن
بيرىدير، او دا منفي يئرده ايشلەنر، دئيرلر
«فلان كس كيمنين قويونون باشاكيىمى
اوتارمايبيدير» آما من باشا كيىمى اوتاريرديم.

۷- بير قيران: اوشاقلينغيمدا تهراندا درس
اوخوياندا، او قدر بئكار قالديمكى، يالئيز بير (۱)
ريال وار دؤولتيم قالميشدى، اونا دا بير دنه
چورك وئرديلر. اونا گۆره يئنهده تحصيلى ترك
ائتديم.

۹- رشبر: رنجبر سؤزونون توركلشميشى، بورادا
اكيىنچى يئرینه ايشلەنير و بورادا، اونون گون
قباغيندا تكجه و يالقيز و كؤمكسيزجه سینه
چاليشماسينا اشارهدير و منيم ده يالقيز جا

۱۰- آسلان شانجان: جوان قارداشيم امير اصلانين
اولومونه گۆره آسلان تخلص ائديرم.

عاشقى يم يوردون هم آنا ديلين
گلين اورگيمدن بو پاسى سيلين
اوندا يوز ياشارام ائللر ايچينده

ائل يادىما دوشوبدور

شانجان دياريندان اوزاغام دوستلار
داريخميشام، ائل يادىما دوشوبدور
دوستلاريم بير دسته گول باغلاديم
اوزاق - اوزاق يول يادىما دوشوبدور
گزدیگيم او يئر يورد، ياشيل چيمنلر
عطير ساچان گول يادىما دوشوبدور
تورپاغينا قوربان آنا يوردومون
ميشو داغى ذيل يادىما دوشوبدور
آنام منه لايلى دئييب بو يئرده
اوندان قالان ديل يادىما دوشوبدور
سوسنى لر گوى چيمنلر سويودلر
تحويلدارين گول يادىما دوشوبدور
جوانليق چاغيمدا گزدیگيم يئرلر
مغان ايله ميل يادىما دوشوبدور
سولو چايلى چول يادىما دوشوبدور
«اسلان» ام دئييرم اورك سؤزومو
بهار فصلى سئل يادىما دوشوبدور
عبدالعلى مجازى «اسلان»

۱۴۰۰/۱/۲۲

ايضاقلار:

۱- لالهزار و مهران كوچهسى: ايكي شلوغ خيابان
و كوچهكى، قديم تهرانين ان بيرينجى گرمهلى
يئري ايدى و منيم كيىمى كند اوشاغى، و كنده
بئشليك لامپادان باشقا بير چيراغ گۆرمهين آدام،
ايندى بو جوړه گۆزل و برقين ايشيغيندان هر يان

میرزا علی اکبر صابر

رحمتلیک پروفیسور دکتور حسین

محمد زاده صدیق (دوزگون)

قید ائتمه لیم کی اونون مرآت، فاضل، آغلار
گولن، ابونصر شیبانی، سودایی، بوینوبوروق، هوپ
هوپ و صابردن علاوه بیر امضاسی دا دین دیره
گی ایدی.

صابر ایکی جبهه ده ساواشان بیر مبارز مسلمان
شاعر ایدی. ایلک جبهه آوروپا و روس تبلیغاتینا
آلدانانلار کی ظاهرده اؤزلرینی ترقی پرور
گؤسترسه لرده، مسلمان ملتیرین بیر - بیریندن
آیریلما سینی اؤزلرینه هدف ساییردیلا. ایکینجی
جبهه خلقین پاک و معصوم مذهبی
احساساتیندان سوء استفاده ائدن خرافه و اوهام
تبلیغ ائدن ملانمالار کی حتی نئجه کی سید
عظیمی، صابری ده تکفیر ائتدیلر.

او سون نفسلرینده فارسجا بیر رباعی ده دئییر:

راهم بدهید رو به راه آمده ام،

بر درگه حضرت الاله آمده ام.

بی تحفه نیامدم، نه دستم خالی است،

با دست پر از همه گناه آمده است.

۲. ایکینجی بو کی صابر اؤز نفسی ایله جهاد

ائتمیش یعنی «جهاد نفس» اصلینه

رعایت ائتمیش و مجاهد بیر مسلمان

کیمی فداکارلیغا باشلامیشدیر. علی اکبر

دهخدا بو ساحه ده یازیر:

«صابر مجدد بزرگ ادبیات ترکی آذربایجانی است.

وی، اشعار را وسیله ی ستایش و تملق گویی به

این و آن قرار نداد و به روش مستقیم رئالیزم و

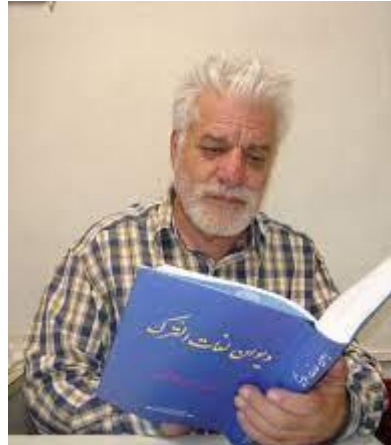
حقیقت پرستی به اصلاح جامعه و انتقادات مؤثر

پرداخت و طبع خلاق و مصور او به نقاشی و

مجسم کردن عیوب معاصر در شکل و مقیاس

بسیار برجسته و جالب توجهی آغاز کرد و با ریزه

کاری های بسیار دقیق و ظریف حقایق را برملا



صابر تخلص ائدن میرزا علی اکبر طاهرزاده

۱۲۷۸ هـ. ده دنیا یا گلیمیش و ۱۳۲۹ هـ. ده وفات

ائتمیشدی.

۱. اولاً بو کی صابر مسلمان شاعر دیر، داهای

دوغروسو او اهل بیت^(ع) شاعری ایدی.

مذهبی بیر عائله ده دنیا یا گلیمیشدی

اوشاقلیق و یئنی یئتمه ایللرینی مکتب

خانادا قرآن و ادبیات اوخوموشدور،

جوانلیغیندان نوحه یازماغا باشلامیشدیر

و بیر طرفدن ده سید عظیم شیروانی نین

شاگردی اولموش و حقیقی اسلامی

یاخشی تانیمیشدی هم اسلام دشمنلری

و همده اؤزلرینی مسلمانچیلیغا ووران

ریاکارلاری و همده جوهره جوهره خرافه

لری اسلام دینی آدینا تبلیغ ائدنلری

افشاء ائدیردی. او، فلسفی، تعلیمی و

مذهبی شعرلری یانیندا طنز ی اؤزو

اوچون ان مهم مبارزه ساحی

سئچمیشدی.

دئییرم هجو، سؤزوم دوغرو، کلامیم شیرین،
اهل ذوقه وئررم نشئه بو خوش شربتدن.

۳. اوچونجو بو کی صابر اؤزونون دئیگی
کیمی «آجی گولوش» و یا طنز
شاعریدیر. آوروپالیلارین ساتیرا Satire
دئییکلری بیر ادبی قولا، بیز طنز
دئییریک. یعنی طنز، «گولوش» مقوله
سی نین بیر قولو سایلییر. لکن ایراندا بو
کلمه بیرری بیرله چوخ فرقلی اولان
معنلار داشیمیشدیر. ادبیاتین گولوش
بؤلومو و قولوندا ایچه ریک، محتوا و
اوینادیغی رول باخیمیندان نچه فرعی
دالار و شاخه لر واردیر. مثال اوچون:

۱. مزاح ۷. استهزا ۸. مسخره ۱۴. ظریفلیک یا ظرافات
۲. شوخلوق ۹. نیشخند ۱۵. کمدی
۳. هزل ۱۰. یانشاقلیق ۱۶. اله سالما
۴. هجو ۱۱. گه وه زه لیک ۱۷. طنز یا آجی گولوش
۵. جوک ۱۲. فکاهی ۱۸. اوغازا قویما
۱۹. لاغ ائتمه

۱. هر بیرری اؤزل و خاص بیر موضوع و محتوا
داشییر. مزاح ساده جه گولدورمک و طرف
مقابله بشاشلیق و سئوینج ایجاد ائتمه اوچون
ایشله نر و اوندا هئج بیر سیاسی، اجتماعی،
توهین، تهجین اولماز. مثلا عالیملر و معلملر
اوزون موعظه و درس زمانی، سؤزون اورتاسیندا،
موضوع ایله اوینون بیر گولمه لی جمله دئمکله،
هامی نین هم گولمک و بشاشلیقلارینا سبب
اولارلار و همده دانشیلان سؤزه توجه و دقت
چکرلر.



ساخت و مبتکر طرز ادا و شیوه ی بیان خاصی
شد. وی از افکار و از نویسندگان عصر خود، قرن
ها پیش افتاد و در تشریح مسائل اجتماعی و
سیاسی ید بیضا کرد و یکی از طرفداران جدی
آزادی و حکومت مشروطه بود و در ریشه کن
کردن استبداد، همه را تحریض و ترغیب کرد.
جرائد و مجلات وقت مانند: حیات، فیوضات،
رهبر، دبستان، ملانصرالدین، الفت، ارشاد، گونش
صدا، حقیقت، یئنی حقیقت و معلومات از نبوغ
قلمی وی استفاده می کردند.»

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی الذریعه اثرینده و
مرحوم مدرس تبریزی ریحانه الادب تذکره
سینده اونو اصیل ایرانلی ساییرلار. مرحوم مدرس
یازیر: «صابر در مدیحه گویی دروغ اکابر صرف
وقت ننموده و در جواب اشخاصی که به عدم
قدرت او در این باب طعن می کرده اند. می گفته
است:

«اگرچه در مدیحه گویی دروغ به طمع پول
مقتدر نیستم. لکن در هجو صادق بسیار مقتدر
هستم.» و این اشعار را انشاء نمود:

شعر بیر گوهر یکدانه ی ذیقیمتدیر،
سالمارام وصف دروغ ایله اونو قیمتدن.

دالیر و فسادہ پردہ سی نین دالینی گورور، غم، غصہ و غضب حسلری کئچیریر.

طنزین مهم اؤزللیگی بودور کی صنعتکارلیق ایله ایکی ضد بیر اینانچ، عقیده، رسم و عادت ییری - بیر نین قارشیسیندا قویور و ایکیسیندن بیر نین ایگرنج اولدوغونو آندیریر.

صنعتکار شاعر طنز مقوله لی شعر و نثر اثرینی ائله یازیب یارادیرکی اوخوجو اورادا طنزی حس ائدیر و ایکی ضد اولان ایده یانی قارشی قارشیا قویور.

طنزده سئوینج قهقهه سی یوخدور، بلکه آجی گولوش واردیر. طنزده اولان گولوش، شماتت و اعتراض گولوشودور و اصلینده اجتماعی بیر تنبه دیر.

صابرین طنزینده آشاغیداکی مقصدلر هدف توتولوبدور:

۱. ظلم و فسادا و ریاکارلیغا اعتراض و تنقید.

۲. موجود وضعیت یی اصلاح ائتمه و دگیشمه قصدی.

۳. جهالت اساسیندا قورولان عادت و سنتلرین افشاء ائدیلمه سی. طنزده توهین، تهجین و تنبلیکدن حاصل اولان گولوش یوخدور. طنز یازانین مقصدی خدمت و اصلاحدیر. طنز یازان عیب لری نمایش وئرمیر بلکه مخاطبینی اونلاری رفع ائتمگه تحریک ائدیر.

سمبولیزم و تیپیک طنز

طنز، هجو کیمی بیر خاص شخصی نظره آلمیر و قصدی بیر منفور و گولونجک اجتماعی تیپی افشاء ائتمکدیر. مثلا اگر صابر محمد علی شاهین عمللری و ایشلرینه طنز یازیر، اونو تیپیک بیر

۲. هجو ایسه مدح سؤزونون ضدی کیمی ایشله نیر. هجوده ده گولوش وار، لاکن اونون موضوعو بیرینی و یا هر بیر زاده تعریفلمه یئرینه پیسلمه و آشاغیلاما واردیر. یامان یاووز و مسخره لر ایله دولودور و حتی اوندان توهین و تهجین واردیر.

۳. هزل ایسه جدّ سؤزونون ضدی دیر. بورادادا یانشاقلیق و یاوا دانیشما و گه وه زه لیک اوستونلوک داشییر و هزل یازانین هنج بیر انسانی و تعلیمی قصدی اولماز.

۴. جوک گولوش مقوله سی نین ان آشاغی سویه لی دالی و شاخه سی ساییلیر. جوک دئییه یی قصدی اؤزونون منسوب اولدوغو توپلومون، بحث موضوعو ائدن بیر باشقا توپلوم قارشیسیندا کیچیک لیک و آچاقلیق حسّ ائتمه سینی جبران مقصدی ایله او قوم، ملت و توپلومو آشاغیلاما قصدی ایله قوراشدیردیگی بیر گولمه لی سؤزه دئییریک کی البته بورادا یالیز بیر طرف گولور و ایکینجی طرف یعنی مخاطب و یا بحث موضوعو اولان هر کس ناراحت و اینجیک حالا گلیر. نئجه کی مرحوم شهریار «الا تهرانیا» شعرینی بو اینجیک لیک اساسیندا یازمیش. جوکدا تهجین، توهین و آشاغیلاما واردیر.

لاکن طنز، درین و بؤیوک معنا داشییر و طنز یازما اوچون فداکارلیق، شجاعت، قایغی کئشلیک و اجتماعی - سیاسی مبارزه روحولازمدیر. جمعیت آراسیندا اولان هر بیر توپلوم و هر بیر صینیفین ظلم، فساد و اگرلیک لری نتیجه سینده بروز ائدن آجی حقیقت لری گولوش یولو ایله افشاء ائتمک ساییلیرکی جدّی و رسمی شکیلده دیله گتیرمک اولماز.

طنزده انسان اول گولمگه باشلاییر و یاواش یاواش گولوش دوداقلاریندا سولور و انسان دوشونجه یه

میرزا علی اکبر صابرن اوستادی سید عظیم شیروانی نین یارادیجیلیغی نین گۆزه چارپان بیر حصه سی طنز و ساتیریک شعر و نثرلریدیر. حتی او بو مقوله ده «سیچان و پیشیک» منظومه سینی ده یاراتمیشدیر.

۴. صابر یارادیجی و خلاق بیر شاعردیر.

۱-۷. ایکی دوره

صابرن ادبی یارادیجیلیغینی ایکی دؤوران بؤلّمک اولار:

بیرینجی دؤوران ایگیرمی ایله یاخین سورموشدور. یعنی اونون شعر دئمه گی و شاعرلیگی نین باشلانغیجینی اون اوچ یاشیندان حساب ائتسک، او، ایگیرمی ایله یاخین، یعنی اوتوز اوچ یاشینا قده ر (۱۲۸۴ ش. / ۱۹۰۵ م.) یالنیز شاماخی شهرینده تانینان بیر یاخشی نوحه، مرثیه، طنز، غزل و قصیده یازان یئرلی شاعر کیمی ایدی.

اونون چاپ اولان ایلک شعری ۱۹۰۵ نجی ایل شرق روس روزنامه سی نین نشری مناسبتی ایله یازدیغی تبریک شعری دیر. همین روزنامه بو شعرین باشیندا بئله یازمیشدیر:

«شاماخیلی علی عظیم اف برادریمیزین اداره میزه خیرخواهانه مکتوبوندان لفینده کی صابر تخلص لو بیر شاعرین کلامیدیر.»

ایلک چاپ اولان شعر بئله باشلایردی:

شکر لله کی آفتاب سخن،

شرق معنادان اولدو چهره نما.^۱

اونون ملانصرالدین مجله سینده نشر ائتدیگی ایلک شعر بودور:

سس سالما یاتانلار آییلار قوی هله یاتسین،

اجتماعی عامل کیمی و ظلم و فسادین سیمبولو کیمی نظرده توتور.

اصلینده طنز، اعتراض و فریاددان دوغور، ائله اعتراض کی ادبی و صنعتکارانه بیر دیل ایله بیان اولور.

شاهلیق استبدادی، اربابلیق و فئوداللیق حاکمیتی، جهالت و ساوادیسزلیق، خرافه لره اینانماق، خصوصیه خرافه پرست، قادین لار، ریاکار ملانمالار، اعتیاد و آلیشقانلیق، چوخ آروادللیق، تاجرلرده انصاف سیزلیق، باهالیق، یئنی علملره یئیلنمه حرکاتی و بو کیمی مسألر، اونون طنزی نین اساس موضوعلاری ساییلیر.

آذربایجان ادبیاتیندا طنز بیر چوخ شاعرلریمیزین اثرلرینده ایشله نییدیر.

صائب اعتقادی بیر طنزده دئییر:

اعتقاد تو به زر بیشتر از اعجاز است،

فال مصحف پی تذهیب طلا می بینی!

و اجتماعی سیاسی طنزده:

شرم و حیا چو لازمه ی چشم روشن است،

این کور باطنان ز چه شرم و حیا کنند؟

بر هر طرف که روی نهند این سیه دلان،

در آبروی ریخته ی خود شنا کنند.

دنبال زرد رویی حرص اوفتاده اند،

چون برگ کاه پیروی کهربا کنند.

مصحف به زیر پای گذارند از غرور،

دستار عقل از سر جبریل واکنند.

هر جا که بگذرد سخن از سوزن مسیح،

خود را به زور جاذبه، آهن ربا کنند.

صائب بیر شعرینده طنزی اصلینده نصیحت

آدلاندیریر و اونون مدح، هجو، هزل و طمعدن

فرقلی اولماسینا - تأکید ائدیر:

از مدح و هجو و هزل و طمع شسته ام ورق،

پند و نصیحت است سراسر کلام من.

^۱ بو معلومات اوچون باخ: صابر گولور، ص ۱۳.

ياتميشلاري راضي دگيلم كيمسه اوياتسين.
تک تک آپیلان وارسادا حق داديمه چاتسين،
من سالم اولوم، جمله جهان باتسادا باتسين.
ملت نئجه تاراج اولور
اولسون نه ايشيم وار،

دشمنلره محتاج اولور
اولسون نه ايشيم وار؟

بو شعر ايله صابر ياراديجيلیغی نین ايكينجی
دؤورانی باشلاير. خصوصيله بير ايل سونرا
ملانصرالدين نشریه سی و اونون آردینجا چيخان
نشریه لرده دواملی و دالبادال چاپ اولان صابرین
شعرلری بو دؤورانی محصولدور.

صابر ياراديجيلیغی نین ايكينجی دؤورانی بئش
ايل چكدی و بو بئش ایلده، او، عباس صحت
دیلیجه دئسك: شعرده عظیم بیر انقلاب وجودا
گتیردی.

صابرین بو بئش - آلتی ایلیک دؤورانی دا
یازدیغی شعرلری، اوندان قاباق بوتون قرنلر یازان
شاعرلرین هئچ بیرسی نین شعرلرینه بنزه
میردی. اونون شعرلری، تاماميله، هم شکل و قالب،
و هم مضمون و محتوا باخیمیندان یئنی ایدی و
بئله لیکله یئنی صابر مکتبی یارانماغا
باشلامیشدیر.

۷-۲. صابر شعرى نین خصوصیت لری
صابر شعر مکتبی نین ایلک اؤزه للیگی و
خصوصیتی، اسکی شعر فورمالاریندا دگیشیکلیک
لر یاراتماقلا برابر، فورمالارا عائد اولان سنتی
مضمونلاری دگیشدیرمه ایدی. صابر شعر مکتبی
نین سبک و اسلوبوندا دانیشارکن بعضی اؤزه
لیک لرینی بئله سایا بیله رم:

۷-۲-۱. شعر مصراعلارینی آرتیقلى (=)
مستزاد) حالینا گتیرمک و بونولا برابر، قافیه لری

دگیشیک حالا سالماق و دالی قاباق ائتمک. بو
اوزه للیک صابرین قاباقکی شاعرلرده گؤرونمه یین
و سابقه سی اولمایان بیر حال ایدی.
سن کی شریعت چی سن، ای بینوا،
قیل حیا!

شرعه آخر نه بیر احسان دا وار،
حق مسلمان دا وار،
ایندی گئت انصاف ائله.

۷-۲-۲. بوتون شعر فورمالاریندا طولی
وحدت یاراتماق. بئله کی بیر قطعه شعرین
بوتون بیتلرینده معنا باغلیلیغی ساخلانیلیر. حال
بوکی قاباقکی شاعرلر هر بیتده خاص مضمون و
معنا حفظ ائدیردیله و شعرده عرضی وحدت وار
ایدی.

من بيلمز ایدییم بختده بو نکبت اولورموش،
عزت دؤنوب آخردا بئله ذلت اولورموش.
چرخین عجباً سیری ده مین بابت اولورموش،
ملت آیلیب طالب حریت اولورموش.
ملتده ده یاھو بئله بیر غیرت اولورموش،
گئتدی منیم ملت الیمدن،

توپراق باشیما چیخدی بوتون عزت الیمدن.
۷-۲-۳. هر جوړه ابتدالداڼ اوزاق گزمه. بئله
کی شاعر اؤزونو مجبور و موظف ائدیردی درین
اجتماعی- سیاسی مضمونلاری شعره داخل ائله
سین. اونا گؤره هر مصراع و هر بیت اوخوجونو
فکره و دوشونجه یه وادار ائدیردی.

۷-۲-۴. تکرار اولونمازلیق. بئله کی صابر شعر
مکتبینده مضمونلار یئنی دیر، تکرار اولونماز دیر و
قاباقجیدان اوخوجو مضمونون نه اولدوغون حدس
وورا بیلیمیر. حال بوکی صابرین قاباقکی شاعرلرین
شعرلری نین مضمونلاری، یار و دلداردا خلاصه
اولوردو و اوخوجونون قولاغی دولو ایدی.
مثال اوچون بعضی غزللری نین مطلعلری:

و حقیقی دینی اینانجلاری محکم لندیرمگه
چالیشدی.

هر نه وئرسن وئر مبادا وئرمه بیر درهم زکات،
قوی آجیندان اؤلسه اؤلسون بینوا کندلی وقات.

*

قارداش بيله جک بیر - بیرینی شیعه و سنی،
هر امرده هم رای و هم افکار اولاجاقدير.

*

۸-۲-۷. صابر سبب اولدوکی منحرف و ساپیق
عشقدن سؤز ائدن ابتدالچی شاعرلر، یاواش -
یاواش قیراغا چکیلسینلر و فیلسوفلار، متفکرلر،
واعظ لر، ناصح لر و دوشونجه صاحبلری شعر
دئمگه باشلا سینلار.

۹-۲-۷. صابر شعر مکتبی نین ان مهم و گؤزه
چارپان اؤزه للیگی، سیاسی و اجتماعی مسأله لره
اعتنا ائتمک دیر. شعر شاهلارین قصرلریندن و
درویشلرین مورگوله دیکلری خانقاهلاردان
چیخیب قارا جماعتین ایچینه گلدی.

۱۰-۲-۷. صابر دیلیمیزده اولان مثلر، کنایه لر و
آتالار سؤزلریندن بوللوجا استفاده ائتمگه
چالیشدی و فولکلوروموزدن نوعلارینی شعره
چاغیردی. عارف شاعرلرین ایشی یالنیز عرفانی
شعرلر یازماق، نوحه یازانلارین ایشی فقط مرثیه
قوشماق و ... ایدی. قصیده یه میل گؤسترنلر
قصیده، غزلچیلر غزل و رباعی قوشانلار ایسه یالنیز
رباعی قوشوردولار. ولاکن صابر، هم مضمون و هم
فورماجا هر جوره فکره و هر جوره قالیبا یول وئرن
بیر شاعر حساب اولونور.

۱۱-۲-۷. صابرین شعرلری نین بیر باشقا مزیتی
بودورکی اونلار چوخ ساده و آنلاشیلان دیلده
یازیملیشدیر. بیر صابرشناس سین دئدیگینه گؤره،

المنه لله که دبستان دا قاپاندی،

بیر باد خزان اسدی گلستان دا قاپاندی.

*

من بئله اسراری قانا بیلیمیرم،

قانماز اولوب دا دولانا بیلیمیرم.

*

بیر مرحمت اعیانلارینا شکر خدا یا،

بو صاحب میلیونلارینا شکر خدا یا!

*

داش قلبلی انسانلاری نئیلردین الهی،

بیزده بو سویوق قانلاری نئیلردین الهی!

*

ای خواجه چالیش، صورت ظاهرده قشنگ اول،

ایسترسن اؤزون سیرت معنادا جفنگ اول.

۵-۲-۷. صابر بوتون شعر فورمالاری، خصوصاً

غزل فورماسینی بی مزه مغازله لردن نجات

وئردی، قورودو و ساخلادی. اونون سلفی صائب

تبریزی ده بئله ایش گؤرموش ایدی. صائب ایله

صابرین بو ایشده فرقلری اوندان عبارت ایدی کی

صائب شعرى تعلیمی و اخلاقی مضمونلار ایله

دولدوردو، صابر ایسه شعره، طنزی و سیاسی -

اجتماعی معنالار گتیردی.

۶-۲-۷. صابر، شعرى یوکسک درجه لره

چاتدیردی، بئله کی دوشونجه، تفکر و عقل

چیلیگی شعره داخل ائتدی و شاعری دنیا یا

سطحی باخماقدان قورتاردی و شعرده فلسفی

گؤروشلر و اجتماعی دوشونجه لره یول آچدی.

۷-۲-۷. صابر شعر وسیله سی ایله اسلام دینی

نین حقیقی و ایچ اوزونو گؤستریمگه چالیشدی و

دینیمیزه داخل اولان خرافات و موهوماتی افشاء

اؤدرک اوخوجونو اسلامین عظمتینه ساری آپاردی

کی نچہ اهل قلملر، بوراخیب جانیم غملر،
قاریشیب درد به هم لر،
اوره گیم/یندی ورملر،
غازتته، ژورنالہ بو کفرشیب لر،
نئجه جراتله رقملر یازیب،
اسلاما ستملر ائله ییرلر کی،
گره ک عالم/اسلامدا، هر اؤلکه ده،
هر شهرده، دینار و درملر ساجیلیب،
مکتب نسوان آچیلیب.

صابر عمومیتله شعرلرینی عروض بحر و وزنلرینده یازمیشدیر. لکن موضوعلاری نین یئنی لیگی و تکرار اولونمازلیغی سبب اولموشدو کی بیر سنت اولاراق ردیف و قافیه لری ایسته دیگی کیمی دگیشتسین و کهنه قایدا - قانونلاری یئنی لتسین. گرچه مخمس، مسدس، رباعی و بو کیمی قالبیلاردا شعر یازمیشدیر، آنجاق اونلاری خلقلین باشا دوشمه دیگی سؤزلر ایله یوخ، بلکه تام عادی دانیشیق دیلینده اولان کلمه لر و جمله لر ایله بزه میشدیر. اونلاری خلقلین مالی ائتمیشدیر.

۷-۲-۱۵. صابرین بیر هنری ده شعر قهرمانینی دیندیرمه، و اونلارین دیلیجه دانیشما و شعر یازمادیر. اونون شعرینده خان، بیگ، قوجا، جوان، شاه، وزیر، عوام، قارا جماعت، قادین و هر کس اؤز دیلی و شیوه سی ایله دانیشیرلار و هر کس اؤز سؤزلری ایله اؤزونو افشاء ائدیر. ساتیرام، فهله، اوخوتمورام ال چکین ا، ایکینجی، آخ نئجه کئف چکمه لی ایام ایدی و باشقا شعرلری بو اسلوب ایله یازیلیمیشدیر.

صابر، ایران فارس و تورک ادبیاتینا اؤز عصرینده درین و یارادیجی تأثیر بوراخمیشدی. بیر چوخ مبارز شاعرلر اونون آردینجا گئدیپ، حتی اونون طنز شعرلرینی فارسجا یا ترجمه اندیب گئیش یایدیلار. مثال اوچون روحانیت لباسیندا اولان

اونلاری بئش یاشیندا اوشاق بئله اوخوسایدی،
آنلاشیلماز بیر سؤز تاپماز ایدی.^۲

۷-۲-۱۲. ان مهم اؤزه للیک بوکی، او زمان، هر کس صابرین شعرلرینی اوخوماغا و ازبرلمگه باشلادی. هئج کیمسه اؤزونو اوندان احتیاج سیز گؤرمه دی. هر کس صابره احتیاج حس ائتدی و صابرین شعر باره سینده دئدیگی آشاغیداکی سؤز تحقق تاپدی:

خلقلین اوخومادیغی و ازبرلمه دیگی شعر،
شعر دگیلدیر.

۷-۲-۱۳. صابرین خلاقتینده، موضوع گئیشیلیگی واردیر. بئله کی او، عائله حیاتی نین ان عادی مسأله لریندن توتوموش، دنیانین مهم سیاسی حادثه لرینه قده ر میدان آچیر و شعرلرینده هر بیر مسأله یه یول وئره بیلیر. بیز بیلیریک کی مداح شاعرلرین ایشی یالنیز مداحلیق، عاشق پیشه شاعرلرین ایشی فقط عاشقلیک ایدی.

۷-۲-۱۴. صابر اؤز زمانیندا بیرینجی دفعه اولاراق شعر قالبیلارین آلت اوست ائله مگه و سیندیرماغا باشلادی. بو ایشی ائله مهارت و جسارت ایله یئرینه قویدوکی اؤز زمانیندا یاشایان کهنهچی شاعرلرین هئج بیرسی اونا قارشی چیخا بیلمه دی. هامی اونو بگندی و سئودی.

ای فلک! ظلمین عیاندیر،

بو نئجه دور زماندیر،

که ایشیم آه و فغاندیر،

منی یاندیرما/ماندیر،

گؤزومون اشکی رواندیر،

اوره گیم دوپ - دولی قاندیر،

هامی غمدن بو یاماندیر،

^۲ حاج ابراهیم قاسم زاده، اقبال نشریه سی، ش. ۴۰۹.

سید اشرف گیلانی اونا چوخ حرمت بسله میش

و شعرلرینی ترجمه ائتمیشدیر.

مثلا صابر دئییر:

بو ایسه پس او لعینین ده ایشی قلایبی دیر،

دینی - ایمانی دانیب یولدان آزیب دیر بابی دیر.

سید اشرف گیلانی ده بئله یازیر:

پس یقین آن سگ بی دین عملش قلایبی است،

ایها الناس بگیریید که معلون بابی است.

البته نسیم شمال صابرین شعرلرینی گاه ترجمه،

گاه اقتباس ائتمیش و گاه دا استقبال ائدرک

اونلارا نظیره یازمیشدیر.

مثلا:

پاه آتوان نه ته هر یاتدی بو اوغلان اؤلوبه!

نه ده ترپمه ییر اوستونده کی یورقان اؤلوبه!

شعری اصلینده ۱۰ بیتدیر. سید اشرف ایسه اونو:

وای بر من مگر این ملت نادان مرده،

داد و بیداد مگر این همه انسان مرده.

باشلیغی آلتیندا ۲۷ بیت اولراق تنظیر

ائتمیشدیر.

و یا صابرین بو شعرینی:

وار ایمیش روسیه ده مین - مین پریزاد، اردبیل،

بیرده نامردم اگر ائتسم سنی یاد، اردبیل.

صابر بئله تنظیر ائتمیشدیر:

حال در روسیه می بینم هزاران نازنین،

احمقم من گر ز قزوین آورم یاد، ای پدر!

إِشْهَدُ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

باز شده وقت سخن پروری،

صاحب ایمانم، آشیروانلیلار!

جعفری ام، جعفری ام، جعفری،

یوخ یئنی بیر دینه یقینیم منیم،

اشهد بالله العلی العظیم،

کهنه مسلمانم، آشیروانلیلار!

در خط اسلام منم مستقیم!

- گوژمه! - باش اوسته، یومارام گوژلریم.

- دست مزن! - چشم، ببستم دو دست،

- دینمه! - مطیع، کسه رم سؤزلریم.

- راه مرو! - چشم، دو پایم شکست.

مولدایی، سالمادی ائل دیل بوغازا.

حاجی، بازار رواج است رواج،

عیبی یوخ، گرچه قویولدوق لوغازا،

کو خریدار؟ حراج است حراج!

یاز بو اعلانیمی ده بیر کاغزا:

می فروشم همه ی ایران را،

آچمیشام ری ده گئیش بیر ماغزا،

عرض و ناموس مسلمانان را،

چوخ اوجور قیمته هر شئی ساتیرام،

رشت و قزوین و قم و کاشان را،

آی آلان! مملکت ری ساتیرام!

بخرید این وطن ارزان را،

یزد و خوانسار حراج است، حراج!

کو خریدار؟ حراج است حراج!

بیر قوجایام چاق نر کیمی یاشارم!

گرچه من پیرم و خم گشته ز پیری کمرم،

از جهان بی خبرم!

دؤرد آروادی بیر - بیرینه قوشارام!

چار زن دارم و در فکر عیال دگرم،

از جهان بی خبرم!

بلای فقره دوشدون، راضی اول، بیچاره، صبر ائيله!

صبر کن، آرام جانم، صبر کن...

اوزون اولدویسه گر کلفت یانیندا قاره، صبر ائيله.

صبر کن دردت به جانم، صبر کن ...

بیر آی سونرا نسیم شمال ین ۴۵ نجی نمره

سینده بو شعری چاپ ائله دی:

حاجی، بازار رواج است رواج،

کو خریدار؟ حراج است حراج.

می فروشم همه ی ایران را،

4. دوردونجو مکمل نشر ایسه ۱۹۶۳ نجی
ایلهده عباس زمانوف و حمید
محمدزاده طرفیندن حاضرلانیب مصور
اولوب و ۴۸۴ صحیفه ده چاپ اولدو.
متنی چاپا حاضرلایان مرحوم حمید
محمدزاده یازیر:

«شاعرین منظوم اثرلرینی و مکتوبلارینی احاطه
اادن بو کتاب چاپا حاضرلارکن، بوتون متن
(ایلك منبع لری هله معلوم اولمایان بیر نئچه
شعر استثنا ائدیلمکله)، بیرینجی دفعه نشر
اولدوغو غزئت و ژورناللارداکی متلر ایله،
همچنین هوپ هوپ نامه ایلك اوچ نشری ایله
توتوشدورولموش، کئچمیش نشرلرده کی بیر سیرا
تحریفلر اصلاح ائدیلمیش، هابئله صابره مخصوص
اولمایان، لاکن هوپ هوپ نامه نین مختلف
نشرلرینه سهوا داخل ائدیلمیش بیر نئچه ساتیرا
(= طنز پارچاسی) کتابدان چیخاریلمیشدیر.»^۳
ایندییه قده ر دفعه لر ایراندا و خارجهدا همین چاپ،
افست طریقای ایله چاپ اولموشدور.

5. کریل و لاتین الفبالارینا کؤچورولوب نشر
ائدیلهن هوپ هوپ نامه لرده یوخاریدا قید
ائدیگیمیز ۴ نجو چاپین اوزوندن
کؤچورولموشدور.

6. دفعه لر هوپ هوپ نامه دن سئچمه لر و
«گزیده» لرده ایراندا و خارجهدا چاپ
ائدیلمیشدیر.

7. ۱۳۵۸ نجی شمسی ایلینده تهراندا
مرحوم محمد علی فرزانه طرفیندن
هوپ هوپ نامه رنگلی تصویرلر ایله ۳

عرض و ناموس مسلمانان را،
رشت و قزوین و قم و کاشان را،
بخیرید این وطن ارزان را،
یزد و خوانسار حراج است حراج!
هابئله شهریار اونون بیر نئچه شعرینی فارسجایا
ترجمه ائتمیشدی. مثلاً:
ای در به ر گزیب اوره گی قان اولان چوچوق
شعرینی بئله ترجمه ائتمیشدی:
ای پا برهنه دربدر کوچه ها یتیم،
گوید زبان حال تو با من چه ها یتیم.
چون در اشک خود چه شدی بی بها یتیم،
دامان آبرو مکن از کف رها یتیم.
اشک ببین و حسرت بی
انتها یتیم،

ای پا برهنه در بدر کوچه ها یتیم.
هوپ هوپ نامه نین نشرلری
میرزا علی اکبر طاهرزاده صابرین شعرلری اوز
حیاتیندا کتاب حالیندا چاپ اولمادی. سید
حسین اؤز خاطره لرینده یازیرکی، صابر
اؤلوموندن قاباق اونا دئتمیشدی:

«گؤرونور، من ده حاج سید عظیم کیمی اؤز
کتابیمی گؤرمه دی حسرت ایله اؤله جه گم.»

1. هوپ هوپ نامه نین ایلك چاپی ۸۰
صحیفه ده ۱۲۱۹ ش. (۱۹۱۲ م.) ایلینده
صابرین دوستو محمود عمی توسطی
ایله بوراخیلیمیشدیر.

2. ایکینجی چاپ، بیر ایل سونرا (۱۹۱۳ م.)
حجملی بیر کتاب شکلینده رسمی
اولارق بوراخیلدی.

3. اوچونجو چاپ، حبیب صمدزاده نین
نظارتی ایله ۱۹۴۸ نجی ایله ۱۹۴۸ نجی
ایلهده نشر اولدو.

^۳ صابر، میرزا علی اکبر، هوپ هوپ نامه، به کوشش حمید محمدزاده، باکو،

اصل ملا ایله بگ خان قاپیسیندا سپلنگ اول
تحریف

میرزا ایله ... (ص ۲۱۰)

هابئله «نئچون مکتبه رغبتیم اولماییر» شعرینده
(ص ۳۱۲) ^۵ بئش مصراعلی بیر بندى،
«قورخورام» شعرینده (ص ۱۳۳) ^۶ بیر بیت،
«بوندان سورا» شعرینده (ص ۲۲۳) ^۷ بیر بیت و ...
حذف ائتمیشدیر و بعضی شعرلری «یاللعجب»^۸
شعری کیمی تمامیه حذف ائتمیشدیر. هابئله ای
عمو (ص. ۲۵۴) و فسنگان (ص. ۲۵۳)
شعرلرینی کلا حذف ائتمیشدیر.

3 - بعضی یئرلرده یئرسیز اولاراق کلمه لری
دگیشمیشدیر. نمونه اولاراق:

سؤیله مه ← سؤیله (ص ۱۹۲)، عبد ← عهد
(ص ۱۵۵)، اونون ← او گون (ص ۱۷۰)،
قچمازدی ← چاتمازدی (ص ۱۷۵)، سنین ←
سنه (ص ۱۷۶)، عمر ← عصر (۲۱۲)، ائل ←
اول (ص ۲۵۰)، طمعین ← طعمینی (ص ۲۵۳)،
سیئزد ← قورولتای (ص ، ۱۳۸)، هاردا ←
داردا (ص. ۳۱۲) ائتمیشدیر.



^۵ اوخور بوندا هر کس ... (حاضرکی نشر، ص ۳۳۹).

^۶ گاه شفق تک ... (حاضرکی نشر، ص ۴۹۴)

^۷ دین گندير، مذهب گندير ... (حاضرکی نشر، ص ۲۴۷).

^۸ حاضرکی نشر، ص ۳۲۵.

نجو چاپ اساسیندا یئنی دن چاپخانادا
دوزولوب نشر اولوندو.

8. ۱۳۸۱ نجی ایلهده مرحوم حمید آرشی

آزاد طرفیندن کؤچورولوب ۳۹۲ صحیفه
ده بیر داها تیریزده چاپ اولدو.

9. ۱۹۹۲ نجی ایلهده بیر داها باکی شهرینده

هوپ هوپ نامه یازیجی نشریاتی
طرفیندن چاپ اولموشدور. بو نشره، او
زمانا قده ر چاپ اولمامیش بیر نئچه
شعرده سالیتمیشدیر.

10. هوپ هوپ نامه اثری بیر داها

اردبیلده شیخ صفی الدین انتشارتی
طرفیندن ۱۳۸۷ نجی ایلهده نشر اولدو. بو
نشرین قاباقکی نشرلرده گؤره هئج بیر
یئنی لیگی یوخدور. یالنیز اونا رسول
اسماعیل زاده طرفیندن یازیلان بیر اؤن
سؤز واردیر. او، ناشر اولاراق اصلینده
حمید محمدزاده نین ترتیب ائتدیگی
هوپ هوپ نامه نی، اونون یازدیغی
ایضاحات ایله و اوندان هئج آد آپارمایاراق
چاپ ائتدیرمیشدیر. بو نشرده تحریفله
ده راست گلیمک اولار. مثال اوچون:

1 - بیر چوخ یئرده «ملا» کلمه سینی

«میرزا» یا تبدیل ائتمیشدیر. حال بوکی
صابر کتابین هر یئرینده ملا، ملادای،
ملاعمو و بو کیمی کلمه لردن قصدی،
ملانصر الدین نشریه سی و اونون باش
یازاری جلیل محمدقلی زاده دیر.

2 - بعضی بیتلری تحریف ائتمیشدیر. مثلا:

اصل هاردا مسلمان گؤرورم قورخورام.

تحریف داردا مسلمان گؤرورم قورخورام. (ص ۱۳۳)^۴

^۴ صحیفه نمره لری اردبیل، (شیخ صفی الدین انتشاراتی) چاپینا اشراه دیر.

قاراباغ باياتيلاريندا خوجالى فاجعه سينين عكسى

QARABAĞ BAYATILARINDA XOCALI FACİƏSİNİN ƏKSI

Doç.Dr.FƏRİDƏ HİCRAN VƏLİYEVA

دوچنت دکتور فریده هجران ولی اوا

شکيلده آچيلير. خالقيميزين يورد حسرتی، وطنه اولان محبتی ده قاراباغ باياتيلاريندا اؤز عكسینی تاپير. محض داها چوخ کؤرپه لرین قيرغینینا يۇنه لن بو وحشيلین باياتيلاردا ايفاده سی ارمنی ميللت چيلرينين خالقيميزين سويقيريمينا سعی گؤستردیکلرينی بير داها تصدیقليير .

روسجا خلاصه

Отражение Ходжалинской трагедии в Карабахских байатах.

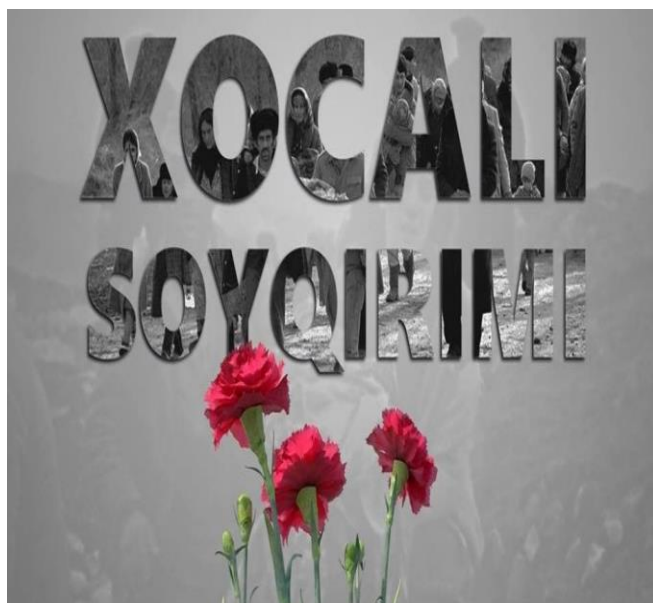
В статье раскрывается один из старейших жанров фольклора из всех исторических периодов байаты, который отражает горе и в целом духовный мир народа. В этом контексте также участвует исследование трагедии Ходжалы. Байаты в которых отражен замерзшие младенцы от мороза на равнинах Кетик на горах Шелли, ужас, который прожили пожилые люди, сгруппированы. Проанализированы фольклорные примеры до Ходжалинской трагедии и поэтические образцы после той страшной ночи трагедии, в отдельности. Плач народа, тоскующий по стране, любовь к Родине находит свое отражение в Карабахских байатах. Геноцид, в основном направленный на убийство младенцев, отражение этого варварства в байатах, является еще одним свидетельством армянского геноцида над нашим народом.



خلاصه

قاراباغ باياتيلاريندا خوجالى فاجعه سينين عكسى مقاله ده، فولكلورون ان قديم ژانرلاريندان اولان باياتيلاريميزين بوتون تاريخی دؤورلرده خالقين دردینی، سرینی، بوتؤولوکده معنوی عالمینی اؤزوندە نئجه عكس ائتديرمه سی آچيق لانيير. خوجالى فاجعه سی ده بو کونتئکسده آراشديرمايا جلب اولونور. کندين دوزلرينده، سرت داغلاريندا شاختادان دونموش کؤرپه لرین، قوجالارين ياشاديقلاری دهشتلی وضعيتلری عكس ائدن باياتيلار قروپلاشديريلير .

توپلانا باياتيلارا آیری-آيریلیقدا نظر ساليير، خوجالى فاجعه سيندن اوله عاييد اولان فولکلور نومونه لری ايله بو مودحیش گئجه نين فاجعه سيندن سونرا يارانان پوئتيک نومونه لر موقايسه لی شکيلده تحليل اولونور. اينسانين بوتون دويغولارینی رفته گتيره ن بو فولکلور قايناغيندا حيله گر ارمنی ميللت چيلرينين ايچ اوزو آيدين



خوجالى سويقىرىمى قاراباغ باياتيلاريندا ...

آچار سۆزلر: خوجالى، سويقىرىمى، مودحيش گئجه، قيرغين، اهالى، باياتى

گيريش: فولكلورون ان قديم ژانرلاريندان اولان باياتيلاريميز بوتون تاريخى دؤورلرده خالقين درد-سرينى، بوتؤولوكده معنوى عالمينى عكس ائتديرهن ان الوئريشلى پوئتيك واسطهلردن بيرى اولوب. قريبلين يانغىسى، اوولاد ايتكى سينين آهو-زارى، وطن جىستى كيمي حسلرين تائيريندن قريپ نغمهسى تك اوخونان باياتيلار اينسان اوولادىنى اوووندوران

بير ياشانتى و عىنى زاماندا دويغولارين عكسى سداسىدير. بورادا اينسانين حسلىرى پوئتيك بير ديلله ايفاده اولونور. بو ژانرين اووزونمخصوص ايسپئسيفيك خصوصيتلريندن بيرى ده اودوركى، باياتى هر هانسى بير حادثه نين مغزىنى چوخ تائيرلى سئمانتيك چالارلارلا عكس ائتديره بيلير و اينسانين روحونو ريقته گتيريب، اونو تائيرلنديرير. بو باخيمدان قاراباغ باياتيلارى خصوصيله سئچيلير. قاراباغ باياتيلاريندا عكس اولونان درين فلسفى دويغولارين سداسى، اينجه متبعليلرين وورغولانماسى، دردين-سرين قلب آغرىسى، ان ظريف حسلرين اويانماسى بو بؤلگه نين هم ياشادىغى كئشمكئشلدن، هم ده موسيقى بئشى كيمي غىرى-عادى ميستيك طبيعتيندن ايرلى گلير .

ائل كؤج ائيلر بو داغا،

قوشلار قونماز بو داغا

ائله كى من دؤزورهم

هئج كس دؤزمز بو داغا (۲۳، ۱)

بو باياتىدا قاراباغين آدى چكىلمهسه ده ، دؤزولمز دردين اولدوغو وورغولانماقلا بير كؤجكونلوك

آجى سى دا آجىقلانير. حتى. قوشلارين دا ياد بوداقلارا قونماق ايسته ميمه سى وورغولانير . قاراباغ باياتيلارينين قديم و ميللى كولوريتى بو گون ده اوژ ماهيتىنى ايتيرميميش و معاصر باياتيلارلا مقايسه ده ايلكين تائيرىنى ساخلایارق يئنلىرين يارانماسيندا انوى گوجونو گؤسترميشدير .

قاراباغ اهلى هر سؤزون، هر كلمه نين ريتمىنى توتماغى باجارميش ان ساده ايفادين بئله سئمانتيك چالارىنى نوتا كؤكلميين اوستاسى اولموشدور. قاراباغ طبيعتينين اعجازكارلىغى دا بوتون بو ياشانتيلارين سببلريندن بيرىدير. لاکين ان اساس سبب بو خالقين زامان-زامان سينه سىنى دلهن يورد آغرىلى يارالارى اولموشدور. خالق قلب يارالارينين، عذابلارينين آغرىسىنى كؤنوللريندن آخان باياتيلاردا عكس ائتديرميشدير. چوخ قديم تاريخله سسلشن و قاراباغدا دايم سسلنن بير باياتيا دقت ائدك :

قاراباغدا تالان وار،

زولفون سوياسالان وار

دوشوب غربت ائلره

گؤزو يولدا قالان وار... (۱۶۲، ۱)

فرقلانیر. «قاراباغدا تالان وار» میصراعسی ایله باشلايان باياتی قاراباغین داها اوزاق کئچمیشی ایله باغلی اولسا دا، آیری-آیری زامانلارین نقارتینه چئوریلیمیش دیر. بئله لیکله، حادثه لرین تکرار و اوخشارلیغی همین باياتی دا بو گونون ده آغری سینی یاشادیر. سانکی همین باياتی دا بیر مدریکلی اؤنجه گؤرومو وار. باياتینین ایکینجی میصرعاسینداکی «زولف» آنلامی دا تصادفی وئریلمه ییب. ناله سی ارشه چکیلین زولفو پریشان اولار. تانری دان سون سوز بیر ایسرارلی دیلی اولانین زولفوندن کسب پیره آپارماغی، قارداشی ایتکین دوشه ن باجیلارین بیر ساچینی آغ، بیر ساچینی قارا هؤروب یول گؤزله مه لری، حتی بو گون ده بئله اوغول ایتیره ن آنالارین ساچلارینی آغ پریشان ساخلا ییب، دولانمالاری و یا عکسینه، تزه گلینه تئل کسيلمه سی، توی دا- بایرام دا یاشلیلارین ساچینا خینا قویولماسی عنعنه سی زولفون کدرده و سئوینجده ایشتی راکی ایله باغلی بیر مزمون فورمالاشدیریب. گؤزو یوللاردا قالان قریب، هئچ ده زولفونو تصادفی اولاراق سویا سالمیر. او سو کولتو ایله زولف، ساچ اینانجینین سینتئزینی یاراتماقلا وطنه قاییتماق، یوردونا قوووشماق دیلیینی داها اصرارلا تجسسوم ائتدیرمک ایستیر. طریقت دنیا گؤروشونده ده زولف عاشیقی معشوقا بیرلش دیره ن بیر واسطه، پریشانلیق ایسه حسرت رمزی دیر. او زامان زولف ایله باغلی آلقیش، یالواریش دیلین گرگین مقامی، ان یوکسک زیروه سی و سونونجو واسطه سی کیمی وورغولانیر و سانکی بو اینسان ناله سینین کولیمیناسیا نقطه سی اولور. علی هر یئردن اوزوله ن زولفونه ال آتار. طبیعی کی، بو چوخ قدیم آیینلرین، عنعنه لرین ایزلری دیر و بو تصویر قدیم ده اولسا قاراباغدان توپلانان

بو میصراعلاردا هله ۱۹۰۵-جی ایلده ن، بلکه اوندان دا اول دایم قاراباغدا گؤزو اولان، بو یوردو چاپیب-تالایان یادئللی ایشغالچیلارین بد عمللرینه ایشاره وئره ن قلب آغریلارینین اینیلتی سی دویولور. منفور ارمنی تجاوزکارلاری قاراباغین قونشولوغونا کؤچورولوب یئرلشدیریلدی زاماندا ن همیشه بو تورپاغا گؤز دیکمیش، آرخالاندیق لاری منفور قوه لر دن گوج آلاق دفعه لرله یوردوموزو ظبط ائتمه یه تشبوت ائتمیشلر. (۲)، محض ائله بونا گؤره ده قاراباغلار دفعه لرله یارا آلمیش، ایچلرینده وطن حسرتینین کؤورک حیسلری، اینیلتی لی دویغولاری هر زامان جوشوب داشمیش دیر :

عزیزیم داغ دادی،

قریب سؤیود باغ دادی .

جیسیم یاد ائلرده دی

روحوم قاراباغ دادی (۲)

هم یوخاری دا گؤستريله ن، هم ده بو باياتیلاردا عکسینی تاپان «تالان وار»، «تونقال کیمی قالاندی» و «روحوم قاراباغ دادیر» ایفاده لری نه محاربه، نه ده موباریزه مضمونو کسب ائدیر. بورادا وطنیندن آیری دوشه ن بیر قاراباغلیغینین یورد حسرتی اؤز ایفاده سینا تاپیر .

عزیزیم تالاندی،

دئیيله نلر یالاندی،

یوردوما اود ووردولار،

تونقال کیمی قالاندی. (۲)

اصلینده بو ایفاده لر خالقین ایچ دونیاسیندا ن قوپان دهشتلی بیر آغرینین، فریادین عکس سداسی دیر. بو میصراعلار اؤز مضمونو ایله باشقا- باشقا بؤلگه لر دن توپلانان باياتیلاردا ن چوخ

سون گونلرينى اۋز يوردلاريندا كئچيره
بيله جكلرينى آرزولادىقجا آه چكىب، ناله دئيىب،
باياتىنى، باياتىيا جالايلاق فرىاد ائدن قوجالارين
تانرىيا اوز توتوب كۆمك دىلمهلىرى داها
تأثيرلى دىر :

تانرىم بو نه حشردى؟

وحشى اهلىلشردى

كۆرپه باشين كسنلر

نئجه وحشى بشردى (۲)

هئچ بير خبردارلىق ائدىلمەدن، غفلتا دىنچ خالقا
قارشى تۇرەدىلەن سويقىرىمى ترورون عىيانى
عكس ائتىرەن باياتىلاردا، قانونا سىغمايان اورتا
عصر وحشى ليكلرينىن تطبيقى تصوير اولونور .

قاراباغ تالانلارنىن، خصوصاً خوجالى
سويقىرىمىنىن او مودحىش گئجه سىنىن
فاجعه سىندن سونرا يارانان باياتىلارنى مغزى باش
وئرن حادثه لرله مقايىسەلى شكىلدە تحليل
اولوندوقجا حيله گر ارمنى ميللت چيلرينىن ايچى
اوزونون يادداشلاردا قويدوغو ايزلر آچىلىر.

او، قانلى گئجه نىن سحرى يوك ماشىنلارنىدا
داش اوزىنه اينسان جسدلى داشىنىردى. بو
جسدلرين آراسىندا قاچا بىلمەن قوجالارلا برابر
مظلوم، گوناھ سىز كۆرپه لرلىن جسدلى داها چوخ
ايدى .

آذربايجان خالقىنىن، سويكۆكونو قوروتماغا جهد
گۆسترەن ارمنى وحشىلرينىن كۆرپه لرى قيرماقدا
مقصدى آيدىن ايدى. باياتىدا گۆستىرىلدى كىمى
توپون-توفنگىن گورولتوسوندا مئشەدن قاچان
وحشى حيوانلار اهلىلشدىي حالدا، كۆرپه لرى
قىران ارمنىلر قان گۆردوكجه قىدارلاشىب،
وحشىلشردى :

باياتىلارلىن بۇيوك اكثريتىندە اۋز عكسىنى تاپىر.
توپلانان ايكي معاصر باياتىدا ايسە، بيرىنچى
باياتىدان فرقلى اولارق روحونو عظمتلى
داغلاردا آرايان اينسانىن اۋزونو بار وئرمەنەن،
كىم سەسىز سۆيۈدە بنزىمى عكس اولونور و بورادا
ناكام سۆيۈدون اۋز يئرىندە اولمايىب، باغدا اونا
ياد گلن بار آغاجلارنىن آراسىندا گۆرمەسى دە
چوخ تأثيرلى دىر. بونون نه قدر دھشتلى
اولدوغونو باياتىنىن اوچونجو و دۆردونجو
مىصراعلارلى تصدىقلىير. بورادا جىسمىن جانندان
آيرىلماسى بير طرفدن مزار قىربىلىنى گۆسترسە
دە، ديگر طرفدن اۋزو اوچون ان قيمتلى
اولانىنى ايتىرەن اينسانىن تركى-دونىاليلىغىيلا
باغلى دىر؛ «جىسمىم بوردا اولسا دا، روحوم
قاراباغدادىر» دئمكلە يوردونو، يوواسىنى ايتىرەن
قىرب دىرى-دىرى اۋلدويونو اظهار ائدىر. اوچونجو
باياتىداكى مىصراعلاردا ايسە قاراباغىن تالانىب
داشىنماسىندان سونرا اود وورولوب تونقال كىمى
قالانماغىندان بحث اولونور. بورادا ياد ائلىلى
ايشغال چىلارلىن، منفور ارمنى جىللادلارلىن
قانلى خىصلىتى داها آيدىن تجسسوم اولونور .

يئر گۆي چالخالانىب دى،

قاراباغ تالانىب دى

دونىا نيه سوسورسان

ائىل-اوبامىز يانىب دى (۲)

آغدام رايونونون چمىلى كندىندن توپلانان بو
باياتىدا كدرىنى، دردىنى، اومو-كوسوسونو دونىا
ايجتىماعىتىندن اومان صاف و ساده خالقىن
سسى دويولور .

نئچه ايللردن برى ائلىندن، اوباسىندان آيرى
دوشەن، اوزاق گزەن نەلرلىن بو پوئتىك مئندە
نالەسى ارشە چكىلىر. هئچ اولمازسا اۋمرلرينىن

داغلار باخیب آغلا سین

دونیا قارا باغلا سین

بو کۆرپه جسدلرین

تورپاق نجه ساخلا سین؟ (۲)

اغلر گل سین ییغیل سین

قددار دونیان داغیل سین.

یوزلرله کۆرپه اۆلدو

بو یورد کیملره قال سین؟

هومانیست خالق بو گۆرونمیش قانلی فاجعه نین
صلح له عوض اولونماسینی طلب ائدیر، بو
دهشتلی باسقینا، بو قانلی تجاوززه اعتراض ائدیر.

کۆتل سویون لیلله ندی

کۆرپه لر گولله له ندی

تالاناندا قاراباغ

لال دیل آچیب دیلله ندی .

بو ناله نی چکن آنالارین فریادلاریندا عذابلا
اۆلدورولهن اؤولادلارینین یانغی سی ایله برابر،
ییه سیز قالان یوردون دا اؤز یاشانتی سی وار.
داغلاری، دره لری، «دونیانی» دیلله ندیرمکله
بوتون دونیا ایجتیماعیتینه اوز توتان خالق هر
کسی بو فاجعه دن قورتارماق اوچون کمکه
چاگیریر. بورادا کۆرپه یاشیندا گولله یاراسیندان



چوخ مارقالی اینجه بیر ایفادیله «کۆتل چایینین
بولانماسی» تصادفو سؤیلنمیر. بو دئییم تا قدیم
زامانلاردان قاراباغدا سؤیلنن بیر روایتین
مضمونوندان دوغوموش دور. (فولکلورشناس بهلول
عبدالله نین «آلقیشلار و قارغیشلار» توپلوسو
کیتابیندا «سویون بولان سین» کیمی ایفاده
اولونان بیر قارغیش نومونه سی ده وار کی، همین
میسراعنین مضمونو ایله پارالل لیک تشکیل
ائدیر. (۸، ۱۲)

«دئییلنلره گۆره شریف بی دئییلن قاراباغ
بیلریندن بیرى هر سحر حیاطینین اتییندن آخان
چایا گئدر و او چایلا دردلشرمیش. گۆردویو

ناله جکه رک سیزیلدايان علیئو ائلشن آبیل
اوغلونون فوتوسو و دقیقه لرله قید اولونان حیات
حکایه سینده دقت ائدک: « بئش یاشلی زاواللی
ائلشن بو فوتو چکیلنندن سونرا جمعی ۵ دقیقه
یاشایا بیلدی، ارمنی تجاوزکارلارینین آتدیغی
راکت اونون آغ جیرینی پارجالامیش دی.

جراحیه عملیاتی اونا کۆمک ائتمه دی،
عملیاتدان آلتی گون سونرا اونون سون
دقیقه لری چوخ نیسگیللی کئچدی، او خفیف –
خفیف اؤسکوروب غفلتا قان قوسدو، او قان
عادی قان دئییلدی. او قان کۆرپه قلبینه
توش لanan قددارلیغین رمزی ایدی». (۳، ۴۵)

باياتيلاردا دا اؤز ايغاده سيني جوخ آيدين تاپيب.
اثل آراسيندا مثال وار، دئيرلر كي، «آشيق
گۆردويونو چاغيرار». خوجالي سويقيري مي
خالقين قان يادداشينا اوشاقلارين، قوجالارين
وحشيجه سينه اؤلدورولدويو صحنه لري هكك
ائتدي .

گون دولانار، آي باتماز
بو قيرغينا درد چاتماز
بالاسي اؤلن آنا
اوزون گئجه ني ياتماز (۲)



جمعي دؤرد ميصراعدان عبارت اولان بو باياتي دا
خوجالي قيرغينين هئج بير دردله موقاييسه
اولونمايان دهشتي عكس اولونور، گۆزونون
قارشى سيندا اؤولادى اؤلدورولن آنالارين آه-
نالهي ياشانير، اوزون گئجه لري يوخوسوز
كئچيرن، سون اوميديني آيا-گونشه باغلايان
خوجاليلارين ايظيرابلاري عكس اولونور :

يئريمه قور دولوب دو،
يوردوما سار دولوب دو
بالام قانلار ايچينده

گول بدھني دونوب دو (۲)

ميصرعلاردا آنانين پسيخولوژي وضعيتي ده
وئريلير. فاجعه ده بالاسيني ايتيرن آنا سحره قدر
ياتا بيلمير. سانكي، يئرينه كؤز تۆكولوب، اونو
يانديرير. يئرinen ايچينده قيوريلان آنا، يوردوندا

يوخولاري، گون عرضينده راستلاشديغي
حاق سيزليقلاري چايا سؤيلير، سو آيسيندن ان
چتين ايشلرينين حلي اوچون اوغور ديليرميش،
چاي نه واخت بولانيق گلرميش سه، بو زامان او
حساب اندرميش كي، همين گون بير
اوغورسوزلوقلا قارشيلشاجاق، - بئله ده
اولارميش» (۲)

او زاماندا بير اينانچ اولاراق سويون بولانيق
گلمي اثل آراسيندا ايشلرين اوغورسوز اولاجاغينا
ايشاره وئرن علامت كي مي قتيلاشيب.

(بو مضموندا اولان روايتلر قاراباغ دا گئنيش
ياييليب، طبعي كي، بو باشقا بير آراشديرمانين
مؤوضوسودور) بو حادثه نين بئله
علامتلهشمه سيني اساسيندا، چوخ گومان كي،
فلاكتلر تۆره دن سئل داينير. بوتون بو فاجوي
جينايترلرين باياتيلاردا عكسي بير طرف دن دونيا
خالقلارينا آجيقلاما وئيرسه، ديگر طرف دن ايسه
خالقين تاريخيني يارادير. آذربايجان مهاجيرت
فولكلور شوناس ليغي آدلي مونوقرافيا دا بئله بير
فيكيير وورغولانير: « فولكلور ائتئوسون مين ايللر
عرضينده كي، ياشامي ايله باغلي اولدوغوندا
بوتؤلوك ده خالقين اؤزونون تظاهرو دور. يالنيز
فولكلوردا خالق اولدوغو كي مي گؤرونور " (۵،۹)

خوجالي دا قيرغينلارين دهشتلي صحنه لرinen
اؤلچويه گلمز مقاملاري محض كؤرپه لرinen
وحشليكله قتله يئتيريلمه سي دير كي، بو دا

بیر فولکلور ژانری اولاراق بایاتیلار اینسانین بوتون حیسس و هییه جانلارینی، عذاب و ایستیرابلارینی چوخ رئال شکیلده ایفاده ائده بیلجهک تأثیر گوجونه مالیک دیر.

حادثه لری ییغجام و اویاتدیغی تأثیرله وحدتده ایفاده ائده بیلن بایاتیلار خالقیمیزین یاشانتیلارینی نسیلدن-نسله اؤتوره بیلجهک ان قیمتلی نومونه لر دیر. AMEA نین ترتیب ائتدی بایاتیلار و مانیر آدلی مونوقرافییادا گؤستریلیر کی، خالق ادبیاتینا دایر بو جور توپلاما ایشری آپارماق یالنیز خالقین صاف و تمیز یارادیجیلیق منبع لرینی اؤیره نمک ذؤوقونو دادماق دئییل، هم ده خالقین لیسانیه، ائتوقرافیایا و تاریخینی اؤیره نمک باخیمیندان چوخ اهمیتلی دیر. (۶،۹۷) قاراباغدا باش وئرن خوجالی سوی قیری می ارمنی تجاوزکارلیغینین ان باریز نومونه لریندندیر. ارمنیلرین ساده ملکی اهالی سی اؤزلری ده بو قانلی فاجعه نین دهشتلرینی وحشی لیک حساب ائدیرلر. کسین کؤرپه باشلاری، سویولان قوجا آغیرجک و آغساققال ننه- بابالارین جسدلری اینسان فانتازیاسینا سیغیشمایان دهشتلی قتل حادثه لریدیرکی، بونلاری ارمنی داشناکلاری خوجالی سویقیریمی گونو حیاتا کئچیرمیش دیرلر .

ایستیفاده اولونان ادبیات :

۱. آذربایجان بایاتیلاری ، توپ. تر. اندنلر: بهلول عبدالله، ائلخان ممدوو، باکی، علم نش، ۱۹۸۴، ص .
۲. توپلاما، آغدام، جمعه نلی، ساری حاجی لی، سیدلی اهالی سیندن .
۳. قاراباغدا تالان وار، فریده هیجران (ولیثوا) باکی، گنج لیک نش. ۱۹۹۲، ص .
۴. آذربایجان فولکلورو، AMEA نظامی گنجوی آدینا ادبیات اینستیتوتو، باکی، صاباح نش. ۱۹۹۴، ۱۲۰ ص .
۵. آذربایجان مهاجیرت فولکلورشناسلیغی، فریده هیجران (ولیثوا) علمی تحصیل، باکی - ۲۰۱۴، ۱۴۳ ص .
۶. بایاتیلار و مانیرلر، AMEM، باکی، سدا ۲۰۵، ۱۰۰ ص .

دوشمن گزدینی ده اونوتمور و ارمنی تجاوزکارلارینی سار آدلانان بیرتیجی قوشا بنزتمکله، وحشیلرله موقاییسده اونلاری داها قددار گؤرور :

آخشاملار آی آخشاملار

گئجه یانار آغ شاملار

یورد-یوواسی داغیلان

گؤره ن هاردا آخشاملار؟ (۲)

دونیا دا باش وئرن بوتون فاجعه لرین ان دهشتلی سی اولان خوجالی سویقیریمیندا حتی بئش-آلتی آلیق کؤرپه لره توتولان دیوانی اونوتماق اولماز. بونو بایاتیلارین مضمونو دا ایفاده ائدیر. لالین دیل آچیب دیلنمی اصلینده مومکون اولمایان بیر حادثه حساب اولونسا دا، تاریخده سون سوز هیجان، قورخو حیسینین یاشایانی بعضا لال اینسانین دیلینن آچیلما سینا سبب اولدوغو دا چوخ وورغولانیب. بو تیپده ده قبول اولونموش حادثه دیر. بایاتینین اساس مضمونوندا دا بو دهشتلرین اینسان فانتازیاسینا بئله سیغمایان سون سوز هیجان، قورخو، حیرت حیسینین یاراتدیغی تصویر ائدیلیر .

منی یارالامایین

یورددان آرالامایین

قول-قیچامی سیندیریب

آغا باغلامایین. (۲)

بو بایاتی دا، اؤلدورولندن سونرا قولو-قیچاسی دوغرانا، حتی دریمی سویولوب، گؤزو چیخاریلیب آغا با سارینان گونه سیز سویدا شلاریمیزین دیلیندن سؤیله نیلن نومونه لرین بیریدیر. بو جور فاکتکلار خوجالی فاجعه سینده کیفایت قدر چوخ موشاهیده اولوندوغو کیمی بایاتیلارین مضمونوندا دا تئز-تئز راست گلینیر .

آغ، سلیقه‌لی کۆیینین سول قولو یان طرفدن
شالوارینین ایچری سینه کئچیر یلمیش دی... دقتله
باخاندا حیسس اولونوردو کی، اونون بیر قولو
دیرسکدن آشاغی یوخ ایدی...

یاشجا یوخاری صنیفده اوخودوغو بللی اولان
قاراشین اوغلان کند اوشاقلارینی باشینا توپلایاراق
جاوان معلمین قولونو گۆستریب یولداشلاری ایله
خیسینلاشیدی... اوشاقلارین مذاکیره اویئکتینه
چئوریلن معلم ساکیت، حزین آدیملارلا مکتب
بیناسینین پیله‌لرینی قالخیب، گولمممده
سالاملاشیدی، -بابا صاباحین خیر، نئجه‌سن؟
-ساغ اول آی بالا، الله کمکین اولسون، -گولممم
قاپینی آچیب، فخرله نوه‌سینی ایچری، مکتبه
اؤتوردو...

رحمت‌لیک اوغلو فرماییلین یئگانه یادىگاری اولان
نوه‌سینی بؤیودوب کند معلمی گۆرندک، نه قدر
عذاب-اذیت چکمیشدی گولممم... اوزو
سرتلشن مکتب گۆزتچی‌سی قاراشین اوغلانی
یانینا چاغیردی. اما چؤهره‌سینده کی غضبی
گیزلیدی، حلیم سسله دئدی، -سیره نئچه دفعه
دئمیشم کی، منیم نوه‌می گۆره‌نده
خیسینلاشمايین...

قاراشین اوغلان گوناھکار جاسینا باشینی آشاغی
سالیب دئدی، -بابا، معلمین قولونا نه اولوب آخی؟
گولممم ساکیت سسله، -قوش اولوب اوچوب،
دئدی.

هئچ نه آنلاماییب، چیینلرینی چکن قاراشین
اوغلان باشینی آشاغی سالیب گئتدی...
دئدی سۆزدن هوپوخان گولممم، دؤیوکوب
اطرافا باخدی. دوداقلاری آراسیندان غیری-
ایختیاری چیخان کلمه‌لره گۆره اؤزونو قینادی.
قوجالیرسان گولممم. بو سیرری نئچه ایللردی
اورینده ساخلامیشدی... نوه‌سینین یاریمقول

حکایه - اویکو

Hekayə

شانا پیپک

şanapipik

VAHİD MƏMMƏDLİ

واحد ممدلی



کند خوروزلاری چوخدان بانلامیش، سحرین دان
یئری سؤکولموش دو... یاشیل تپه‌لیکدن اوزو
آشاغی کند یولو آغاریردی. یولون کناریندا کی
مکتبین حیاط‌تینده دجل کند اوشاقلاری اورا-بورا
قاجیشیب، ظارافاتلاشیردیلار...

مکتبین گۆزتچی‌سی گولممم گیریش
قاپی‌سینین قارشى‌سیندا وار-گل ائدیر، کند
ائولریندن مکتبه دوغرو اوزانان یولا باخیب
گولومسییردی...

ایگیرمی اوچ یاشی یئنیجه تامام اولموش کند
معلمی مکتب بیناسینین قارشى‌سیندا گۆروندو.

او مدحیش حادثه ده همین گونلرین بیرینده باش وئردی...

فرماییل و گولگز حیاطده کی چارداغین آلتیندا اوتوروب، شیرین-شیرین صحبت ائدیردیلر. گولممم ده ائوده ایدی. ایوانداکی تاختدا اوزانمیشدی.

بیردن بیر شاناپیپیک حیاطده کی چینارین بوداغینا قوندو. آرتیق اووچولوقدا ماهیر اولان فرماییل تعجبله شاناپیپیه باخدی. مارقالی دیر، شاناپیپیک همیشه دوزده، کوللوقدا اولار، چینارا قونماز. گوره سن بو شاناپیپیه هانسی کولک آذریریب بورایا گتیریب؟ فرماییل حیرتله بیر ده شاناپیپیه باخیب، چینلرینی چکدی...

گولگز ده شاناپیپیه گورموشدو... بیر آن سونرا او، آغیر-آغیر نفس آماغا باشلادی. سانکی گولزلی یومولوردو. فرماییل آروادینین بو حالینا دقت یئتیریب اؤزونو ایتیردی. تاشلا سوروشدو: -سنه نه اولدو، اؤزونو پیس حیسس ائیرسن؟ گولگز گوجلنه نفس آیرمیش کیمی فرماییل تلسدیردی:

-تئز اول، او شاناپیپیه وور! فرماییل، -گولگز سن نه دانیشیرسان، شاناپیپیه وورمازلار، -دئدی...

گولگز سانکی همیشه کی مهربان، گولر اوزلو گلین دئییلدی. آیاغا دوروب، ائوه طرف قاچدی. توفنگی گتیریب فرماییل اوزاتدی، -تئز اول وور دئدیم، اونو بیشریب یئمه سم اؤلرهم.

گولگز فرماییلین یئرینده دونوب قالدیغینی گوروب، قیشقیردی، -وورررر، او قوشو یئمه لیم، یوخسا... اوشاغیم دا اؤلجک...

آتش آچیلدی... شاناپیپیک تاپ ائدیپ سارالمیش پاییز یارپاقلارینین اوستونه دوشدو... گولله شاناپیپین سول قانادیندان

دوغولماسینی بوتون کند اهلی بیل سه ده، اصل سببینی بو دونیادا ساغ اولانلاردان یالنیز او بیلیردی... گوزتچی گولممم دریندن آه چکیب، خیالا دالیدی، ایگیرمی دورد ایل بوندان اؤنجه کی حادثه لر گولزلی اؤنونه گلدی...

بو یئرلر داغلارلا، مئشه لرله احاطه اولوندوغوندا کئنده هر کس اووچولوقلا مشغول اولوردو. گولممم کئندین ان یاخشی اووچوسو ایدی... یئگانه اوغلو فرمایلی دا بئش-آلتی یاشلاریندا اووا آپاریر، اوون سیرلرینی اورکله اوغلونا اؤیردیردی. اوغلونون قوشو گوزوندن وورماسی، گئت-گئده گولممم دین اؤزوندن ده ماهیر اووچو اولماسی، بیر آتا کیمی اونو چوخ سئویدیریدی...

آیلار، ایللر اؤتدو... فرماییل گنج، ایگید بیر اووچو اولدو. کئنده اونون حاقیندا افسانه لر دولاشیردی. اووونا بیر دفعه باخیب، سونرا اوزونو چئویریب آتش آچدیقدا بئله، فرماییلین گولله لری شیکارینا دیریدی.

اوغلو ایله گونو-گوندن داها چوخ قورور دویان گولممم، فرماییلین ائوله نمک واختی چاتاندا سونونجونون هاییل ماییل اولدوغو سئوگی لیس، کئندین ان گولز قیزی گولگری توی ائدیپ اوغلونا آلدی.

واخت چاتدی، وعده یئتیشدی، گولگز هامیله قالدی...

گولگری دلیجه سیننه سئوهن فرماییل آروادینین هر بیر ایستیننی یئرینه یئتیرمه یه چالیشیر، هامینین سبیرسزلیکله گولزدی کؤرپه نین دونیایا ساغلام گلمه سی اوچون گولگزین هر سؤزونه باش اوسته دئییب، اونو هیجانلانماق دان، عصبدن اوزاق توتوردو. حامیله لین سون گونلری گولگز داها دا اؤتکه م و صبرسز ایدی.



کند خسته خاناسینین دوغوم شعبه‌سینین قارشى سینا خیلی اینسان توپلاشمیش‌دی. سحره یاخین گولگزین آغریلاری توتموش، فرماییل اونو دوغوم شعبه‌سینه چاتدیرمیشدی...

اوزون گۆزلنتی‌دن سونرا دهلیزده حکیم گۆرۈندۈ. فرمایلا یاخینلاشیب ساکیت سسله، -اوغلون اولدو،- دئدی. فرماییل سئوینمه‌یه ماجال تاپمامیش، کیم تلسیک گولممده یاخینلاشدی، -باشین ساغ اولسون گولممد عمی... گولگزى ایتیردیک،-دئدی.

سونرا ایسه یاواش و گوناھکار بیر سسله، -اما نور توپو کیمی بیر نوهن... حکیم سۆزونون آردینی گتیره بیلمه‌دی، هۆنکوره‌رک پالاتایا آددیملایب قاپینی چیرپدی...

دوغوم شعبه‌سینین قارشیسیندا آغلاشما سسلری عرشه چکیلیردی. پالاتاداکى گولممد و فرماییل گولگزین جان‌سیر چۆهره‌سینه باخیردیلار...

فرماییل کۆرپه اوغلونو قوجاغینا آلدی... حیرت‌دن گۆزلری برلمیش‌دی... حکیمین دئدی کیمی نور توپونو خاطیرلادان کۆرپه‌نین سول قولو دیرسک‌دن آشاغی یوخ ایدی. دیرسینین اوجونداکی اوچ عدد چیخینتیلار ایسه سانکی شاناپیپک قانادلارینی خاطیرلادیلار...

دییب، گۆوده‌سینه کئچرک قوشو اۆلدۈرمۈشدۈ. گولگز چینارا دوغرو قاچدی. اۆلمۈش شاناپیپی گۆتوره‌نده قوشون سول قانادینین یاریسی قوپوب یئره دوشمۈش‌دو...

گۆز قیرپیمیندا مطبخه کئچدی، چایداندان تاوایا ایستی سو تۆکرک اۆلمۈش قوشون توکلرینی ایسلادیب یولدو. تر-تمیز ائتدی قوشون جانسیز بدنینی دوغراییب تاوایا ییغدی.

گولله سسینه یئریندن دیک آتیلیب، حیرتله اوغلونو و گلینینی ایزله‌ین گولممد اونلارا تپنیب ایرادینی بیلدیرمه‌یه چالیشسا دا بوغازی قورومۈشدۈ... نه ایللاه ائتسه ده سۆز تاپا بیلمه‌دی...

قیزارتدیغی شاناپیپی سون تیکه‌سینه قدر تکباشینا یئین گولگز سانکی بوندان سونرا بیر قدر توختادی...

فرماییل سئحیرلنمیش‌دی. نه باش وئردینی، شاناپیپی نیه ووردوغونو هله ده آنلامیردی. گولگزین، او قوشو یئمه‌لییم، یوخسا اوشاغیم دا اۆل‌جک،-سۆزلری هله ده قولاغیندان گئتمیردی...

باياق‌دان برى يئرینده دونوب قالان گولممد ایسه اللرینی گۆیه قالدیریب «الله اۆزون کۆمک اول»،-دئدی.

آذربایجان یاخین تاریخ ده

به کوشش : دکتر حسین شرقی دره جک

ایشتیراکچی سی اولان شیخ محمد خیابانی
(۱۹۲۰-۱۸۷۹) باشچیلیق ائدیردی .

شیخ محمد خیابانین باشچیلیق ائتدی
آزادلیق مجاهدلری داخلی ايرتيجایا و یاد ائل لی
ایشغالچیلار قارشى موباريزه آپارماقلا برابر، اؤلکه
میقیاسیندا یئنیلشمه دموکراتیک دییشیکلیکلر
آپاریلماسینی طلب ائدی، بوتون ایراندا خالق
اینقیلابین غلبه سینه، شاهلیق رژیمین لغوینه
و جمهوریت تیپلی دئموکراتیک دؤولت
یارادیلماسینا چالیشیر، یئنی یارادیلاجاق
دئموکراتیک ایران دؤولتینین ترکیبینه گونئی
آذربایجانا موختاریت وئريلمه سی اوغروندا موباريزه
ائدیردیلر. گونئی آذربایجان اهالی سنین واحد
جبهه حالیندا آزادلیق موجدایله سینه قالماسیندا
آذربایجان دموکرات فیرقه سی (آدف) مهم رول
اوینا بیردی. آدف-نین مرکزی کمیته سینه شیخ
محمد خیابانی رهبرلیک ائدیردی .

خیابانین گؤستریشی ایله حرکت ائدن
دموکراتلار تبریز، اردبیل، خوی، اورمو، سراب،
زنجان و ب. آذربایجان شهرلرینده اهالینی
میتینقلره قالدیریر، اینگیلیسپرست ایران
حکومتینین استئفاسینی و اؤلکه ده دئموکراتیک
اصلاحاتلار کئچیريلمه سینی طلب ائدیردیلر .

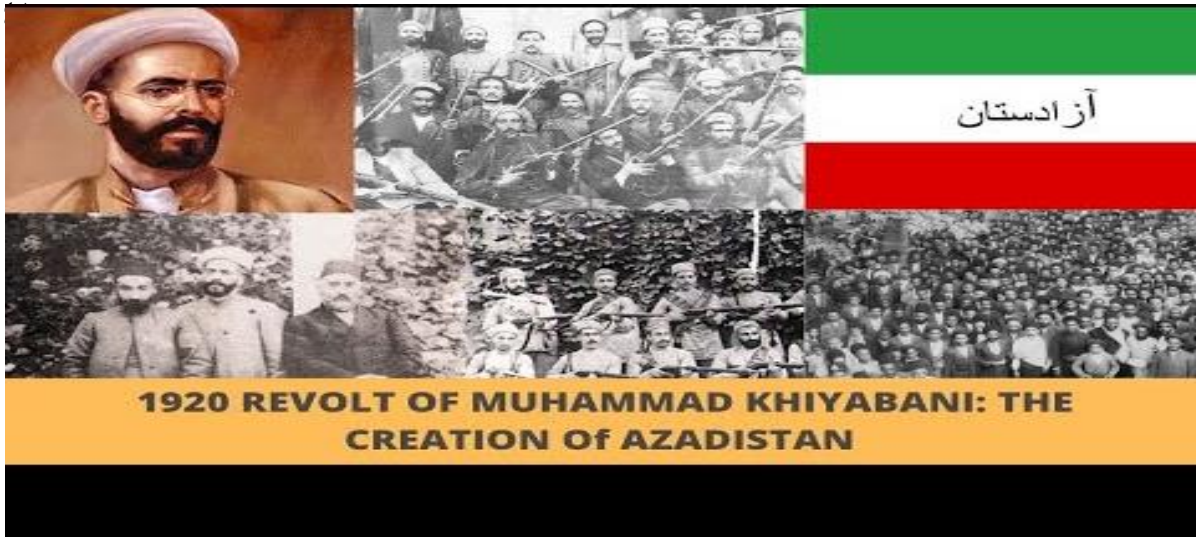
میللی آزادلیق حرکاتینین گئنیشلنمکده
اولدوغو بیر شرایطده — ۱۹۱۸-جی ایلین
اوللرینده روس قوشونلاری گونئی آذربایجاندا
چیخاریلدی. بوندان ایستیفاده ائدن اینگیلتره اؤز
حربی قوه لرینی گونئی آذربایجاندا یئرلشدیرمه یه
باشلادی. اینگیلیسلر باکی نفتینه جان آتیردیلار.
اینگیلتره حکومتی، علاوه اولاراق، ایرانا ژنرال
دئنسترویلین باشچیلیغی ایله یئنی حربی قوه لر

بیرینجی دونیا محاربه سنین دوغوردوغو تاریخی
شرایطده، قوزییی آذربایجاندا اولدوغو کیمی،
گونئی آذربایجاندا خالق اؤز میللی
دؤولتچیلیک عنعنه لرینین دیرچلیشی اوغروندا
موباريزه یه قالدی .

محاربه ایللرینده ایران اراضی سی، او جمله دن
اؤلکه نین شمال-قربینی احاطه ائدن گونئی
آذربایجان تورپاقلاری دا خارجی دؤولتلرین حربی
عملیات میدانینا چئوريلمیشدی. ايرتيجاع و یاد
ائللی ایشغالچیلارین آغالیغی خالقین اونسوز دا
آغیر اولان وضعیتینی، اؤلکه داخیلینده کی
ضدیتلری سون حده چاتدیرمیشدی. روسیادا
فئورال اینقیلابی نتیجه سینده چار مطلقیتی
دئوریلسه ده روس قوشونلاری هله ده گونئی
آذربایجان ایشغال آلتیندا ساخلا بیردیلار. شاهلیق
رژیمینه و خارجی ایشغالچیلار قارشى بوتون
ایرانی احاطه ائدن خالق حرکاتی، اساسلی
قورولوش و دئموکراتیک دییشیکلیکلر اوغروندا
موباريزه، چوخ چکمه دن، گونئی آذربایجاندا میللی
آزادلیق حرکاتی کاراکتری آماغا باشلادی .

روسیادا باش وئرن حادثه لر، آذربایجانین
قوزیییندا آزادلیق حرکاتینین غلبه سی، میللی
دؤولتچیلیک عنعنه لرینین دیرچلیشی و
آذربایجان خالق جوهوریتینین حیاتا کئچیریدی
اصلاحاتلار اؤلکه نین جنوبوندا میللی آزادلیق
حرکاتینی داها دا قوووتلندیردی .

گونئی آذربایجاندا میللی آزادلیق حرکاتینا
۱۹۱۱-۱۹۰۵-جی ایللر ایران اینقیلابین فعال



ده گۆندردی. گئنئرال دئنسترویله انزلی، رشت و باکینی اله کئچیرمک باره ده گۆستریش وئریلمیشدی .

اینگیلیس لرین، گویا "تورک تهلوکه سینی" "قاباقلاماق" مقصدیله، گونئی آذربایجانین تورکیه ایله همسرحد رایونلارینی اله کئچیرمه سی و بونونلا بوتون ایرانی نظارت آلتینا آلمالاری اؤلکه ده نارازیلیغی داها دا آرتیردی، گونئی آذربایجاندا میلی آزادلیق حرکاتینی داها دا قوووتلندیردی .

بئله بیر شرایطه کئچمیش روس ظابطلری طرفیندن سیلاحلاندیریلیمیش ارمنی قولدورلاری شرقی آنادولو و قوزییی آذربایجاندا اولدوغو کیمی، گونئی آذربایجانین تورکیه ایله سرحد بؤلگه لرینده ده آذربایجان تورکلرینه قارشی سویقیریمینا باشلادیلار. فرانسیز ظابطلری و آمریکا میسسیونئرلری طرفیندن قیزیشدیریلان آیسورلار و کوردلر ده آذربایجان خالقینا قارشی تۆره دیلن بو قانلی قیرغیندا فعال ایشتیراک اندیردیلر. یارانمیش آغیر وضعیتده قارداش تورکیه نین حربی قوه لری گونئی آذربایجان تورکلرینین کمکینه چاتدی. ۱۹۱۸-جی ایلین مارتیندان باشلایاراق ماکو، اورمو و سالماسی ایشغالچیلاردان و ارمنی-آسوری-کورد قولدورلاریندان تمیزله یین تورک حربی حیصه لری تبریزه داخل اولدولار. بئله لیکله، گونئی

آذربایجان اراضی سینده ده خالقیمیزا قارشی حیانا کئچیریلن سویقیریمین قارشی سی آلیندی. لاکین تورکیه اوچون یارانمیش چوخ آغیر بین الخالق شرایطه تورک حربی قوه لری ۱۹۱۸-جی ایلین نوایبریندا گونئی آذربایجان ترک ائتمه لی اولدولار. بوندان ایستیفاده ائدن اینگیلیس لر تبریز ده داخل اولماقلا بوتون گونئی آذربایجان ایشغال ائتدیلر. بئله لیکله، ایران اراضی سی تامامیله اینگیلیس لرین نظارتی آلتینا کئچدی .

۱۹۱۹-جو ایل آگوستون ۹-دا ایشغالچیلارین تضییقی آلتیندا ایرانلا اینگیلتره آراسیندا سازیش باغلانندی. سازیشین شرطلرینه اساساً ایران اینگیلتره دن آسیلی دؤولته چئوریلیردی. اودور کی، ۹ آگوست سازیشی خالق حرکاتینی داها دا آلوولاندیردی. بوتون ایران، او جمله دن گونئی آذربایجان بو آلچالیدیجی سازیشه قارشی آیاغا قالخدی. گونئی آذربایجانین هر یئرینده ایزدیحاملی میتینقلر و نوماییشلر باشلانندی. ۱۹۱۹-جو ایلین اوکتیابریندا عصیانا قالخان تبریز مجاهدلری ایران والی سینی شهردن قوودولار. بوندان چوخ کئچممیش تبریز اهالی سینین طلبی ایله اینگیلیس حربی حیصه لری ده شهردن چیخاریلدی .

میلی آزادلیق حرکاتی گئتدیکجه داها آردیجیل کراکتر آلدی و اؤزونون حللندیجی مرحله سینه

ایرتیجایا و اینگیلیس آغالیغینا قارشى عمومخالق ناراضیلیغینین بوتون ایرانى احاطه ائتدی شرايطده تبریز عصیانچیلاری داها قطعی آددیملار آتماغا باشلادیلار. ۱۹۲۰-جی ایل ایونون ۲۳-ده تبریزده شیخ محمد خیابانى باشچیلیغی ایله میلی حکومت یارادیلدى. آدف فعاللاریندان عبارت اولان میلی حکومتین ترکیبی اهالینین موختلیف طبقه‌لرینین نماینده‌لریندن عبارت ایدی .

میلی حکومتین فعالیتیه باشلادیغی ۲۴ ایون گونو تبریزده اومومخالق بایرامینا چئوریلدی. بوتون موسسسه‌لرده، تدریس اوجاقلاریندا ایش دایاندریلدی، بازارلار باغلاندى. میلی حکومتین قراری ایله، مرکزده گؤندریلمیش بوتون دؤولت مأمورلاری، ایران والی‌سی ده داخل اولماقلا، تبریزدن چیخاریلدیلار. بو، فاکتیکی اولراق، گونئی آذربایجاندا مرتجع شاهلیق رژیمین - ایران حاکمیتینین دئوریلمه‌سی و میلی دؤولتچیلیک عنعنه‌لرینین دیرچیلیشی دئمک ایدی. شیخ محمد خیابانین باشچیلیق ائتدی میلی حکومت ایسه مستقیل دموکراتیک رئسپوبلیکا فونک‌سیاسینی یئرینه یئتیریردی .

بونونلا بئله، خالقین تامامیله مستقیل یاشاماق عزمینین علیهینه اولراق، میلی حکومت بوتون ایرانین دموکراتیکلشدیریلمه‌سی و اؤلکه‌ده قانونی قورولوش یارادیلماسی، داخلی ایرتیجایا و اینگیلیس آغالیغینا سون قویولماسی اوغروندا موباریزه ختتینی داوام ائتدیریر، گونئی آذربایجانا قارشى یئری دیلن آیری-سئچکیلیک سیاستینه قارشى چیخیش ائدیردی .

بئله‌لیکله، خالقین تام مستقیل لییه جان آتماسینا و فاکتیکی اولراق، اؤزونون مستقیل دموکراتیک جمهوریتینی یاراتماسینا باخمایارق، میلی

داخل اولدو. ۱۹۲۰-جی ایل آپریلین ۷-ده شیخ محمد خیابانین رهبرلیگی ایله تبریزده سلاحلی عصیان باشلاندی. بوتون تبریز اهالی‌سی عصیانچیلارین مدافعه‌سینه قالدی. عصیان یاتیرتماق اوچون مرکزده گؤندریلمیش پلیس دسته‌لری بونا جسارت گؤسترمه یرک شهرى ترک ائتدیلر. خالقین میسلی گؤرونمیش فعال لیغی نتیجه‌سینده ۱۹۲۰-جی ایلین ۷ آپریل عصیان قان تۆکولمه‌دن قالیب گلدی.

عصیان قالیب گلدی ۷ آپریل گونو خالق قارشى سیندا چیخیش ائدن شیخ محمد خیابانى همین گوندن اعتباراً آذربایجانین آدینین دییشدیریلرک "آزادیستان" ("آزادلیق اؤلکه‌سی") آدلاندریلاجایینی بیان ائتدی .

تبریز عصیانچیلاری درحال عملی فعالیتیه باشلادیلار. مرکزده گؤندریلمیش دؤولت مأمورلاری و حربی قوللوقچولار وظیفه‌لریندن کنار ائدیلدیلر. بوتون دؤولت ایداره‌چیلیگی آدف فعاللارینین علیهینه کئچدی. بئله‌لیکله، بوتون ایران اراضی‌سینده دموکراتیک دییشیک‌لیکلر و یئنیلشمه اوغروندا باشلانمیش حرکات، نتیجه اعتباریله، میلی آزادلیق حرکاتینا چئوریلدی. آذربایجانین مستقیل دؤولتچیلیک عنعنه‌لرینین دیرچلدیلمه‌سینه باشلاندی. خالق آزادلیغا جان آتیر، اؤزونون مستقیل، میلی دؤولتینی یاراتماق ایستیردی .

تبریزده سلاحلی عصیان قلبه چالیدی دان سونرا خوی، اردبیل، آستارا، ماراغا، اهر و زنجاندا دا عصیانلار باش وئردی. گونئی آذربایجاندا باش وئرن میلی آزادلیق حرکاتی ایرانین باشقا یئرلرینده ده داخلی ایرتیجادان و اینگیلیسلردن ناراضی اولان قوه‌لر طرفیندن رغبتله قارشیلاندى .

اصلاحاتینا باشلاندى. بو مقصدلە يىنى ايدارلەر، موسسسەلەر، ناظرلىكلەر يارادىلدى .

گۇرۇندويو كىمى، مىللى حكومتىن حياتا كىچىردى بوتون تدبىرلەرنى، ھابىللە نظردە توتولان اصلاحاتلارنى اۆزۈ دە، اصليندە، گۇنى آذربايجاندا جمهوريت تىپلى مستقىل، دموكراتىك دۆولت يارادىلماسىنا يۇنلمىشىدى. يارادىلماق دا اولان موستقىل آذربايجان دۆولتى آزادىستان مملكتى آدلانىردى. بونا مووافىق اولاراق بوتون رسمى سىندىلدە، بلانكلاردا، ھابىللە ناظرلىكلەرنى، ايدارە و موسسسەلەرنى آدى عكس اولونان لۇوحەلەردە آذربايجان آدى "آزادىستان" لا عوض اولوندو .

خىيابانى اۆز دوغما خالقىنى دايم معارىفلەنمەيە، اينكىشاف نامىنە مبارىزەيە چاغىرەر، مستقىللىق، آزادلىق يالنىز بو يوللا الدە اولوناجاغىنا اينانىردى. او، تبرىزىن شىر باغىندا تشكىل اولونموش يىغىنچاقلاردا ترققىپور فىكىرلەرنى تبلىغ ائدىردى. شىخ محمد خىيابانىنى ۱۵ ايون ۱۹۲۰-جى ايلدە سۇيلىدى نىطقىندە اونون مبارىزەسىنىن اساس ايدىئالارى اۆز عكسىنى تاپىب :

"- منلىنى سئومك طبعى و عمومى بىر قانۇندور. ھەر بىر آدم، ھەر بىر جانلى بشر اۆزونو باشقاسىندان چوخ سئور. بونا گۇرە دە بىر جمعيت اۆز رفاه حالىنى ياخشىلاشدىرماغى باشقاسىندان گۇزلەمەلى دىر. خصوصىلە اۆزۈنە نىسبەتەن رابطة و ياخشىلىغى اولمايانلاردان ياردىم و خىدمت گۇزلەمەلى دىر. اۆز شىخسىنە حۇرمەت ائتمەك، اونا اينانماق دا منلىنى سئومكە بىر سىرادا قويولمالى دىر. بىر خالق، بىر جمعيت تكبۇرلو و اۆزۈنە بدگمان اولمامالى دىر. اينسان اۆز شىخسى اعتمادىنىن اساسىنى لاخلاقان آلچاقلىغى، آجىزلىك قدر تواضكارلىغى قبول

حكومت گۇنى آذربايجاننى تام مستقىللىغى اوغروندا دئىل، يىنى يارادىلماق دئموكراتىك ايران دۆولتىنىن تركىبىندە مىللى مختارىت حقوقو الدە ائتمەك اوغروندا مبارىزە آپارىردى .

مىللى حكومتىن رەبىرلى اينانىردىلار كى، تبرىزدن سونرا بوتون ايران آياغا قالخاق، شاھلىق ايدارە اوسولو دئورىلەجەك، خالق حاكمىتە گلەجەك و بوتون اۆلكەدە جمهوريت قورولوشو برقرار اولماق دىر؛ يىنى يارادىلماق عموم ايران خالق حكومتىنىن تشكىلىندە آذربايجانلىلار مەھم رول اويناياچاقلار. خىيابانى امىن ايدى كى، "تبرىز ايرانا نجات وئرهجەك دىر"!

بىللەلىكلە، قارشى سىنا ايراندان آيرىلىپ مستقىل آذربايجان دۆولتى ياراتماق كىمى سياسى وظيفە قويمايان مىللى حكومت اقتصاديات، معارىف، صحىيە و ب. ساحەلەردە اصلاحاتلار باشلادى. اىلك نۆۋبەدە دۆۈلەت دوشموش يوخسول اھالىنىن، او جملەدن تبرىزلىلەرنى وضعىتىنى ياخشىلاشدىرماق اوچون موختلىف كاراكتىرلى تدبىرلەر گۇرۇلدو. ساوادسىزلىغىن لغوینە باشلاندى. مىللى مەكتەپلەر، خستە خانالار آچىلدى. تبرىزە يوخسول اوشاقلارنى اوچون پولسوز قىز مەكتىبى فعالىتە باشلادى. يىنى آچىلمىش مىللى مەكتەپلەردە درس دئمەك اوچون باكىدان، توركىيەدن، ھابىللە تىفلىسدىن مەلەملەر دعوت اولوندو. مىللى اوردو يارادىلماسى اوچون حاضرىق ايشلەرنە باشلاندى. مىللى حكومتىن اۆز ژاندارم و پلىس دىستەلەرى يارادىلدى. پلىس مەكتىبى آچىلدى. عىنى زاماندا يىنى ايش يىرلەرى آچىلماسى، پول اصلاحاتى كىچىرىلمەسى، بانك-مالىيە سىستىمى يارادىلماسى، بلدىيە سىچكىلەرى كىچىرىلمەسى اوچون حاضرىق ايشلەرى گۇرۇلمەسىنە، تورپاق

فاکتیکی اولاراق، اؤزونون جمهوریت تیپلی
دموکراتیک دؤولتینی یاراتماغا باشلامیشدی .

آزادیستان مملکتینین اوغورلاری بوتون ایرانی
حرکت گتیرمیشدی. لرزه یه دوشن شاهلیق
رژیمی، همچنین، ایرانی اؤز آسیلیلیغیندا
ساخلاماغا چالیشان و باکی نفتینه جان آتان
اینگیلیسلر رئال تهلوکه قارشیسیندا قالمیشدیلار.
اودور کی، ایران ایرتیجاسی و اونا یاخیندان
کؤمک ائدن اینگیلیسلر تهراندا میلی حکومت
قارشى قصد حاضیرلاماغا باشلامیشدیلار .

تهران رژیمى بیر طرفدن میلی حکومتین
باشینی قاریشدیрмаق اوچون شیخ محمد خیابانی
ایله دانیشیقلار آپاریر، مختلف و دیر وئیر، دیگر
طرفدن ایسه تبریزه هجوم پلانی
حاضیرلاییردی. بوتون حاضریق ایشلری باشا
چاتدیریلدیق دان سونرا ۱۹۲۰-جی ایل شهریورین
۲۲-ده تپه دن دیرناغادک سیلاحلانیش ایرتیجاع
قوه لری تبریزه هجوم ائتدیلر. تبریز عصیان چیلاری
ایکی گون عرضینده قهرمانجاسینا مقاومت
گؤستردیلر. لاکین سایجا چوخ اولان و یاخشی
سیلاحلانیش نظاملی حکومت قوه لری
اوستونلویو اله آلا بیلدی. شهریورین ۲۴-ده
خیابانی اؤلدورولدو و عصیان قان ایچری سینده
بوغولدو. بئله لیکله، آذربایجان خالقینین استیقلال
مباریزه سینین داها بیر پارلاق صحیفه سی تاریخه
قوووشدو. قوزییی آذربایجاندا شوروی
روسیاسینین قانلی بولشئویک رژیمى آذربایجان
خالق جومهوریتینین وارلیغینا سون قویدوغو
کیمی، گونئی آذربایجاندا دا ایرانین شوونیست
شاهلیق رژیمى آزادیستان مملکتینی قان ایچینده
بوغدو. واختیله گولوستاندا و تورکمنچایدا
آذربایجانى اؤز آرالاریندا ایکی یئر پارچالامیش
قوه لر اونون آزادلیغا چیخماسینا یول وئرمه دیلر.

ائتمه مه لی دیر. بشریت بوتون عضولرینین
بیرلیکده اولان فعالیت و یاردیمینا محتاج دیر.
ائله تصوور ائتمه مه لی دیر کی، دونیادا یاشایان
کیچیک بیر خالق بشریت خیر وئره بیلمز و اونون
وارلیغینا اعتیناسیز مناسیبت بسله مک اولار. چوخ
تأسف اولسون کی، بیز اؤز قدیر و قیمتی میزی
چوخ آز بیلیمیش، بلکه ده اؤزوموزده اولان
منلیکدن خبر توتمامیشیق. بو، فردلرین حیاتیندا
تجربه دن کئچیریلیمیشدیر. یوکسک خصوصیت
مالیک اولان، عالی فیکرلره خیدمت ائدن، اؤز
درجه و حیثیتینی قیمتله ندیره ن و بونون
قورونماسی اوچون چالیشان شخصلر همیشه
یوکسک مقاما چاتمیشلار. محض بونا گؤره دیر
کی، بیر چوخ ادیب و فیلسوفلار اؤز شخصیتلری
نامینه عالی درجه یه چاتمیش و پادشاهلاری بئله
اؤز زحمت و قدرتینه قارشى حؤرمه ائتمه یه
مجبور ائتمیشلر. اونلار سارایلاردا ان پارلاق یئر
توتوموشلار. خالقلار دخی بو عظمتی، معنوی
قوه نی، منلیگی و اؤز وارلیغینا ائتمه دی اوزه
چیخارماقلا ترققی و اینکیشافا نایل اولار بیلرلر.
آزاد و مستقیل اولماق ایسته یین بیر خالق، اؤز
حیاتینا و اجتماعی مسئله لره لاقید قالا بیلمز. بیز
دخی موترققی خالقلار جرگه سینه چاتماق اوچون
اؤز فیکر و حیسیسیاتیمیزی اونلارین درجه سینه
قالدیرمالیییق .

بیر خالقین شرافتی اوچون بیرینجی شرط اونون
مستقیل اولماسی دیر .

مستقیل اولمایان بیر خالقین عزمی و حؤرمتی
یوخدور. خالقین استیقلالیتینی اونون اخلاقی
فضیلتی ساخلایا بیلر. هر بیر خالقین
استیقلالیتینی قوروپان اونون مردلیک و
شجاعتی دیر . "گونئی آذربایجاندا میلی آزادلیق
حرکاتی درینلشمکده ایدی. آذربایجان خالقى،

ترس از مرگ اساس اغلب ترس های ماست

به کوشش : علی محمدنیا

استفاده از نظریه ای در روانشناسی اجتماعی که به آن TMT یا نظریه مدیریت وحشت می گویند می باشد.

ساز و کار های مقابله با نگرانی مرگ طبق این نظریه ما ترس از مرگمان را با تغییر حواس مربوط به مفهوم بخشی به زندگی تحت کنترل و مدیریت می گیریم. ما برای این کار به دستاورد های شخصی و دوستانمان فکر میکنیم و برای اینکه بتوانیم خاطرات زیبایمان با دوام باشند بارها و بارها از خود و دیگران عکس می گیریم. همچنین ممکن است به کلیسا یا مسجد رفته و به زندگی پس از مرگ هم اعتقاد داشته باشیم.

این رفتار ها باعث خواهند شد اعتماد به نفس ما بالاتر رفته و در برابر مرگ احساس قدرت کنیم. با این حال برخی زمان ها پیش می آید که ترس از مرگ خود یا کسانی که دوست داریم باعث پاسخ های غیر مناسب و پاتولوژیکی می شوند.

افراد می توانند ترس از مرگ را با ترس های دیگر که قابل کنترل تر و مدیریت پذیرتر باشند، نظیر ترس از عنکبوت ها یا ترس از میکروب جایگزین کنند. چنین ترس هایی امن تر از ترس از مرگ بوده و کنترل بیشتری روی آن ها قابل اعمال است.

عکس گرفتن

انسانها برای اینکه حس فناپذیری را در خود تقویت کنند عکس های بسیاری از خود و دیگران می گیرند.

این منطقی است. زمانیکه با دقت به نشانه های بسیاری از ناهنجاری های ناشی از نگرانی نگاه می کنیم تم مرگ در آن ها به صورت واضحی دیده می شوند. زمانیکه کودکان از اختلال نگرانی



- ترس از مرگ

برخی افراد ترس از مرگ را با ترس های قابل کنترل تر و کوچک تر جایگزین کرده و بر روی آن ها متمرکز می شوند.

آگاهی از فناپذیری انسان بخشی از هویت ما را تشکیل می دهد. همان طور که نویسنده و فیلسوف اگزیستانسیالیست ابروین یالوم گفته است ما تحت تاثیر سایه ابدی مرگ هستیم و همواره می دانیم پس از رشد و شکوفایی نهایتا خواهیم مرد.

تحقیقات دانشمندان در رابطه با نگرانی های طاقت فرسای انسان از مرگی حتمی هر روز بیشتر می شود. همچنین با توجه به این که به طور قطع نمی دانیم مرگ چه زمانی به سراغ ما خواهد آمد نگرانی های فزاینده ای نیز در این رابطه داریم. یک راه فهمیدن این که چگونه نگرانی ها، رفتار و باور ما از خود را تحت تاثیر قرار می دهند

کسانی که در شستن دست وسواس دارند زمانی که ترس از بیماری و مرگ دارند بیشتر کاغذ های توالت را استفاده می کنند.

مطابق فرضیه TMT نگرانی از مرگ می تواند باعث پاسخ های عصبی و پر از تشویش شود.

تحقیق جدید از تکنیک مشهور "القای میرایی برجسته" استفاده کرده است. در این تکنیک ترس از مرگ در افرادی که ناهنجاری فوبیا دارند برجسته تر می شود. این تکنیک مستلزم آن است که شرکت کننده احساساتی که زمان فکر کردن به مرگ دارد را به روی کاغذ بیاورد و همین طور با جزئیات بنویسد که فکر می کند زمانی که در حال مرگ است چه اتفاقاتی خواهد افتاد. همچنین از شرکت کننده خواسته میشود بنویسد فکر می کند پس از مرگش چه اتفاقات دیگری رخ خواهد داد.

ترس از عنکبوت ها که ناشی از ترس از مرگ باشد باعث واکنش های شدید عصبی به عنکبوت ها خواهد شد. این واکنش ها می توانند به قدری شدید باشند که فرد از نگاه کردن به عنکبوت ها هم سرباز زند. این تفاوت افرادی است که ترس از مرگ دارند و در عین حال ترس از عنکبوت را جایگزین آن کرده اند تا بتوانند بهتر با آن مقابله کنند. در مقابل افرادی هم هستند که ترس از عنکبوت به صورت طبیعی دارند. در این افراد ترس به صورت افراطی افراد پیشین مشاهده نمی شود. همچنین افرادی که به صورت وسواسی دستان خود را می شویند زمانی که دلیل این کارشان ترس از مرگ باشد بیشتر از افراد دیگری که دستان خود را به صورت وسواسی می شویند از کاغذهای توالت استفاده می کنند و حساسیت آن ها در این مورد بیشتر خواهد بود.

جدایی رنج می برند ترس فزاینده ای در رابطه با از دست دادن یکی از حامیان زندگیشان نظیر والدین یا دیگر اعضای خانواده دارند (این ترس به شکل ترس از بروز حوادث رانندگی، فاجعه ها و مریضی های شدید است که می تواند اعضای خانواده کودک هراسان را از بین ببرد).

افرادی که از مرگ وحشت دارند و وسواس واریسی هم دارند بارها و بارها اجاق گازشان را چک می کنند و مراقب اینند که مرگشان به دلیل حوادث فرا نرسد. کسانی که از ترس دستهای خود را به صورت وسواسی می شویند می ترسند که بیماری های کشنده و مزمن بگیرند.

افرادی که ناهنجاری وحشت دارند معمولاً نزد دکتر می روند زیرا می ترسند که از حمله قلبی بمیرند. در عین حال آن هایی که سابق بر این در روانشناسی به آن ها مالیخولیایی می گفتند معمولاً بارها و بارها از بدنشان آزمایش های طبی گرفته و به دنبال نشانه های بیماریهای جدی در بدنشان هستند.

در نهایت ترس های فوبیایی خاصی هم هستند از جمله ترس از ارتفاع، ترس از عنکبوت، ترس از مار و ترس از خون که همه آن ها به نوعی به ترس از مرگ بر می گردند. مثلاً پاسخ ترسی که عنکبوت ترسها از دیدن یک عنکبوت می دهند معمولاً شامل بالا پریدن، جیغ زدن و لرزیدن است. برخی متخصصان بر این باورند که این پاسخ های افراطی در واقع جایگزینهای منطقی به ترس های جدی تری نظیر ترس از دیدن یک فرد با سلاحی در دست می باشد.

ترس از مرگ برای درمان فوبیا

شستن دست ها - بیماری فوبیا

را چک می کنند زمان زیادی از زندگی خود را صرف رفتار هایی می کنند که بر ترسشان غلبه کنند و به همین دلیل این افراد در برابر آتش، دزدی از خانه، میکروب یا سایر تهدید هایی که بر آن ها و یا کسانی که دوست دارند روا شود بسیار حساسند.

همینطور افرادی که فوبیا دارند (ترس افراطی) می توانند به قدری در ترس خود غرق شوند که در شرایطی که با موردی که باعث ترس آن ها می شود مواجه شوند عکس العمل های بسیار شدیدی از خود نشان دهند. وقتی افکار و رفتار این افراد باعث شود انجام کارهای روزمره ی این افراد با مشکل روبرو شود دیگر ترسشان طبیعی محسوب نمی شود.

یکی از روش های درمانی این ترس ها درمان شناخت رفتاری می باشد که طی آن روانکاو از استراتژی ها و راهکارهای جدیدی برای پی بردن به منشا ترس افراد استفاده می کند و معمولا به این نتیجه می رسد که ریشه این ترس ها در اغلب افراد ترس از مرگ می باشد.

بدون بهره گیری از روش های درمانی، شبیح مرگ ممکن است به قدری افرادی را که افراطی از آن ترس دارند در خود فرو برد که دیگر برای درمان دیر شود.

مدیاسافت منبع : buttun



افرادی که ترس از اجتماع دارند و علاقه ای به شرکت در انجمن ها و گروه های اجتماعی ندارند زمانی که به آنها مرگ را یاد آور می شویم ترس از اجتماع در آنها تشدید خواهد شد زیرا حتی با دیدن چهره های شاد و عصبانی افراد مختلف هم آشفته می شوند چون از نظر آن ها این چهره ها چهره هایی هستند که ترس آنها را قضاوت می کنند. در حالیکه چهره های خنثی از دید این افراد زیاد تهدید کننده به نظر نمی رسند.

آیا ترس از مرگ عادی است؟

ترس از مرگ - قبرستان

ترس از مرگ بخشی از زندگی انسان است.

با توجه به این که همه می دانیم زمانی خواهیم مرد ترس از مرگ بخشی عادی زندگی انسان شده است. برای بسیاری از ما فکر کردن در مورد مرگ باعث ترس از دست دادن عزیزان، درد، رنج و همچنین تشویش و نگرانی خواهد شد.

طبق نظریه مدیریت وحشت، ترس از مرگ از جهت مثبت یا منفی میتواند به قدری در ما تاثیر گذار باشد که زندگی خوب یا بدی را برای خود فراهم کنیم.

این ترس می تواند در ما این انگیزه را به وجود بیاورد که کسانی که دوست داریم را بیشتر با محبت خود همراه سازیم و خاطرات زیباتر و بادوام تری با آن ها بسازیم و به دنبال امیدها و رویاهای خود برویم، به توانایی های خود ایمان بیاوریم و تلاش کنیم تا موفق تر شویم.

ترس و نگرانی از مرگ زمانی غیر طبیعی خواهد شد که باعث افکار و رفتارهای پاتولوژیکی و آسیب زننده شود و رفتار عادی ما را مختل کند. بسیاری از افرادی که به صورت وسواسی و افراطی دست های خود را می شویند و همچنین کسانی که به صورت وسواسی و افراطی تمام وسایل خانه

مراسم «چیلله گئجه‌سی» آذربایجان یادگاری از دوران اساطیری

فروردین با جشنی بزرگ یاد می‌شد، شب چله نیز تولد نور و امیدواری بود برای مردمان قدیم. مهرداد بهار اسطوره شناس برجسته و پسر ملک الشعرا بهار معتقد بود که نوروز جشنی آریایی نبوده بنابراین چیلله گئجه‌سی نیز جشنی آریایی نخواهد بود.

خورشید در اساطیر آذربایجانی جنس مذکر دارد و شایسته احترام و ماه جنسی مونث. بی دلیل نبود که موقع خورشید گرفتگی، اجدادمان برای خلاصی خورشید مقدس از چنگ به زعم آنها



اژدها با کوبیدن ظروف مسی سعی می‌کردند خورشیدشان را از دست اژدهای بدطینت برهانند. آیین خورشیدپرستی در میان رومی‌های باستان نیز رواج داشته و آنچنان قدرتمند بود که بعد از گرویدن رومی‌ها به مسیحیت، جشن تولد خورشید به جشن تولد عیسی مسیح تبدیل شد بطوریکه امروزه ۴ روز بعد از شب چلله، مسیحیان، میلاد عیسی مسیح را جشن می‌گیرند حال اینکه براساس شواهد جدی و حتی متن خود انجیل عیسی در فصل گرمی متولد شده است. حتی در سده ۱۷ میلادی، آیزاک نیوتن بحث می‌کند که روز تولد مسیح تنها به این دلیل

دکتر توحید ملک زاده



یکی از قدیمی‌ترین مراسم‌های رایج در آذربایجان که همچون جشن سال نو و یئنی گون (اول فروردین) ارتباط نزدیکی با نجوم دارد مراسم چیلله گئجه‌سی می‌باشد که هر سال با شکوه فراوان در میان خانواده‌های آذربایجانی برگزار می‌شود. آمادگی برای این شب به یادماندنی از چندین روز قبل شروع می‌شود و با شب نشینی در آخرین شب آذر به اوج می‌رسد.

اساس این جشن هماهنگ با سال اعتدالی و براساس تقویم ترکان در زمان سلجوقی یعنی تقویم جلالی - به افتخار سلطان جلال الدین ملک‌شاه سلجوقی - موقع تحویل ماه جدی (آذر) به قوس (دی) پایهریزی شده است. شب این تحویل، طولانی‌ترین شب سال است و مردمان قدیم برای درآمان ماندن از شر شب طولانی و در ضمن خوشحالی از تولد خورشید و نورانیت به جشن و پایکوبی می‌پرداختند.

در اساطیر ملل شرق، این شب را شب تولد خورشید می‌دانند و ارتباط آن با آیین‌های قدیمی مورد اتفاق تمام محققین می‌باشد. همچنان که تولد خدای دومیوزی در میان سومریان در اول



۳- گردآمدن در منزل بزرگ و بایاتی گویی،
خاطره گویی، تاپماجا، داستانسرایی حماسی نظیر
کورواغلوو نقل داستان‌های دده قورقوت و شنیدن
سخنان اوزان/ عاشیق‌های باستانی
در اثر گسترش رسانه‌های جمعی و خصوصا
تلویزیون و سیاست‌های یکپارچه‌سازی ملی،
اخیرا کلمه یلدا به صورت همه گیر وارد فرهنگ و
زبان ملل ساکن ایران شده که جالب است چند
دهه قبل این مردمان قبلا هیچ اطلاعی از چیلله و
به زعم آنان یلدا نداشتند ولی در آذربایجان،
تورکان این شب را « چیلله گنج‌ه‌سی » نامیده‌اند،
می‌نامند و خواهند نامید.



انتخاب شده که با تحولات خورشیدی هماهنگ
باشد. بدین ترتیب این آیین از این طریق وارد
زندگی جمع کثیری از مردم جهان شد.
در آذربایجان به سبب دارابودن زمستان‌های
سخت این عید و مراسم خیلی ملموس‌تر می‌باشد.
در آذربایجان، این شب آغاز چله بزرگ (بویوک
چیلله) می‌باشد که ۴۰ روز ادامه دارد. سرما پس
از ۴۰ روز زورش را می‌زند تا دوباره سرما را
برجهان حاکم گرداند ولی گرم شدن زمین عمر
چله کوچک (کیچیک چیلله) را کوتاه‌تر می‌کند و
پس از بیست روز بایرام آیی می‌رسد و مراسمات
چهارگانه هر هفته در هر چهارشنبه شروع می
شود. اهالی آذربایجان چهارشنبه اول را سو (آب)
، چهارشنبه دوم را اود (آتش)، چهارشنبه سوم را
یئل (باد) و چهارشنبه آخر را آخر چرشنبه یا
تورپاق (خاک) می‌نامند.

از مراسمات جنبی و در عین حال اصلی شب چله می‌توان نام برد:

- ۱- پای گوندرمه (هدایایی برای فرزندان خصوصا
نوعروسان) - رسمی که با جدیت و علاقه فراوان
در آذربایجان اجرا می‌شود.
- ۲- چیلله قارپیزی و استفاده از میوه‌های قرمز
رنگ (سیب قرمز و انار) برای سمبولیزه کردن
خورشید و گرمی، حلوای مخصوص گردو و ...
آجیل و میلاخ

قاضى نىن جانينا اوشوتمه گليب، سويوق تر بورودو. جلسنىن سونونو اعلان ائديب، يئنه سون حۇكمو تاخيرە سالدی.

نە منصفە ھئيئتە، نە دە خانىمينا گۇردويو عجاييب منظرەدن سۇز آچا بيلمزدی. دادگاھ بونو سزسەيدى، يقين كى اغلىنىن زوالينا حۇكوم وئريب، اونون قاضىلىك صلاحيتىنى باطيل ائدردى.

اود ايله سو آراسيندا قالمىشدى. نەدن بئله بير اولاي باش وئردىگىنى دوشونموردو. كيمسە يە دە اونا نە كئچدىگىنى سۇيلىە بيلمىردى.

نھايت كى منصفە ھئيئتى نىن فيشارى آلتيندا و جلسەلرين چوخ اوزاندىغينا اعتيراضلارينا خاطير، سون امضاءنى ووروب اوغلانين اعدام اولماسينا حۇكوم وئردى.

ساباحىسى گون، آلا- تورانلىقدا، آدان واختى، مامورلار دوستاقين قاپىسىنى آچدىلار. قاپىنىن سسى دوستاقخانانين سحر سسسيزليگيندە بومبا كيمى پارتلادى. اوغلانين اورەينە قان دامدى. اونو آدى ايله سسلەدىلر. دوستاقخانانين زالىندا كى بير تالا ايشيق مامورلاردان قاباق ايچرى جومدو. گونش و سحر عاشىقى اولان اوغلانين، ايشىغى گۇردوكدە، اورەيندە عبث بير اومود فيدانى دىرچلدى. اوزونە بلکہ بير «قورتولوش يولو اولاجاق» اومودو وئردى.

گوزلرى قاماشدى. اللرىنى گوزلرينە كولگەلىك توتدو. مامورلار اونو ايكي طرفدن حصره سالدیلار. بيرى قارا اورتوكلە گوزلرىنى باغلادى. قوللارنى قانداللاى.

اونو سورويوب ائشىگە چىخارتدىلار. سحرين سويوق يئلى نازىك زيندان پالتاريندان ايليكلرينەدك يئردى. برک تيتردى. آما بير

حكاية – اويكو – hekayə

ويجدان

سحر خياوى



گۇزليونو گۇزوندن گۇتوروب، گۇزلىرىنى قىيىب يئنىدن متهمة باخدى، تار گۇرسە دە، ايكي مامور آراسيندا اوتورموش، گنج اوغلو ايدى؛ اللرىنى دىزلىرىن اوستونە قويوب ملولجا اونا سارى باخىردى. او قاضى نىن اونا كسديى سون حۇكمونو گوزلە ييردى!!

يوخ، بو موطلق دوغرو ولا بيلمزدى. اونون تزه درسىنى بيتيرمىش اوغلو، كيلومترلر بوردان اوزاقدا، ياد اؤلكەدە، پرفئشنال طب اوزەرە تحصيل آلىردى!!

قاضى گۇزلوگونو ماسانين اوستونده اولان كاغيذ دستمال ايله سيليب يئنىدن گۇزونە ووردو. قارشىسىندا كى اوغلو يوخ، تقريبن اوغلو ياشدا گنج متهمة ايدى، بونونو چيگنینه قويوب حزينجه اونا سارى باخىردى!!

ایپی بونونا سالدیلار. مامور چارپایینی آياغینی
آلتیندان چککک اوچون قاضی نین سون حؤکمونو
گودوردو.

او ساعاتاجا گؤزونه یوخو گئتمه یین قاضی اوزو یوخاری
متممه ساری باخدی. داها شوبهه یئری یوخ ایدی،
متمم اوغلو ایدی، او گنج اوغلونون اؤلومونه فرمان وئره
بیلمزدی. هم ده ها چک- چئویر ائله دی، اونون سوچو
اعداملیق حدیدینه دئییلدی.

نه اولور اولسون اؤز- اؤزونه دئدی. بیر ایش گؤرملی یم.
سونرا مامورا زنگ ائتدی:

— اعدام حؤکمو لغو اولدو، متممی آزاد
بوراخین... یئنی دن محاکمه ائتمک گره کیر

متمم ائشیتدییینه اینانا بیلمیردی. سان کی بدینه
یئنی بیر جان گلدی. هووله سک اوزونو قومساللیغا
توللاییب، وار گوجو ایله یئری قوجاقلادی. سان کی
حیاتدان آیریلماق ایسته میردی. سونرا کائیناتین و
مامورلارین شاشقین گوزلری قارشیسیندا هؤنکورتو
ایله آغلادی.

قاضی ائوینه قاییدارکن صنیف یولداشی علی نین
سؤزو یادینا دوشدو: «سن اینسانی رشته سینی یالینیز
حقوق رشته سینه عاشیق اولدوغونا سبب سئچسن ده،
بو اوره یی کؤوره کلیک الینه ایش وئره جک. سن
یاخشی قاضی اولما بیلمزسن، قاضی نین عاغیلی
اوره یینه حاکیم اولمالی دیر، سن بیر پارچا اوره کسن،
عزیز دوستوم»، — دئمیشدی.

آخشام ماذونلوق پالتاریندا، هله لیک سون شکیلی
اولان اوغلو راضیقلارمکه دن اونا گولومسونوردو.
صاباحیسی نه اولاجاغینی بیلمیردی، بلکه ده اونو
ایشدن چیخاراجاقدیلار، اؤنملیسی بو ایدی کی، بیر
لک کیمی یونگوله میشدی، نچه ییلاردان سونرا،
راحت و یجدانلا، آنادان یئنی دوغولموش اوشاقلار
کیمی، دینج باش یاستیغا قویدو و میشل- میشل
یوخولادی.

او بو ویجدان راحتلیغینی دونیادا هئج نه ییله
دییشمزدی...

@SheirOcagi

هفته حسرت قالدیغی آزاد هاوانی دویا- سییا ایچینه
چکدی.

آآخ... یاشام نجه ده دادلی، آزادلیق نجه ده تورشا-
شیرین ایمیش!!

ایندی دار آغاجینین نچه قدملیگینده نجه ده
یاشامین دادلی اولدوغونو آرتیق دوشونوردو.

قوللارینی آزاد قوشلار کیمی آچیب، درین بیر
گرنشک کونلوندن کئچدی، قوللارینی دارتاندا،
قانداللی اولدوغونو دوشونرکن، حقیقتین نه اولدوغو،
آوار کیمی باشینا اوچدو، سان کی بیر قازان قاینار سو
باشیندان تۆکولدو. ناچار آياقلارینی سوروتله یه-
سوروتله یه زیندان حیه طینین قومساللیغیندا
آدیملا دی. آدیملارکن یاشلی آتا- آناسی،
باجیلاری، بیر ده پلان قوردوغو ساییسز آرزولاری،
دوستلاری، خاطیره لری، بیر سینما پرده سی کیمی
تئز- تئز گوزلرینین اؤنوندن کئچدی. بلکه دینی
درسینده اوخودوغو «تجسم اعمال» بو ایمیش!!

درین بیر آه چکدی. مامورلار اوزلرینی بیلمه مزلیگه
وورسالاردا متممین بو سون آهی، گوزلریندن
یایینمادی. تاسوفله باشلارینی بوللادیلار.

متمم آچیق- آیدین اؤلومدن قورخوردو. بونو آلا
قارانلیقدا آی کیمی پاریلدایان بنیزیندن، وحشتدن
آچیلیمیش گوزلریندن سزمک اولاردی. او دار آغاجینا
چاتینجا بلکه ده مین دفعه اؤلوموشدو، یالینیز
کؤلگه سی سورونوردو. کیم شیرین جانی نین تهلوکویه
دوشمه سیندن قورخمازدی کی؟!

آرتیق مقصد چاتمیشدیلار. اونو زورولا نچه پیلله
یوخاری بیر سکی یه چیخاردیلار. چیخا بیلمیردی.
قیچلاری طوفاندا کی فیدانلار کیمی آسیم- آسیم
آسیردی. بیر مامور قولاغینا سون وصیتینی دئه
سویله دی. تیره ک سس ایله: — منیم سون سوزوم
یوخدو، یالینیز تانری وارسا اؤز سوز ایله منیم آرامدا
دوزگون قضاوت ائتسین، — دئدی.

باشیم آغارسا دا، بیر اوغلان کیمی
 باشیما گله‌نی ارمغان کیمی
 ارکدن خلقیمه سپه‌جگم من
 توربت تک توپراغیمی اوپه‌جگم من
 موقدس آرزو، گوژل بیر دیلک
 بو دیلک اوغروندا تقدیم ائده‌جک.
 بیر اورگیم وار، بیر اورک.

سالروز اشغال تبریز به دست روس‌ها

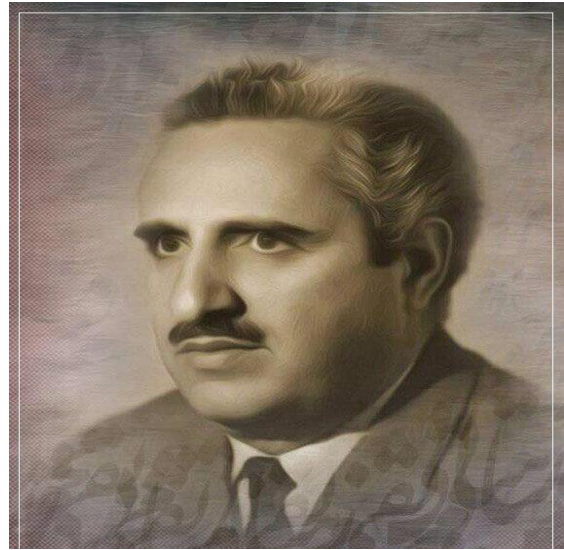
در ۱۱۱ سال پیش و در ۲۸ آذرماه سال ۱۲۹۰ خورشیدی، قوای روس پس از چندین روز اردو کشی و محاصره تبریز این شهر را به اشغال خود درآوردند. روس‌ها در حین تهاجم و در دوران اشغال دست به اعدام آزادی‌خواهان و کشتار در تبریز زدند. آمار دقیق کشته‌شدگان به‌طور دقیق معلوم نیست، با این حال گزارش‌های مختلف تعداد کشته‌شدگان در تبریز را حدود ۱۲۰۰ نفر تخمین زده‌اند.

تصویر مربوط به سنگر مدافعان تبریز در مارالان در زمان حمله روس‌ها در سال ۱۲۹۰ شمسی



است

Tarixdən yapraqlar تاریخدن یارپاقلار



۱۹۹۸-۱۹۲۳ شبستر

یکم دی ماه سالروز وفات اسرار انگیز
 پروفیسور ذهتابی است. پروفیسور محمد تقی
 ذهتابی از بنیانگذاران فکری و نظری حرکت
 ملی آذربایجان و نویسنده کتاب "ایران
 تورک‌ری‌نی‌ن اسکی تاریخی" میباشد.

بیر دیلگیم وار

او گون اینتیظارلار باشا چاتاندا
 ائلیم زنجیرینی قیریب آتاندا
 هر یاندا بایراغیم وورولان زامان
 عدالت دیوانی قورولان زامان
 شن نغمه سسیندن دولاندا تبریز،
 ایختییار الینه آلاندا تبریز،

بیست و شش آذر ۱۳۲۵ «روز جشن کتاب سوزان پهلوی سر سپرده...!»

مهندس حسن راشدی

«خود مختاری» یک ساله آذربایجان با همه موفقیتها و ناکامی هایش!



وقتی صحبت از حاکمیت یک ساله آذربایجان به دست خود، به رهبری سید جعفر پیشه وری بین سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ می شود، هر فرد منصف و خارج از تعصبات، اگر کلاه خود را قاضی کرده به قضاوت نشینند، کارهای انجام شده اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و دیگر اصلاحات انجام شده در طول این یک سال را با هر معیار و مقیاسی بسنجد دچار تحسین و شگفتی باور نکردنی می شود!

«ریچارد کاتم» مامور «سازمان سیا»، استاد دانشگاه و نویسنده کتاب «ناسیونالیسم در ایران» می گوید:

«کاری که فرقه در یک سال در تبریز کرد بیش از کارهایی بود که رضاشاه در طول بیست سال انجام داد»*

شمردن همه کارهای مثبتی که در این یک سال در آذربایجان صورت گرفت خارج از محدوده این نوشته است، تنها اشاره به رسمی کردن و استفاده از زبان تورکی آذربایجانی در تمام ادارات،

چه درد آور است در طول عمر خود یکسال و فقط یکسال و بین سال ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ احساس آدم بودن کنی (۱) و زبان تو زبان دبستان، دبیرستان و دانشگاه و ادارات شود، بعد از یکسال در وطن خود بیگانه به حساب آیی و زبان خود را قورت بدهی (۲) و کتابهای زبان مادریات را بسوزانند و لهله شادی سردهند!

درد آورتر از همه اینها در جلو چشمان کودکان دبستانی و مردم کوچه و بازار، سر سه انسان آذربایجانی در مقابل تانک ارتش شاهنشاهی اعزامی از تهران در شهر خوی بجای گوسفند بریده شود (۳) و دهها هزار انسان بی گناه در آذربایجان قتل عام شوند و همین وحشیگریها مایه مباحثات برای انسان نماهای مرکز و مرکزگراها شود و ۲۱ آذر ۱۳۲۵ را «روز نجات آذربایجان» نامند و روز بیست و ششم آذر، روز سوزاندن کتابهای تورکی در آذربایجان را هم در قرن بیست و یکم جشن بگیرند!!

یکی از زندانیانی که خبردار شده بود، یواشکی میگفت که صبح یکی از همسفره‌های اعدام خواهد شد. چند نفری حلقه زده و تا نصفه‌های شب می‌نشستیم و اعدامی لباسهایش را به دوستان یا زندانیانی که ملاقاتی یا خرجی ندارند، می‌داد و پیراهنی برای خود نگهداشته، از ما می‌خواست که بعد از آزادی آن را به خانواده‌اش برسانیم. ماموران از ترس آنکه مبادا کسی کاری بکند، برایمان نگهبان می‌گذاشتند.

دردناک است که صبح را با خبر اعدام شروع کنی و درد این انتظار این روزها بیش از هر جای ایران در کرج احساس میشود. کرج زمانی نه چندان دور روستایی در بخش ساوجبلاغ حوزه ۱۹ تهران بود و حالا کلانشهر و گلچینی از همه شهرهای آذربایجان است که هر خبر آن، حتی قبل از عصر اینترنت نیز خیلی زود به گوش همه شهرهای ما میرسد و حالا کرج نگرانی و درد را به همه شهرهایمان پمپاژ میکند.

فرهنگ نفیسی، لغت کرج را به معنی چاک و شکاف ذکر کرده که نام رودخانه‌ای بوده و دهی به همین نام نیز در کنار آن وجود داشته است. این لغت از مصدر گَرتَمک به معنی بریدن و قطعه قطعه کردن است که در زبان تورکی هم‌خانواده‌های زیادی مانند گَرتَکی (ابزار قطعه قطعه کردن چوب) گَرتَگه (هر قطعه از منطقه‌ای، نام دهی در تبریز) و گَردی یا گَرتی (هر قطعه از زمین زراعی) دارد.

تحریم ظالمانه‌ای که حکومت‌های صد سال گذشته ایران، بر آذربایجان اعمال کرده‌اند مانع توسعه و رشد این خطه شده، باعث کوچ کارجویان آذربایجان به سایر مناطق ایران شد که کرج هم‌زمان و تقریباً نزدیک مناسبترین مکان بود و روستای کرج بخش ساوجبلاغ کم کم به بخش،

محاکمات، مکاتبات، مطبوعات و تدریس آن در همه مدارس آذربایجان و دانشگاه تبریز و انجام کلیه مقدمات و تهیه آنهمه نیازمندیها و تالیف و چاپ کتابهای درسی آنهم فقط در مدت چند ماه، سرعت و عظمت فوق العاده کار را نشان میدهد! آنهم در شرایطی که هر روز از طرف حاکمیت قدار پهلوی و دار و دسته مزدورشان چه در خود آذربایجان و چه از طرف تهران مردم آذربایجان مورد تهدید و ارباب قرار میگرفتند.

ملت آذربایجان در پاییز سال ۱۳۲۵ مورد قتل عام و کشت و کشتار دژخیمان پهلوی و مرکزگرایان قرار گرفت که هنوز هم صاحبان چنین تفکر وحشیانه و راسیستی قتل عام آذربایجان را «روز نجات آذربایجان!» می‌نامند! از آنچه در طول یک سال در آذربایجان اتفاق افتاد باید درسها آموخت با همه موفقیتها و ناکامی هایش...!

ابراهیم ساوالان



اعدامهایی که در زندان تبریز دیدم، چنان دردناک بودند که برای فرار از دردشان، سعی در فراموشی خاطراتشان دارم. قبل از خواب

می نامند و امروز در اوج اعتراضات و خیزشی های انقلابی اخیر نیز بر موضع ضد بشری خود اصرار دارند .

همچنانکه از اولین روز تاکید داشتیم این اعتراضات با روندی جریان مرکزگرا و رسانه های بی بی سی و ایران اینترنشنال در پیش گرفته اند ، سرانجام نداشته و جوانان مملکت آماج گلوله و شکنجه و چوبه دار شدند . ترس کلید واژه این خیزش انقلابی بود

ترس حکومت از گسترش انقلاب و از دست رفتن اقتدار و قدرت .

ترس مرکز گرایان از قدرت گرفتن غیر فارسها در نواحی خود در راستای احقاق حقوق ملی شان و مهمتر از همه ترس از دست رفتن سیستم

حکومتی متمرکز با محوریت زبان فارسی
ترس تورک ها و عربها و بلوچها و کرد ها از قدرت گیری مجدد سلطنت طلبها با صبغه ناسیونالیست فارس گرا .

در تضارب این ترسها اعتراضات فروکاست و هیجان اولیه فرونشست و عقلای هر سه طرف با کنار زدن افراد هیجانی فرمان کار را در دست گرفتند .

رسانه در دست مرکز گرایان و حاکمیت مستقر بوده و آنها نیز با اشتراک در هدف نگه داشتن سیستم مرکزگرا با محوریت هویت فارسی با اسم رمز تجزیه به هم پاس گل دادند .

آنچه امروز شاهدش هستیم همنوایی حاکمیت و مخالفان مرکزگرای مقیم داخل و خارج با قرائت سلطنت طلبها از حادثه ۲۱ آذر ۱۳۲۵ است و این قضیه داغ دل آذربایجان را تازه می کند و شخصا قائلم تا از آذربایجان دلجویی نشود و اقدام عملی در اذعان به حقوق ملی و فرهنگی تورکها و عربها و کردها و بلوچها انجام نگیرد هیچ اتحادی انجام

سپس شهر و سال ۳۷ با جمعیت ۳۵ هزار نفری به شهرستان تبدیل شد.

جمعیت منطقه ساووجبلاغ و سایر شهرهای اقماری تهران ظرف پنجاه سال پنجاه برابر شد و آنهایی که برای کار و نان کوچ کرده بودند، شاید به کار و نانی دست یافتند، ولی با سختی های بیشتری روبرو شدند و حالا از هیچ مجرای برای بیان فلاکت و اعتراضشان فروگذار نیستند. برای همین است که بیشترین کشته های آبان ۹۸ و اعتراضات اخیر، از نسل دوم همان مهاجرانی است که جان به لب شده اند و حالا آنهایی که از گلوله و مرگ در خیابان گریخته اند، با حکم اعدام مواجه اند.

جنایات ۲۱ آذر ۱۳۲۵ و تازه شدن

داغ آذربایجانیان

دکتر جعفر افشارنیا

۷۶ امین سالگرد روز غم عظیم آذربایجان و از بین رفتن تمام ثروت انسانی و مادی و فرهنگی آذربایجان بدست جلاد تازه به قدرت رسیده به نام محمدرضا شاه پهلویست ذکر وقایع آن روز تکرار مکررات هست و روایت آذربایجانی ها و سلطنت طلبها بر همه آشناست و مدارک تاریخی در ابعاد جنایت انجام یافته گویای همه چیز است ولی بحث مهم جاری بودن این خون در حیات سیاسی مردمان آذربایجان و تازه شدن داغ با روی صحنه آمدن خاندان منحوس پهلویست . زمان جز مطهرات نیست که دستهای خون آلودشان را پست کمرشان مخفی نمایند و ادای همدردی با مردم ایران و ادعای مدافع حقوق بشری نمایند . ۷۶ سال است که روز قتل عام ۲۵ هزار روشنفکر و فعال اجتماعی آذربایجان را روز نجات آذربایجان

شناخته شده هستند، جلوی چشم‌های بهت‌زده کودکی ۷ - ۸ ساله که برادرزاده صغیرش بود، وی با خشونت هرچه تمام‌تر، سلاخی کردند.

آنگاه این بچه شوکه شده و گریان را با نهایتی از قساوت و حیوان‌صفتی، بر روی جنازه خونین عمویش پرت کردند و خنده سردادند! عمویی که بعد از فوت پدرش، نقش سرپرست خانواده را برای مادر و برادر و خواهران کوچکش داشت. تصور کنید این طفل معصوم در آن لحظات سنگین، شاهد و متحمل چه بار سنگینی از خشونت، غم و مصیبت شده.

بدبختی انگار تمام شدنی نبود. چراکه همان شب که خانواده کنار هم جمع شده و در سوگ عزیز و تنها نان‌آورشان می‌گریستند، به یکباره دسته‌ای دیگر از لات و اوباش وابسته به حکومت شاه که باز نوادگان‌شان هنوز شناخته شده‌اند، به زور و خشونت وارد خانه شده و تمامی اسباب و لوازم حتی مرغ و خروس داخل حیاط خانه را نیز با قولدری غارت کردند تا آن خانواده در کنار سایر خانواده‌های عزادار شهر، بدترین لحظات عمرشان را شاهد باشند.

این کودک اکنون در قید حیات بوده و بعنوان یکی از پیشکسوتان هنر نقاشی رنگ روغن اردبیل و آذربایجان شناخته می‌شود. وی کسی نیست جز همان استاد عبدالعلی گروسی که هنوز هم در همان مغازه می‌نشیند و به آرامی و در سکوتی ژرف، به یاد می‌آورد اتفاقاتی را که در گذر عمر گرانبارش شاهد آن بوده.

به احترام این هندمند بزرگ، این شاهد زنده و به یاد جانباختگان این روز شوم، سر فرود می‌آورم.

نخواهد گرفت و اعتراضات به چند حرکت هیجانی و اظهار تاسف و انزجار مجازی و رسانه ای تبدیل خواهد شد .

۲۱ آذر ۱۳۲۵ و تبعات وحشتناک جنایت رژیم پهلوی همچنان زنده است و تا جان در بدن داریم نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنی

۲۱ آذر

رضا زرگری

در این روز که به تعبیر اهالی اردبیل و بسیاری دیگر از شهرهای آذربایجان همیشه درش برف می‌بارد، بر یادآوری غیرمستقیمی از درد، رنج و اندوهی عمومی اشاره و دلالت دارد.

روزی شوم و غم‌ناک که جولانگاه عربده‌کشان و اوباش شد. روزی مصیبت‌بار که مردم شاهد تکه‌تکه شدن و قتل‌عام فرزندان‌شان بودند. روزی خون‌بار که با فریاد و آه و گریه، در هم آمیخته بود. تقابلی شده بود بین مظلوم و دگراندیش، در برابر سیلی از نابخردی، ناجوانمردانگی، و جنایت.

کهنسالان هنوز به یاد دارند صحنه‌های وحشیانه قتل، تجاوز و شکنجه خیابانی را در شهرها و روستاهای آذربایجان، و اذهان عمومی بعد از گذشت دهه‌ها همچنان در کابوس و عذاب صحنه‌های وحشت به سر می‌برد.

یکی از این اتفاقات بسیار تآثرانگیز، مربوط است به قتل استاد سلمانی که تنها جرم وی عضویت در شورای (صدر) محله قره‌دینک بود. در این روز برزخی، دسته‌ای اوباش و ارازل، وی را کشان‌کشان به جلوی مغازه‌اش در چهارراه اردبیل آوردند. وی تقلایی نداشت و آرام شاهد سرنوشتش شده بود. جنایتکارانی که کاملاً

پیشه وری نین میرائی و آذربایجان



پیشه وری بیزه میلی بیلینج و اراده اولان یئرده،
ظاهیرده بوتون ایمکانسیز گؤرون هر شئی،
ممکن اولاییلر و گئرجکلشه بیلر حقیقتینی اؤیره
تدی.

بونا گؤره ده ۲۱ آذر ایمکانسیزی، مومکون قیلان
تورک میلتنین آذربایجان وطنینده ان بؤیوک
معجزه سی دیر .

میلی حوکومتین دوشونجه سی ایسه، آذربایجان
میلی اؤنجولرینین یولونا اون ایللرله ایشیق
ساچان، یول گؤسترن و میلی حرکتلره معنا
باغیشلايان بیر دوشونجه دیر.

۲۱ آذر بیر میلتن اراده سینین ظولمه، استعمار،
دیکتاتورلوغا، شونیزمه، فاشیزمیه و ایشغالا غلبه
سی و میلی ظفر بایرامی دیر.

پیشه وری بیز اراده ائتمک باشارا بیلریک،
درسینی ۲۱ آذر ۱۳۲۴ / ۱۹۴۵ ده بیزه اؤیره
تدی.

بیزلر ایسه بیر میللت اولراق بو میرائی رد ائتمک
حاقیمیز یوخدور. چونکی بو میرائی رد ائتمک له
ابده دک استعمار و استبداد زینداندان قالماغا
محکوم اولاریق.

پیشه وری میرائیندا میلی حاکمیت یالنیز
دئموکراسی تملینده و میلتن حمایتی اساسیندا
قورولوب و قورونما بیلر اؤیره تیسسی واردیر.
دیکتاتورلوغا قارشى دئموکراتیک و استعمار
قارشى میلی موباریزه آپارماق فورمولونو پیشه
وری و یول آرخاداشلاری بیزه سوندولار.

دئموکراسی و میلی لیی بیرلشدیریب و میلی
یول ایله دئموکراتیک ده یر و دوشونجه لرین
بیرله شیمینی ایسه بیز آذربایجان دا محض پیشه
وری دن اؤیره نیریک. بونون اوچونده ۲۱ آذر
یالنیز بیر خاطره دن عبارت اولان بیر گون یوخ ،

۲۱ آذر آذربایجانین چاغداش تاریخینی ان فخر
ائدیجی و شرف زیروه سی دیر. بو گون و اونون
آنلامی بیزه میلی سیاسی اولراق بؤیوک پیشه
وری نین بوراخدیغی بؤیوک و شانلی بیر میراثدیر.
بو میراثین آدی "میلی حؤکومت" یعنی "میلی
دؤولت و میلی دؤولتچی لیک دوشونجه سی"
دیر.

میلی حؤکومت بیر میللتین، میلی اگمن لیینی
قوروب و بو میلی حؤکومت واسیطه سی ایله
میلی طالعینی تعین ائتمک ایمکانی دیر. بئله
بیر ایمکانی درک ائتمه یی و اونون اوغروندا
چالیشیب و حرکت ائتمک دوشونجه سینی بیز
تورک میللتی پیشه وری و یوز مینلرله اونون یول
آرخاداشلارینا بورجلوبوق.

میلی دؤولتچی لیک دوشونجه سی اولمایان بیر
یئرده، میلی دؤولت قورماق ایمکانسیزدیر. بونا
گؤره ده پیشه وری ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ دن
باشلا یاراق عمومی بیر توافق و میلی بیر تفاهم
چرچیوه سیندن یولا چیخاراق یوز مینلرله
آذربایجان فدائی سینین مجادله و مبارزه سایه
سینده ۲۱ آذر ۱۳۲۴ ده "آذربایجان میلی
حکومتینی" دئموکراتیک بیر حرکت چرچیوه
سینده قورا بیلدی.

روز کتاب سوزی در آذربایجان

قسمتی از کتاب «خوی در وقایع آذر ۲۵» به قلم استاد «علی ظفرخواه»



سطوری تکان دهنده از خاطرات دکتر احمد ساعی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، مندرج در شماره ۶ ماهنامه وزین «خوی نگار»:

کلاس اول دبستان ما، با جریان فرقه مصادف بود. کتاب‌های مان به زبان تورکی بود و معلم، دیکته را هم به زبان تورکی می‌گفت. فکر می‌کنم آذرماه ۱۳۲۵ بود که یک روز آقای مهدی‌زاده مدیر مدرسه، به ما اعلام کرد همه‌ی کتاب‌های مان را به مدرسه بیاوریم.

تل بزرگی از کتاب‌ها جمع شد و همه را آتش زدند. در دنیای بچگی، هم از آتش بازی خوشحال بودیم و هم فکر می‌کردیم دیگر مشق نخواهیم نوشت!

چند روز بعد، مدیر مدرسه بعد از نطق آتشینی اعلام کرد که برای پیشواز ارتش آماده باشید. هنوز ارتش وارد خوی نشده بود که دفتر فرقه دموکرات در طبقه‌ی دوم ساختمانی در میدان مرکزی، به دست مردم افتاد. بلندگوی احمدی را هنگام سخنرانی گرفتند و از طبقه دوم پایین انداختند. کشته شدن یزدانی را دیده‌ام و همه را با جزئیات کامل به خاطر دارم.

میللی دئموکراتیک بیر موباریزه نین تام دا آدرسی دیر.

ایللرجه جمعیت اولاراق پیشه وری میراث و دوشونجه سیندن امتناع ائدن آذربایجان، هر گون دها چوخ فاشیزمین قانلی جاینقلارینا معروض قالدی و هر گون دها ال، آیق و ذهنینه وورولان زنجیرله محکوم اولدو. کیملیینه، طالعینه، وطنینه و بوتون میللی معنوی وارلیغینا قانداک ووروب محوینه چالیشان فاشیسم و شونیزمین باتاقلینغینا دها محکوم اولدو. بو ایسه بیزه یا ۲۱ آذر دوشونجه و میراثی و بو دوشونجه میراثین گونجللشمیش شکلینه وفادار قالاجاغیق یا دا استعمار و استبداد محکوم اولاجاغیقی اؤیره تمک ده دیر. پیشه ورینین میراثی بیزه میلی حاکمیت دیر.

میللی حاکمیتی اولمایان بیر میللت ایسه، زامان سوره سینده اؤزگه لره تسلیم اولوب و اؤزگه لر ایچینده حل اولاراق محو اولماغا محکوم دور.



یوخ!.. یوخ! من اؤلرسم ده اگر مسلکیم اؤلمز اود پارلایاجاق دائم افق لرده گونش تک بیر نور حقیقتدی کی، کورلار اونو گورمز حقسیزلییه هر نقطه ده غالب دیر او مسلک...

محمد بن ریا



شرح نمونه‌هایی از تحقیر قومی آن دوران را در کتاب‌ها و نشریات مختلفی که بعد از انقلاب به چاپ رسید، می‌توان مطالعه کرد. (ما که سن‌مان به دوران پهلوی اول نمی‌رسد، ادامه‌ی آن و سرکوب و تحقیر قومی را در زمان پهلوی دوم شاهد بودیم و با پوست و گوشت و استخوان مان لمس کردیم.

قایناق: "ینکن سسی" کانالی

دیرلی شاعیریمیز

صدیار وظیفه ائل اوغلو نون

آتاسینین دونیاسینی دییشمه

خبری بیزی کدرلندیردی. مرحوما

تانریدان رحمت وعزیزلرینه باش

ساغلیغی دیله بیریک. روحو شاد

اولسون. باشینیز ساغ اولسون.

درین حورمتله :دکتر حسین شرقی و

خدافرین درگیسی امکداشلار

یادم می‌آید روز پیشواز از ارتش، هنگام عبور از جلوی منزل آقای فتحی با دیدن جنازه‌ها میخکوب شدم. شمردم ۱۹ نفر بودند. در محل معروف به طیاره میدانی ایستادیم و انتظار طول کشید. خسته و نگران مادرم بودم. آیا می‌توانم تنها به خانه برگردم؟

بالاخره کامیون‌های ارتش دیده شد. اولین ماشین که ایستاد، افسری پیاده شد. تا آن لحظه متوجه نبودم که سه نفر با دست‌های بسته بین جمعیت هستند. هر ۳ نفر را دست و پا بسته زمین خواباندند و سر بردند. خونشان روی لباس هایم پاشید. به شدت لرزیدم و هنوز هم آن لرزش را در وجودم احساس می‌کنم.

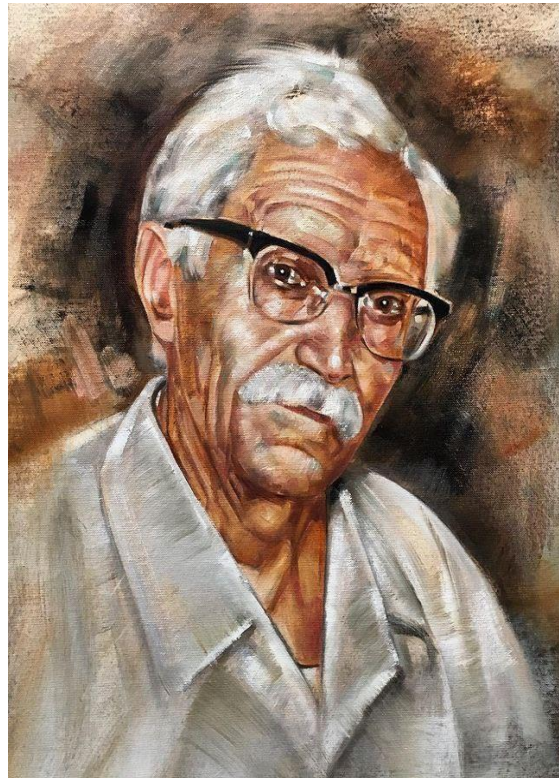
شب، وقتی که ماجرا را برای پدرم تعریف کردم، گفت یکی از آنها الله وئردی دباغ بود.

نگارنده باید اضافه کنم سرجوانی به نام منصور را هم در «تزه کند قاپیسی» ورودی شهر، جلو تانک‌های ارتش سر بردند. آمرین معلوم نشد، ولی کسی که سر جوان را برد، یک حامل بود.

فقر و فلاکت عمومی، روابط ظالمانه‌ی ارباب رعیتی، بی عدالتی‌ها و بدبختی‌ها، از همه بدتر و پلیدتر، سیاست کثیف توهین و تحقیر قومی حکومت پهلوی مخصوصا نسبت به تورک‌های آذربایجان به قصد از بین بردن هویت، زبان و فرهنگ تورکی و فارس‌یزه کردن آذربایجان از دلایل قیام آذربایجان بود.

شاعیر حبیب ساهیر کیم دیر

حبیب ساهیر ۲۱ آذر شاعیری دیر.



میر قوام مشروطه زمانی، ساهیر بئش یاشیندا اولاندا، اوغورلانیب و اولدورولوبدور.

بئش- آلتی یاشی اولاندا، سردابا اوستو محلّه سینده بیر ملا مکتبینده درس اوخوماغا باشلایر.

سؤنرادان معتمدیه و حمدیه اوخوللاریندا درس اوخویور.

حمدیه مدرسه سینده درس اوخویان زمان، تقی رفعت ایله (آدلیم اوگرتمن و فرانسیزجا اوگرتمن) تانیش اولور.

رفعت واسطه سیله تورکیه ده یاییلان درگیلرله تانیش اولور و توفیق فیکرت و جلال ساهیر کیمی یازچیلارین اثرلرین اوخویور.

جلال ساهیرین اثرلرینه بویؤک سئوگیسینه گؤره یازیلارآن ساهیر امضاسی ایله یاییر و سؤنرالار ساهیر اونون سؤی آدی کیمی سئچیلیر. دیپلومو آلانندان سؤنرا معلمچیلیک ایشیله مشغول اولور.

۱۳۰۶-جی ایلده عالی تحصیلاتی اوچون استانبولا گئدیر و ۱۳۱۲-جی ایلده لیسانس مدرکین آلیر.

۶ ایل استانبولدا یاشایان زمان آمریکالی لارین کلوبوندا یاشاییر و اوردا اولان ایکی کاتولیک کیشیش واسیطه سیله فرانسین یئنی ادبیات باره سینده گئنیش بیلگیلر الدهه ائدیر.

بو دوره استانبولدا گئدن تورکجه نین یئنی شعر دالغاسیلا و گنج تورکلرین دؤشؤنجه لری ایله تانیش اولور.

ساهیر ۶ ایل استانبولدا یاشایانندان سؤنرا، باکی شهرینه گئدیر.

حبیب ساهیر، کؤکدن میانالی، تبریزده دنیایا گلمیش شاعر، یازیچی آذربایجان تورکجه سی نین یئنی شعر نین آتاسی دیر.

او بوتون ایراندا اولان دیل لرینده ده یئنی شعرین آتاسی کیمی ساییلیر.

ساهیر ۱۲۸۲-جی ایلین تبریز شهرینده، دنیایا گؤز آچدی.

آتاسی کؤکدن میانانین ترک کندیندن تبریزه کؤچوبدورلر.

آتاسی نین آدی میر قوام ایدی.



سahیرین خلاقیتی او قدر نیما یاراجلیغینده یئنی شعرینی فارسجا تقلید ائتمه جسارتینه مالک اولور و «شعر نو» دئییلن یئنی أسلوب یارادی.

«نیما» دفعه لرله «سahیر»ین استادل یغ یندان سؤز اندرکن، اوندان جسارت آلماس ینادا تأکید ائدیر.

تأسفله، ایندیهدک سahیرین بو بویوک نقشی اینجه لنمه میشدیر.

سahیرین شعرلرینه باخاندا، اؤزده بونو بیلیرمیش. «سahیر»، شهریار، نیما، فروغ فرخزاد و باشقا شاعرلر ده استادلیق ائتمیش و اونلاری نصیحت ائتمه دن چکینمه میشدیر.

«سahیر» نقدلری ایله شهریار ی او یاتماق ایسته ییر. او بو قصد اچ و ن «منظوم مکتوب» شعرینی قوشموشدور.

بو، بیر منظومه دیر.

منظومه دؤرد حصّه دن عبارت دیر.

هر حصّه ایلین بیر فصلینه اختصاص تاپم یشدی و عموم تیه «حیدر بابایا سلام» منظومه سینه جواب اولاراق یازیلم یشدی، بورادا، «سahیر» شهریارا خطاب دئییر کی، «منصور خانی وصف ائتمک عوضینده، خلّقین آج ینا جاقلی حال ینا یانماق لازم دیر.»

بئله یوم شاق اشتیاق لار، اونون «خاطرات» عنوانلی منظومه سینده ده گلیر.

همین منظومه ده شهریارا خطاب یازیلم یشدی و «کؤشن» مجموعه سینه داخل ائدیلیمیشدیر.

«کؤشن» کتابیندا، «سahیر»، شهریارا گؤره بیر چوخ شعر داخل ائدیب دیر، حتّی بیر یئرده اوشاقلیق خاطرهلریندن ده دانیش یر.

«سahیر» ایله شهریارین بیر مدرسه ده درس اوخوماغ ینا باخمایاراق، سahیر «منظوم مکتوب»

بیر مدّتدن سؤنرا تهرانا گئدیر و اورانین معارف اداره سینده ایشه مشغول اولور.

۱۳۱۳-جو ایله جغرافیا تدریسی اچ و ن زنجان و قزوین شهرلرینه گؤندریلیر.

سؤنرالار تدریس اوجون تبریز شهرینه گلیر.

۱۳۲۵-جی ایل تورکجه شعر سؤیله دیگینه گؤره اردبیل شهرینه سورگون اولور.

بو شهرده سورگ و نده و آغیر دؤرومدا یاشاماغ ینا باخمایاراق فارسجا اولان «اشعار جدید» شعر توپلوسون محدود ساییدا یاییر.

۳ ایلدن سؤنرا قزوین شهرینه گؤندریلیر.

قزوین شهرینده ۱۳ ایل یاشاییر و یازدیقلاری تورکجه و یا فارسجا یازیلاری گیزلین صورتده یاییر.

قزویندن سؤنرا تهران شهرینه گئدیر و عؤم ر و ن سؤنونا جان بو شهرده یاشاییر.

۱۳۶۴-جو ایلینده، آذر آیینین ۲۴-ده سahیر اوزون ائوی نین پنجره سیندن آسیر و بئله لیکله ۸۲ یاش یندا، تهران شهرینده یاشایشینا سؤن قویور. پزشکی قانونی ده، «سahیر»ین آسما طریقی ایله اؤل و م و ن تصدیقله یب دیر.

سahیر تهرانین بهشت زهرا قبرستانلیغیندا باسدیریلیر.

سahیر اوچون کئچیریلن آغیرلامادا «روزبه سعادت»، ۲۴-جو ایلین آذر آییندا باش و ئردیگی دئوریم و ملی حکومتین یارانماس ینین سahیره ائنگیسی باره ده و اونون بوگونه اوزونون اولدورولمه سی ایلگی گؤستریب دیر.

سahیر تورکیه ده اؤگرندیگی یئنی شعر شیوه سین یی ایرانا گتیریر.

ایرانلی فارس شاعری «نیما یوشیج» اونون تأثیری آلتیندا یئنی أسلوبدا شعر دئمگه باشلاییر.

اثرینده شهریارى رمانتیکلیگینه گۆره «قلمدانى
تیرمه قابلى شاعیر» ساییر.

خزانلار

خزان چاغى
قیزیل گۆنش اودلانیبدير،
آغاجلارين يارپاقلاری
مین بیر رنگه بویانیبدير...
هر يارپاغین بیر رنگی وار،
سئودا رنگی،
حسرت رنگی،
توتقون، توزلو،
غربت رنگی...
خزان چاغی، یئل آسرکن
یاغیر یارپاق،
اؤلگۆن یارپاق.
قالانیبدير، قلاق – قلاق.
یوللار اوزاق، گؤلر درین،
نسیم آسیر سرین – سرین.
داغلار بیزیم، باغلار بیزیم،
یئر بیرکن یارپاق اؤسته
قالماز ایزین...
گۆن یاندیرماز،
سۆن باهاردیر،
سانکی آغاج یارپاقلاری،
لاجوردی بیر متنده
ناقیشلاردیر.
بیر چوخ خزان گلیب، کئچدی...
بیر چوخ کروان قونوب، کؤچدو.
بیر خزاندا
یتیم قالدیق.
بیر خزاندا

سئودالاندیق.

آن نهایت

خولیلالارین هاواسیندان

قانادلاندیق.

بیر خزاندا

پارلاق قیزیل گۆنش دوغدو.

بیر خزاندا

بولود گلیب گۆن بؤغدو...

آنلایارکن خزانلاری

زامان بیزی قووالادی...

گلدی زامان، کئچدی زامان...

آیری دؤشدؤک یوردوموزدان.

حسرت قالدیق

سرین – سرین بؤلقلارا

گول – چیچکلی اوتاقلارا

زامان کئچدی، بیز قورودوق

سؤسوز قالان آغاجلار تک.

طراوتدن سالدی بیزی،

بیلمم غربت؟

یوخسا فلک؟



چندخاطره مردم از جعفر کاویان وزیر جنگ فرقه دموکرات آذربایجان

قدرت ابوالحسنی سهران



شده، کاویان موقع رسیدن به یکی از منازل مسکونی روستایی توقف کرده، چند گامی به طرف آن حیاط برداشته و اطرافیان خود را متوجه آن خانه می نماید. سپس، مدت کوتاهی ایستاده و گویا گریزی به دوران کودکی خود میزند! در نهایت خطاب به همراهانش میگوید: "بورا بیزیم حیطیمیز ایدی!..." ("اینجا حیاط ما بوده است!...") ۳. پدر و مادر جعفر کاویان هر دو در شهر قم مدفون می باشند. پدر او (محمدعلی سهرانی) قبل از دوران حکومت فرقه دموکرات فوت کرده و به قم منتقل شده بود اما مادر او (زیور) در دوره وزارت پسرش فوت می نماید. کاویان، علیرغم تیرگی روابط حکومتهای تبریز و تهران، جسد مادرش را نیز با همراهی چند نفر به قم ارسال مینماید.

در حوالی قم، موقع بازدید از کاروان فرستاده تبریز متوجه میشوند که جسد همراه کاروان، مادر یکی از مسئولین رده بالای حکومت آذربایجان است. بنابر این، بازرسان از ورود کاروان جلوگیری کرده و جهت ورود آنها به قم، از تهران خواستار مجوز میشوند. در پاسخ، از تهران با این خواسته بازرسان موافقت می شود و بدین ترتیب مادر کاویان هم در قم دفن میگردد.

۴. در یکی روزهای آخر عمر حکومت فرقه دموکرات، چند نفر از اهالی ساغالان به نمایندگی از روستائیان به تبریز آمده و به دفتر کاویان مراجعه می کنند. این افراد با احترام پذیرفته شده، با او ملاقات می نمایند. در این دیدار نمایندگان روستا برای یاری به حکومت اعلام آمادگی مینمایند. با وجود این، کاویان به آنها می گوید که او فرجام حکومت را چندان روشن ندیده و پیوستن آنها به فرقه را نیز در این برهه زمانی مصحلت نمیداند. کاویان در آن دیدار

۱. در دوره یکساله حکومت فرقه دموکرات در آذربایجان، وزیر جنگ کابینه جعفر پیشه وری فردی از اهالی ساغالان (سهران) به نام جعفر کاویان بوده است. مردم ساغالان، نام کاویان را اغلب بصورت قاویان Qaviyan تلفظ کرده و به خاطر سپرده اند.

مادر بزرگم، از مهارت تیراندازی و هدف گیری کاویان تعریف میکرد و جوانان مغرور و فخر فروش را با عنوان "آقای قاویان!" خطاب می نمود. استدلال مادر بزرگم این بود که این جوانان هر چند راه طولانی در پیش دارند تا به درجه کاویان برسند، اما در عین حال می خواهند خودشان را در حد او مهم و متشخص جلوه دهند!!

۲. جعفر کاویان در دوران مسئولیت خویش، گاهی نیروهای فرقه را در اطراف ساغالان آموزش نظامی می داده است. یکی از اهالی مسن روستا، در یکی از آن ایام او را موقع بازگشت از آموشهای نظامی مشاهده کرده بود که به همراه نیروهایش از داخل روستا عبور میکرد است. به گفته فرد یاد

والله اينها همان غلامعلی ها و اوروجعلی های خودمان هستند...!

علی مرادی مراغه ای

تاریخ سرشار از عبرت است اما انسانها و مخصوصا
مستان قدرت کمتر عبرت پذیر هستند و در
نتیجه تاریخ، همواره توالی فاجعه می گردد...

هنگامی که در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ اش آثار سقوط و
فروپاشی فرقه دمکرات هویدا شد، قبل از اینکه
ارتش مرکزی وارد تبریز شود، طرفداران شاه و
دسته های مخالف فرقه از زمین و زمان جوشیدند
و به جان آن بخش از اعضای فرقه دمکرات
افتادند که نتوانسته بودند به خاک شوروی
پناهنده گردند، آنان در برخی شهرها افراد فرقه را
دستگیر کرده به مانند گوسفند در جلو کامیونهای
ارتش با شعار «زنده باد ایران - قربانی برای ایران»
سر میبردند!

ارتش وارد تبریز شد اما کشتار متوقف نشد بلکه،
در مدت کوتاهی ۷۶۰ نفر به دار آویخته شدند و
این کشتار ماهها پس از آن، ادامه یافت.

در تهران مطبوعات نوشتند که:

«در هنگام ورود ارتش به تبریز، بقدری از طرف
اهالی آذربایجان گوسفند و گاو قربانی شد که در
سطح خیابانها جوئی خون راه افتاد»!

(مرد مروز، شماره ۸۶، مورخه ۲۳ آذر ۱۳۲۵ ص ۹).

و یکسال بعد در سفر محمدرضاشاه به آذربایجان،
نوشتند:

«بعضی از آذربایجانیها میخواستند فرزندان خود
را در پای شاه قربانی کنند ولی شاه اجازه نداد»!

مطبوعات وابسته به دربار نوشتند که حتی «قبل
از اینکه پای ارتش به آذربایجان برسد، خود مردم



متذکر میگردد که اگر عمر دولت بیشتر دوام
آورد، ساغالانیها می توانند دوباره به وی مراجعه
کنند.

این موضوع نشان میدهد که کاویان از معاملات
پشت پرده بین آمریکا و شوروی به نفع شاه و فدا
کردن فرقه دمکرات آذربایجان، مطلع بوده است.
۵. در یکی از روزهای حکومت فرقه دمکرات،
کاویان بنا به دلایلی در یکی از مساجد تبریز
مجبور به تیراندازی می شود. این کار او موجب
اعتراض آیت الله سید محمدکاظم شریعتمداری
میشود. اما شریعتمداری بعد از آگاهی از علت
تیراندازی و موجه دانستن آن، یک تخته قالی را
بعنوان هدیه به منزل کاویان فرستاده، از او
دلجویی مینماید.



در جلوی اتومبیل شاه میخواستند قربانی کنند
آذربایجانی بودند اما اکنون، این سیل جمعیت
چهار کیلومتری که از دانشگاه تبریز تا ایستگاه راه
آهن را پوشانده بود بیگانه و از آن ور مرزها آمده
بودند؟!

در آن زمان در میان تبریزیان که استعداد شگرفی
در طنز دارند شعری ورد زبان شد و دهان به
دهان گشت شعری که از هر واقعیتی، گویاتر بود:

جام سیندیران غلامعلی
اوروجعلی لن پنجعلی
هاردان اولدو خارجه لی؟
«تبریزین» ین ئوزیدی ئوزی
بهمنین ایرمی دوققوزی.

ترجمه

شیشه شکننده غلامعلی
با اورجعلی و پنجعلی
از کجا شد خارجه ای؟
«تبریز» خودِ خودش بود
در روز بیست نهم بهمن

البته پس از انقلاب هم وقتی قیام حزب خلق
مسلمان و طرفداران شریعتمداری آغاز شد این بار
آقای خلخالی گفتند که اینها مشتی کمونیست
بودند...!

اما به نظر من، همگی اینها آذربایجانی و ایرانی
بودند و همان غلامعلی ها و اوروجعلی ها بودند و
هیچوقت از خارج نمی آیند، تمامی این کارد به
استخوان رسیده ها، محصول خودِ حکومتها بودند
و اصلاً، این غلامعلی ها و خشم شان و نفرت
شان، دستپخت خودِ حکومتها بوده اند...

آذربایجان قیام کرده فرقه دمکرات را سرنگون
ساختند!

آن حکومت مرکزی پا بر روی مقاوله نامه خود با
فرقه دمکرات گذاشته و به آذربایجان لشکر کشید
و بیلان ناجیان آذربایجان به بصورت زیر بود:
۳۰۲۲ کشته و اعدامی، ۳۲۰۰ زندانی و ۸۰۰۰ نفر
تبعیدی به جنوب ایران...

در ظاهر همه چیز پایان یافته بود اما به نظر من
هیچ چیز پایان نیافته بود، بلکه تازه آغاز شده بود!
چون هیچ جنایتی پایان نمی پذیرد، آن حکومت
میتوانست مردم خود را ببخشد و حتی با بخشش،
مخالفانش را شرمنده کند اما نکرد و حتی همه
ساله، نجات آذربایجان را جشن گرفت: جشنی بر
عزای هزاران خانه ی برباد رفته و جوان مرده...!

پس، روزگار بگذشت، اما آن جراحت روحی و
خشم و نفرتی که حکومت با آن کشتار و زندان و
تبعید در آذرماه در دلها کاشته بود از بین نرفت،
بلکه در خانه های ماتم گرفته و به عزا نشسته،
رشد کرد و رشد کرد و حتی آن خشم و نفرت
چون ارثیه ای به نسل بعدی آذربایجان به ارث
رسید و منتظر فرصت و مجال ظهور گشت و
سرانجام، روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ رسید، انتقام تبریزیان
چنان توفنده، ناگهانی و غافلگیر کننده بود که
سیل جمعیت از دانشگاه آذربادگان تا ایستگاه
راه آهن را در برگرفت و شهر تبریز را از کنترل
حکومت خارج ساخت...!

اما این بار، حکومت شاه گفت که اینها مردم
آذربایجان نبودند! و آموزگار نخست وزیر گفت که:
«قیام کنندگان آذربایجانی نبودند و از خارج و از
آنسوی مرزها آمده بودند...!»

چگونه است که آن مردمی که ۳۰ سال پیش در
آذر ۱۳۲۵ قبل از ورود ارتش به تبریز، اعضای
فرقه دمکرات را سلاخی کرده و فرزندان خود را

پیکاسو در جواب گفت: نه خیر قربان، کارِ شماست!



از سری جنایات پهلوی در آذربایجان

آشیق حسین گوموش کمر، اهل ناغاراکی اهر با بیل و کلنگ توسط نیروهای اشغالگر وقت پهلوی در اهر آذربایجان در جلوی چشم فرزندان کشته شد.

آشیق حسین گوموش کمر شاعر، هنرمند، آشیق معروف، فدایی و سرباز ملی مبارزه با رژیم پهلوی آشیق حسین گوموش کمر شاعر و از آشیق‌های بنام معاصر آذربایجان می‌باشد.

او با لیاقت تمام از خاک و از ملت خودش دفاع کرد و لقب «شهید ملی» را هم به القابش اضافه کرد.



خشم و خشونتِ این اروجعلی‌ها و غلامعلی‌ها عینا مانند تابلو وحشتناک گرنیکا اثر پیکاسو بوده است!

گرنیکا شهری در اسپانیا بود که هیتلر آنرا بمباران کرد و دیکتاتور فرانکو آنرا اشغال.

در جنایت آلمانی‌ها، تقریباً نصف شهر کشته شدند و در تابلوی پیکاسو خشونت، درنده‌خویی و بی‌پناهی مردم بی‌دفاع موج می‌زند.

نقل است که پیکاسو، زمانی در پاریس نمایشگاهی برپا کرده و تابلوی گرنیکا را در آنجا به نمایش گذاشته بود.

یک افسر آلمانی به نمایشگاه آمده و از پیکاسو پرسید:

«این تابلو کار شماست؟»

دیری نپایید که غم و عشق شوهرش او را نیز از ما گرفت.

خاطرات ساخوردگان از جنایات پهلوی

مادر بزرگم ۱۰۶ سال سن دارد. بین سالهای ۲۵/۱۳۲۴ یکی از نطقچی‌های حکومت ملی آذربایجان در روستاهای اردبیل بوده است. او برای نمردن بدست جلادان پهلوی در پاییز سال ۲۵ به ییلاق سرد ساوالان پناه برده است. میگوید ما آن زمان در نطق‌هایمان از حقوق زن برای زنان آذربایجان می‌گفتیم

خججه ننه زاده‌ی لنکران ولی اصلتا از روستاهای نزدیک اردبیل است. پدرش از یاران محمد امین رسول‌زاده در باکو، خودش نیز از اعضاء فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری میرجعفر پیشه‌وری در منطقه اردبیل بوده است. او برای من تاریخ زنده‌ی سرزمینم است. او میگوید جز خدا هیچکس لایق پرستش نیست.

او در این سن هم دست از کار نکشیده و جوراب می‌افد. سالهاست به من میگوید جورابه‌ایم را به پولدارها گرانتر بفروش و اگر دیدی کسی پول ندارد هدیه بده. ظاهراً او الان هم یک سوسیالیست است!

مادر بزرگم میگوید؛

ما زنان آذربایجان اولین زنان منطقه بودیم که توانستیم همگام با مردان آذربایجان رای دهیم و در تعیین سرنوشت خود و آذربایجان نقش داشته ایفا کنیم. آخوندهای سلطنتی مخالف حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی بودند. محمدرضا پهلوی گوربه‌گور شده نیز کلاً مخالف فداییان آذربایجان بود.

او با کمک آخوندهای سلطنتی و فتووالهایی که منافع شخصیشان را در خطر میدیدند به

آشیق حسین گوموش کمر، در روستای ناقاراک‌ی اهر دنیا آمده است، بعدها به روستای دمیرچی لر در گنجه مهاجرت کرده همانجا تشکیل خانواده می دهد ولیکن دوباره برای خدمت به موطن مادری عزم بازگشت می‌گیرد.... وی یکی از دو آشیق بزرگی است که کمر بند نقره ای دریافت کرده اند، آن یکی "ده ده علسگر، یا آشیق علسگر" میباشد.

در میان آشیق ها بسیار مشهور بود که می گفتند: یک آشیقی هست انگار دانسته هایش خدادادی است و به وی از آسمانها الهام می شود او همان آشیق حسین گوموش کمر بود.

در بعد از انحلال فرقه، در خط اول مبارزه قرار می گیرد و فرار نمی کند و چونان یک قهرمان واقعی تا دم آخر مقاومت میکند

همان طور که وقتی خائنین در لباس "شاهچی" به خانه ایشان هجوم می آورند، آشیق اینبار به مصداق شعر معروف شاعر آذربایجان وارد صحنه مبارزه میشود که:

"آیا غلانسان دوشمانا

تحقیرله پالاز کیمی

سازینی وئر توفنگ آل

توفنگی چال ساز کیمی"

به جای ساز اسلحه برنوی خود را بدست گرفته و تا جایی که می توانست آنها را به هلاکت می رساند... پسر کوچکش آن موقع ۶ ساله بود، اینگونه تعریف میکند:

"پدرم را مقابل چشمان من با بیل و کلنگ تکه تکه کردند، ما سه پسر بچه بودیم و یک خواهر کوچک، همراه با مادرم به اهواز تبعید کردند، آنجا مادرمان با پختن نان ما را بزرگ می کرد اما



آذربایجان لشگر کشید. میشنیدیم که ارتش شاه با سواران فتودالهای منطقه هر کجا که میرسند، قتل و غارت میکنند. من آنموقع در دوجاق بودم. در روستای سومرین جلسه‌ای با بزرگان فرقه در منطقه برگزار شد.

رهبری آن جلسه در دست سریه خانم بود. او نه تنها رهبر آن جلسه، بلکه رهبر جنبش دهقانان آذربایجان در

منطقه دوجاق بود. (دوجاق را امروزه دهستان غربی اردبیل میگویند) قرار بر این شد که جز عده‌ای از فداییان، اکثر آنها منطقه را ترک نمایند تا کشتار به حد اقل برسد.

اولین گروه از فداییان دوجاق که سعی در ترک منطقه داشتند در داخل شهر اردبیل توسط ارتش شاهنشاهی گیر افتاده و همه‌گی در کنار سانجی آرخی (رودخانه‌ای در دارویش کنونی در شهر اردبیل) سر بریده شدند. خواهرم که از نزدیک جنایات را دیده بود، میگفت سرهای بریده‌ی فداییان با همدیگر حرف میزدند.

ما گروهی از زنان که از جنایات رخ داده در اردبیل با خبر شدیم، مسیرمان را تغییر دادیم و پناه بردیم به ییلاق کیچیک یورد ساوالان (سبلان) همه‌گی مسلح بودیم. قرار بر این شده بود که در صورت رویارویی با دشمن با آنها بجنگیم ولی یک تیر را برای کشتن خودمان نگهداریم تا بدست دشمن اسیر نشویم

در راه ییلاق بودیم که چند تن از فداییان مرد به ما ملحق شدند و آنجا فهمیدیم که ارتش به سومرین حمله کرده است و سریه خانم به تنهایی در ساری دره سنگر گرفته و با یک ارتش می‌جنگد. او بعد خنثی کردن دهها نظامی به

روستا می‌رود تا فشنگ بیاورد که توسط کدخدای سومرین به کشته میشود.

اکثر فداییان دوجاق در چند دسته با پشت سر گذاشتن کوه ساوالان توانسته بودند منطقه را ترک کنند و با کمک فداییان مغان خود را به آنسوی آراز برسانند. اما بسیاری نیز در منطقه خیابو گیر افتاده و در روستای شوبه‌دین تیرباران و یا سر بریده شده بودند. یکی از کشته‌های روستای شوبه‌دین. برادر بزرگم آقاخان بود. خان اوغلان نیز که در قلعه‌ی ساری دره زخمی شده بود، خود را به ییلاق رسانده بود. (نگارنده قلعه ساری دره را از نزدیک دیده است. در قلعه ساری دره اگر پا محکم بر زمین کوبید شود، استخوان فداییان کشته شده توسط جلادان رژیم پهلوی از خاک بیرون می‌زند.)

پسر عمویم نیز معلم مدرسه‌ای در اردبیل بود. او را همراه با معلمان دیگر به جرم آموزش زبان ترکی آذربایجانی به کودکان آذربایجانی تیرباران کرده بودند و بعد از دفن روی قبرهایشان مدرسه‌ای بنا نهاده بودند تا در آنجا به کودکان آذربایجانی فارسی یاد دهند.

ارتشیان حکومت ظالم پهلوی در محله آلاقایی اردبیل پیر زنی که در زیر زمین خانه‌اش به فداییان آذربایجان امان داده بود را در خانه‌اش

محلی در داخل ایران، پس از چند ماه انکار و نادیده گرفتن درخواست اهالی بالاخره در روز دوم اردیبهشت ۱۳۲۵ / ۲۲ آوریل ۱۹۴۶، دولت ایران بیانیه‌ای صادر و موافقت خود را با پاره‌ای از درخواست‌های فرقه دموکرات در زمینه انتخاب برخی از مدیران ادارات محلی از افراد بومی و از سوی انجمنهای ایالتی و ولایتی، آموزش به زبان ترکی آذربایجان در مقطع ابتدایی، در نظر گرفتن اعتبارات مالی برای آبادی و عمران آذربایجان، افزایش نمایندگان آذربایجان در مجلس شورای ملی و غیره در چهارچوب اصول متمم قانون اساسی اعلام کرد. پس از آن در هشتم اردیبهشت به دعوت دولت، هیئتی به ریاست پیشه‌وری به تهران آمد تا پیرامون قضیه گفتگو کند. این گفتگوها دو هفته ادامه یافت. پیشنهاد سی و سه ماده‌ای دموکرات‌ها بسیار فراتر از چهارچوب اصول متمم قانون اساسی ایران بود. آن‌ها می‌خواستند که در همه امور ایالت، خودمختار باشند و دولت فقط در سیاست و مناسبات خارجی، حق دخالت داشته باشد. در جریان گفتگوها، دولت پاره‌ای از درخواست‌های دموکرات‌ها، به ویژه برای اصلاحات ارضی و افزایش نیروی نظامی دموکرات‌ها در آذربایجان را پذیرفت و دموکرات‌ها نیز به گونه‌ای چشمگیر، مواضع پیشین‌شان را تعدیل کرده و درخواست‌هایشان را کمابیش، در چهارچوب قانون اساسی درآوردند. آن‌ها پذیرفتند که نام «مجلس ملی آذربایجان» را به «انجمن ایالتی آذربایجان»، «شورای وزیران» را به «شورای مدیران» و «وزرای محلی» را به «مدیران محلی دوایر دولتی» تغییر دهند. اما مسئله اصلاح ارضی و تجدیدنظر سازمان نظامی در ایالات به بن‌بست خورد و گفتگوها در ۲۳ اردیبهشت / ۱۳ مه به

کشته و زیر پاهای فداییان اسیر شده از آن خانه را نعل زده و برای کشیدن ارابه بجای اسب از آنها استفاده کرده بودند.

آذربایجان قربانی رقابتهای قدرتهای جهانی غرب و شرق



دکتر توحید ملک زاده

۲۱ آذر از جمله روزهای تاریخی مورد مناقشه و کمتر بررسی شده تاریخ آذربایجان می باشد. اهمیت تاریخی این روز آنگونه است که مبدا تاریخی شده برای سردی و برفناکی منطقه و به عبارتی فاز مثبت و منفی. «تا ۲۱ آذر اگر برفی بارید زمستان پربرفی خواهیم داشت و گرنه از برف خبری نخواهد بود» از جمله اعتقادات مردم آذربایجان می باشد.

در سالهای پس از جنگ جهانی دوم رقابتهای دو بلوک شرق به رهبری شوروی سابق و بلوک غرب به رهبری آمریکا در موضوع آذربایجان علاوه بر آغاز «جنگ سرد» بین دو بلوک، سبب فاجعه‌ای شد که تتمه آن سالها نیز در جامعه آذربایجانی ادامه یافت. با تشکیل حکومت آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ و به دنبال درخواست خودمختاری

معارف‌چی شخصیتاریمیز

میرزا حسین رشديه

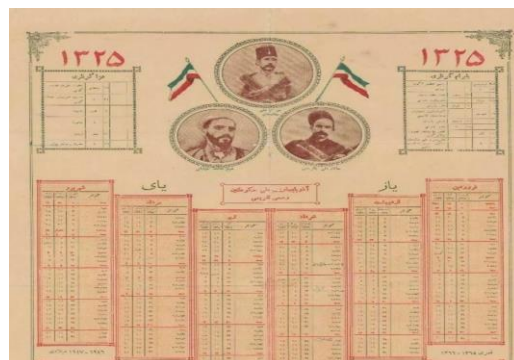
در روز هجدهم تیر ماه ۱۲۲۸ به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را از پدر خود ماللا مهدی آموخت. از کودکی در ذکاوت زبان‌زد بود و در ۲۲ سالگی امام جمعه یکی از مساجد تبریز شد. رشديه تحت تأثیر مقاله‌ای چاپ شده در روزنامه



اختر، مبنی بر ضرورت اصلاح نهاد آموزش، به استانبول، مصر و بیروت سفر می‌کند و به تفحص در حوزه تعلیم و تربیت می‌پردازد. وی با رؤیت وضع مستعد قفقاز، در سال ۱۸۸۲ مدرسه‌ای در ایروان تاسیس کرده و در همان سال‌ها با مختصات آموزش مترقی آشنا می‌شود.

وی در بازگشت به تبریز، در ۱۳۰۵ قمری نخستین مدرسه نوین را در محله ششگلان ایجاد می‌کند و در سال ۱۸۹۴ کتاب درسی خود را با عنوان "وطن دیلی" تألیف می‌کند. الگوی این کتاب، کتابی بود با همین نام که ۱۴ سال پیش توسط چترنیاخویسکی برای تدریس زبان تورکی در قفقاز چاپ شده بود. مهم‌ترین ویژگی کتب مذکور، اعمال اصول صوتی در متون آنها است که غرض از آن تسهیل آموزش تورکی آذربایجانی با الفبای عربی بوده است.

شکست انجامید. به همین سبب، یک ماه بعد، در ۲۱ خرداد / ۱۱ ژوئن، دولت هیئتی را به سرپرستی مظفر فیروز (معاون سیاسی نخست‌وزیر) برای ادامه گفتگوها به تبریز فرستاد. دو روز بعد، در تاریخ ۲۳ خرداد / ۱۳ ژوئن، مصالحه نهایی حاصل شد و در پی آن، قرارداد جدیدی بر پایه قرارداد سابق (در ماه گذشته)، به امضای پیشه‌وری و فیروز رسید. شب همان روز، مظفر فیروز در رادیو تبریز، نطقی ایراد کرد و امضای این موافقت‌نامه را به منزله یک پیروزی بزرگ و درخشان برای دولت و ملت ایران تبریک گفت. ولی با شروع مذاکرات قوام و روسها در مسکو حامی خارجی فرقه دموکرات آذربایجان خود را کنار کشید و شاه به بهانه انجام انتخابات قشون نظامی وارد آذربایجان نموده و قتل عامی شروع شد که کمتر خانواده‌ای از این قتل‌ها در امان ماند و عده زیادی تبعید شدند. کتابهای ترکی در آتش سوزانیده شدند و آذربایجان مغضوب مرکز گردید. این اولین بار نبود که آذربایجان قربانی سیاستهای جهانی شده بود چه در جنگ جهانی اول نیز رقابتهای روس و انگلیس و فرانسه با عثمانی و آلمان در آذربایجان فجایع خونین جیلولوق را سبب شده بود. که طی آن بالغ بر یکصد و پنجاه هزار نفر در آذربایجان کشته شدند.



تأیید می‌کرد، به تصویب رسانده و پس از آن رسماً کشور مستقل خود را اداره کردند.

امروز مردم این کشور که نهمین کشور بزرگ دنیا نیز هست، با به اهتزاز درآوردن پرچم آبی که نماد آزادی عقاب را نیز دارد، سی و یکمین سالگرد استقلال خود به عنوان یک کشور را جشن می‌گیرند.

قزاقستان در شمال با روسیه، در شرق با چین، در جنوب و جنوب غربی با قرقیزستان، ازبکستان و تورکمنستان همسایه است.

۱۹ آذر روز جهانی حقوق بشر



بعد از جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۸ برای گسترش کرامت و برابری همه انسانها، توسط سازمان ملل متحد در ۳۰ ماده به تصویب رسید و همه حکومت‌ها ملزم به رعایت آن شدند:

۱- همه افراد بشر آزاد و با حیثیت و حقوق یکسان زاییده می‌شوند و دارای موهبت خرد، وجدان با رفتار برادری هستند.

۲- هرکس می‌تواند از کلیه آزادی‌ها که در اعلامیه حاضر به آن تصریح شده، بی‌هیچگونه برتری از نظر نژاد، جنس، زبان، دین، زاد و بوم یا موقعیت اجتماعی، توانگری یا نسب یا هر وضع دیگر بهره‌مند گردد.

۳- هر کس حق دارد از زندگی و آزادی و امنیت شخصی خویش برخوردار باشد.

۴- هیچ کس را نمی‌توان به بندگی یا بردگی گرفت.

۵- هیچ کس را نمی‌توان شکنجه کرد یا مورد عقوبت با روش وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار داد.

۶- هر کس دارای این حق است که شخصیت حقوقی او در همه جا مراعات گردد. ۷- همه افراد در پیشگاه قانون

رشدیه علاوه بر فعالیت فرهنگی عظیم خویش، در عرصه فعالیت سیاسی نیز فعال بود و روزنامه‌های مکتب و طوفان تهران را با مضامین ضداستبدادی منتشر می‌کرد. همچنین از اعضای انجمن باغ میکده بود و در راستای عزل قاجاریان تقلا می‌کرد. حاج میرزا حسن مهدی اوغلو رشديه، سرانجام در ۲۱ آذر ۱۳۲۳ چشم بر جهان فروبست. در طول حیات خویش همواره به سبب داشتن نظرات مترقی، از سوی برخی علما تکفیر و از سوی افرادی مختلف مورد اذیت قرار گرفت لیکن از تلاش خود نکاست و در راستای بیدار کردن مردم به راه خود ادامه داد. رشديه در تعریف مرام خود سروده است:

هر آنکه در پی علم و دانایی است

بداند که وقت صف‌آرایی است...

یولو دواملی اولسون

۱۶ دسامبر روز استقلال قزاقستان



قزاقستان که بزرگترین قلمرو در میان کشورهای جهان تورک را داراست سی و یکمین سالگرد استقلال خود را جشن می‌گیرد.

کشور قزاقستان که بزرگترین کشور جهان تورک از نظر قلمرو سرزمینی محسوب می‌شود، امروز سی و یکمین سالگرد استقلال خود پس از فروپاشی شوروی را زیر پرچم آبی آسمانی خود جشن می‌گیرد.

قزاقستان که حدود ۷۰ سال بخشی از اتحاد جماهیر شوروی سابق بود، پس از فروپاشی آن به یکی از ۱۵ جمهوری تبدیل شد که توانستند استقلال خود را باز یابند.

شورای عالی قزاقستان (پارلمان) در روز ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ سندی تاریخی که به طور رسمی استقلال این کشور را

۲۰- هر کس حق دارد آزادانه در احزاب و جماعت های مسالمت آمیز شرکت جوید.

۲۱- هرکس حق دارد مستقیماً یا به وسیله نمایندگانی که آزادانه انتخاب شدند در اداره امور کشور خود شرکت جوید. اراده ملت اساس قدرت اختیارات ملی است.

۲۲- هر عضو جامعه حق دارد از تامین اجتماعی مناسب برخوردار گردد.

۲۳- هر کس حق برگزیدن آزادانه کار با شرایط عادلانه و معیشت ارضا کننده دارد و در مقابل بیکاری نیز حمایت شود.

۲۴- هر کس حق استراحت و استفاده از ایام فراغت و مرخصی دارد.

۲۵- هرکس حق دارد از سطح یک زندگانی برخوردار باشد که سلامت، رفاه او و خانواده اش منجمله خوراک، لباس، مسکن و امور پزشکی آنان را تامین کند.

هر کودک خواه حاصل زناشویی قانونی یا غیر قانونی، از حمایت اجتماعی برابر برخوردار می گردد.

ماده ۲۶- هر کس حق دارد از تعلیم و تربیتی رایگان حداقل تا آموزش ابتدایی و اساسی برخوردار باشد. هدف تعلیم و تربیت باید شکوفایی شخصیت بشری، تقویت احترام به حقوق بشر و صلح، حسن تفاهم و دوستی بین همه ملت ها از هر نژاد یا دین باشد.

۲۷- هر کس حق دارد آزادانه در زندگانی فرهنگی اجتماع شرکت جوید و از اقسام هنرها و علوم استفاده کند.

۲۸- هرکس حق دارد در سطح اجتماعی و جهانی چنان نظم حکمفرما شود که حقوق و آزادی هایی این اعلامیه در آن سطح به نتیجه کامل برسد.

۲۹- هرکس نسبت به اجتماعی که در آن اجتماع رشد آزاد و کامل شخصیت او امکان پذیر است تکالیف شهروندی برعهده دارد.

ماده ۳۰- هیچ یک از مواد اعلامیه را نمی توان طوری تفسیر کرد که برای دولتی یا قشری یا فردی متضمن حقی شود و هدف آن از بین بردن حقی از آزادی های مذکور در این اعلامیه باشد.

در جوامع دمکراتیک قانون اساسی و ارزش های جامعه بر اساس مفاد اعلامیه حقوق بشر هستند و در مدارس نیز تدریس می شوند.

یکسان هستند و حق دارند که بی هیچ تفاوت از پشتیبانی قانون در قبال ناقضین این اعلامیه استفاده کنند.

۸- هرکس می تواند از تعدی به حقوق اصلی که به موجب قانون اساسی یا قانونهای دیگر برای او شناخته شده است به دادگاههای صلاحیت دار ملی متوسل گردد.

۹- هیچ کس را نمی توان خودسرانه بازداشت یا زندانی یا تبعید نمود.

۱۰- هرکس حق دارد با استفاده کامل از تساوی حقوق با دیگران، دعوای او در یک دادگاه مستقل و بی طرف عادلانه و علنی رسیدگی شود و آن دادگاه در باره حقوق و تعهدات او، یا صحت هرگونه اتهام کیفری که به او متوجه باشد حکم دهد.

۱۱- هرکس متهم به ارتکاب جرمی باشد، تا وقتی تقصیر او طی محاکمه علنی با حق دفاع قانوناً به ثبوت نرسد، بی گناه محسوب می شود.

۱۲- زندگانی خصوصی یا امور خانوادگی یا محل سکونت کسی نباید در معرض دخالت واقع شود. نیز به حیثیت و حسن شهرت هیچکس نمی توان حمله کرد.

۱۳- هرکس حق دارد در داخل هر کشور آزادانه نقل مکان کند و اقامت گیرند. هرکس می تواند هر کشوری را که بخواهد، من جمله کشور خود را، ترک کند.

۱۴- هرکس حق دارد برای گریز از هر گونه شکنجه و فشار به جایی پناهنده شود.

۱۵- هرکس می تواند هر ملیتی را بپذیرد. هیچ کس را نمی توان خود سرانه از ملیت او محروم ساخت یا حق تغییر ملیت از او را سلب نمود.

۱۶- زن و مرد وقتی به سن ازدواج برسند می توانند بدون هیچ قید نژادی و دینی ازدواج کنند و خانواده بنیاد گذارند. آنان به هنگام زناشویی و در اثنا و هنگام انحلال آن، حقوق متساوی دارند. عقد ازدواج فقط با رضای آزادانه همسران آینده، قانونی است.

۱۷- هرکس به تنهایی یا با شراکت دیگری دارای حق مالکیت است. مالکیت هیچ کس را نمی توان از وی سلب کرد.

۱۸- هرکس دارای حق آزادی فکر و ضمیر و دین است.

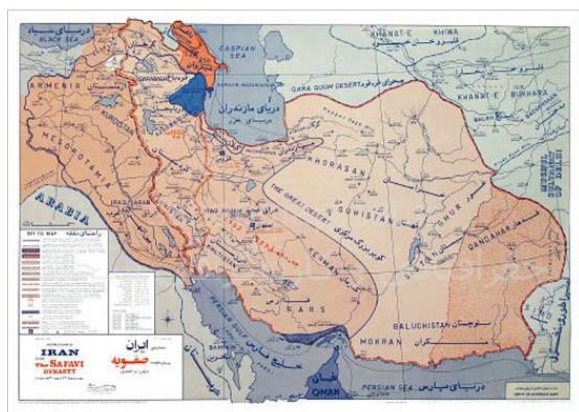
۱۹- هر کس آزاد است هر عقیده ای را بپذیرد و آن را به زبان بیاورد و با هر وسیله ای بدون هیچ قید و محدودیت به جغرافیا، اخبار و افکار را تحقیق، دریافت و انتشار دهد.

ارمنستان؛ جزئی از خاک و جغرافیای تاریخی جهان تورک

خلیل مختاری نیا

تاورنیه در ابتدای کتاب خود، مملکت تورک صفویه را به ۱۷ ایالت تقسیم نموده و می نویسد: "اول ایالت ارمنستان است که نقشه های جغرافیایی ما [فرانسه] بی مناسبت و بدون هیچ مأخذی آن را "ترکمنی" می نامند.

قسمتی را که میان رودهای آراکس و کورا واقع شده است که در خود ایالت بیشتر اوقات قره باغ می نامند و شهرهای عمده اش ایروان، قارص، نخجوان، جلفا و وان در کنار دریاچه ای به همین نام است" (سفرنامه تاورنیه، ترجمه ارباب شیرانی، ۱۳۸۳: ۱۲) به نظر می رسد عبارت " بی مناسبت و بدون هیچ



مأخذی" از تحریفات مترجم در متن ترجمه باشد چرا که مخاطب با یک بار مطالعه سفرنامه مزبور و تطبیق آن با متن و زبان اصلی سفرنامه و همچنین تطبیق ترجمه ارباب شیرانی با ترجمه های دیگر مترجمان از سفرنامه تاورنیه به وضوحیت هر چه تمام شاهد تحریف متن اصلی از سوی ارباب شیرانی خواهد شد" تاورنیه در ادامه ذکر ایالت های مملکت صفویه به ایالت آذربایجان اشاره کرده و می نویسد: " ششم ، شیروان که در طول بحر خزر که شهرهایش در بند یا دمیر قاپی و باکو و شماخی است و ایالت آذربایجان که شهرهایش تبریز، اردبیل، سلطانیه، قزوین و غیره است که این دو ایالت تقریباً شامل کشور قدیم ماد

ارمنستان کنونی در طول تاریخ همواره جزئی از خاک و سرزمین تورک بوده است؛ کشوری جعلی که به ذات خود موجودیت نداشته و ندارد، جغرافیایی که تا یکصد سال قبل فاقد مرز و محدوده مشخص بوده است تا اینکه بعد از جنگ جهانی دوم و با جمع آوری ارامنه از ایران و روسیه کشوری جعلی و غده ای سرطانی به نام ارمنستان و با حمایت روسیه و پان های خائن در قلب جهان اسلام و دنیای تورک ایجاد شد؛ فلذا مرزهای جعلی امروز ارمنستان دلیل بر مجزا بودن تاریخ و هویت و مرزهای آن از جهان اسلام و تورک نیست.

ژان باپتیست تاورنیه Jean Baptiste Tavernier جهانگرد فرانسوی (متولد به سال ۱۶۰۵ م در پاریس) در زمان صفویه موفق می شود ده بار از جغرافیای تحت حاکمیت مملکت صفویه دیدن کند. وی در طول این مدت تمام مشاهدات خود از شهرهای تبریز، اصفهان، قزوین و دیگر ایالت های صفویه را در قالب سفرنامه خود ثبت و ضبط نموده است.

هر چند در ترجمه فارسی سفرنامه تاورنیه توسط حمید ارباب شیرانی به شدت و بعینه رگه های پان ایرانیست بودن مترجم به چشم می خورد منجمله تحریف اصفهان، جلفا، تبریز و مملکت صفویه به نام مملکت ایران و تحریف زبان مردم شهرهای جلفا و برخی از مناطق آذربایجان به فارسی نمونه هایی از تحریف پان ایرانیستی مترجم می باشد؛ علی ای حال سفرنامه تاورنیه حاوی مطالب مهم در خصوص لسان، فرهنگ، هویت، نوع لباس و تغذیه، ایالت های مملکت صفویه، بازی های محلی، تجارت، معماری، رسوم و آیین های اجتماعی و... مردمان عصر صفویه می باشد.

جان دندیلر عماد الدین نسیمی

لبینه اهل نظر «چشمه‌ی حیوان» دندیلر،
گرچی اوچماق حوریسی، جُمله اونا «جان» دندیلر.

سنی بو حُسن و جمال ایله، بو لُطف ایله گُروب
قورخدولار «حق» دئمه‌یه، دؤندولر «انسان» دندیلر.

صورتین وصفینی سوردوم ایسه هر طایفه‌دن،
معننین گوزگوسونو «صورتِ رحمان» دندیلر.

«سونبولون حالی پریشان» دندیلر، حال اهلی.
الله-الله! نه اوچون، موشکه «پریشان» دندیلر؟

بیر قولین قیمتینی هر کیمه سوردوم سا، اونا،
«گنج قارون ایله مین ملک سلیمان» دندیلر.

دوشمنین آدینی عاشیقلره سوردوم کی، نه‌دیر،
ائشیدن جومله «نه کافر، نه مسلمان» دندیلر.

شک دئییل کیم، اوزونو گُورمه‌میش اونلار کی، سنی،
حوری‌یه بنزه‌دیین «یوسف کنعان» دندیلر.

لبلرین وصلینه ایرمک منه مشکل گُرونور،
گر چی سوردولار اونو، «دل ایله آسان» دندیلر.

آغزین اسرارینا اندیشه‌هاچان واقف اولاً؟
کی، عَقول اهلی اونا «نکته‌ی پنهان» دندیلر.

ای «نسیمی!» دم عیسی دئییل ایسه نَفَسین،
نَفَسی دوغولار اونا نه اوچون «جان» دندیلر؟

می باشد که تا کناره‌های بحر خزر گسترش می یافت." (سفرنامه تاورنیه، ترجمه ارباب شیرانی، ۱۳۸۳: ۱۲)
تاورنیه در جای دیگری از سفرنامه اش از آذربایجان بعنوان کشور قدیم ماد نیز نام می برد آنجا که می نویسد: "به هنگام سرما و یخبندان، از دریای خزر مقدار فروانی ماهی آزاد تازه و قزل آلا می آورند که غالبا به درازای چهار تا پنج پا هستند. در ایالت مد/ ماد (آذربایجان) اوزون برون بسیار است و در مصب رود ارس (آراز) صید بسیار از آن می شود." (همان، ۱۳۸۳: ۳۰)

جهانگرد فرانسوی به زبان ارمنیان ساکن در اصفهان و جلفا اشاره کرده و با تاکید بر اینکه زبان نیاکان ارمنی ها تورکی بوده، می نویسد: "جلفا به معنای واقعی یک مهاجرنشین از ارمنیانی است که شاه عباس کبیر از جلفای آذربایجان [مترجم از عبارت جلفای ارمنستان استفاده می کند] کوچ داده و این مهاجرنشین نام خود را از آنجا گرفته است." (سفرنامه تاورنیه، ترجمه ارباب شیرانی، ۱۳۸۳: ۷۴)

تاورنیه در ادامه به زبان ارمنیان اشاره کرده و می نویسد: " زبان ارمنیان عامیانه یا ادیبانه است. زبان عامیانه را همه ارمنیان می فهمند اما زبان ادبی برای ادعیه ی مذهبی است و جز کشیشان و علما کسی آن را نمی فهمد. ارمنیان سه زبان دارند که بسیار متفاوت است ولی برای ایشان بسیار طبیعی است: یکی زبان ارمنی [زبان مذهبی] و دیگری زبان تورکی است که از نیاکان خود به ارث برده اند و آن را بیشتر در تجارت، [سیاست، اقتصاد، نظامی گری، درباری] به کار می برند و زبان فارسی، زبان مملکتی است که فعلا در آنجا زندگی می کنند." (همان، ۱۳۸۳: ۸۲)؛ در اینجا هم می بینیم که مترجم از زبان اقلیت فارس و مهاجر در اصفهان بعنوان زبان مملکت ایران یاد و تحریف می کند.

منبع:

سفرنامه تاورنیه، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۳

@yekansasi98

«يکى ممدلىک» کونياكلارى سياسى پارتىيالارين
 بايراكلارين ياپيشدىرماق ايستهيرم.
 شهرين مرکزينده کى خاراباليقلار
 خاراباليغيميزين سيموولونا دؤنوب
 آسيليپ گؤزلىم اؤنوندن.
 مئرسئدئسين قارا شوشهلى آرخاسيندان
 «خوشبختلىک»
 آدمالار كئچير.
 گئجه بارلاريندان شرقه اؤلوم حؤكمو اوخويان
 موسيقى صدالارى گلير.
 ائوه دؤنورم. ANS TV يالانچى هاى-کويو
 ائوى باشينا گؤتوروب. يالانلا باشلايان گونونه
 يالانلا نقطه قويور
 اورخان فيکرت اوغلو.

@SheirOcagi

وفاسيز

على طالبى قاياباشى

باخديم گوزلرينه ديلم لال اولدو
 قالدی اوره ييمده سوزوم وفاسيز
 انتيظاردان چات چات اولدوم چاتلاديم
 قالمادی جيسميم ده دوزوم وفاسيز
 عشقيم ياسا باتدى قارالى قالدی
 قلبيم يارالاندى يارالى قالدی
 آليم آل لریندن آرالى قالدی
 گوزونه تامارزی گوزوم وفاسيز
 عشقيم داستان اولار دوشر ديل لره
 آرزوم يارپاق اولار آسن يئل لره
 جيسمى غرق ائتدی گوزوم سئل لره
 سونمه دی قلبيمده کوزوم وفاسيز

على يم بو يولدا چوروده رم جان
 عئشقه چاتمايانلار اولور قهرمان
 بير گون گله جک کى اولاجام قوربان
 سنين يوللاريندا اوزوم وفاسيز

شعريميز – شاعيريميز ŞEİRİMİZ- ŞAİRİMİZ

بير گونوم

يافت تورکسس

کؤچورن: على چاغلا

بير گونوم ده يالانلا باشلادی...
 سحر-سحر يئديييم سوسيسکادان،
 ايچديييم چايدان يالان بوغلانيردى.
 تئلئوييزيا ائکرانيندان شور تو بير موغنى
 محبت درسى كئچيردى آدمالارا.
 سارساق بير بسته کارين، «ناناي» بير شاعيرين
 سؤزلرينه يازديغى ماهنى دئشيردى قولاغى
 طالع آپاريجي نين اوتولو گولوشلرى ايرنديريدى
 منى او کى وار.
 سياسى شرح چينين وئردىيى خبردن
 غيرتسيزلىک قوخوسو گليردى.
 يالان بير دونيا يئريدييى اوستومه سحر-سحر.
 آرواديمين داياز سوال-جاوايندان بئزيب
 ائوى ترک ائله ييب
 شهره چيخديم.
 يالانچى رئكلاملار،
 کؤهنه شالوارا،
 کؤهنه يماق کيميدير...
 قزئت لرده مانشتت لر غيبت قوخويوردو.
 کاسئت ساتان ماغازالارين معناسيز
 سس-کويوندىن قاچيب تينى بورولورام.
 اوستومه يئريبير وئجسيز، کوت، موتى، سيرتيق،
 غيرتسيز آدمالار کوتلهسى...

ماغازا ويترينلرينده ساختا ارزاقلار

گؤزومه دورتولور

جورابين دا خارجدر گتيردييى

بو اؤلکده دوغولدوغوما خجالت چکيرم.

ساختا مينئرال سولارى ق.ح.ت-لرين¹

بیر یالاندير كى، دئيرلر آغ، قارادان ياخشى دى،
گنجە واختى، كيم دئير كى، اولدوز آيدان ياخشى دى.

گون گونورتا، اولسا بۇيله، گونش نوروں ساچسا دا،
قارا بوغدايى بو چۇهرەن، بيل كى، آغدان ياخشى دى.

قارادير، آغ رنگه وئرميش سئوگى سين، هم ايستين،
پارچالارسا كۇن لومو، هر بير يارادان ياخشى دى.

گۇزلره، كيپر يكلره، قاشا وئرركن دسته يين،
آغ، قارادان سوسما دئه، آخى هارادان ياخشى دى ؟

ديشلىرى دورره ائديب، ميروارييه، او بنزه دن،
هم شيرين ليك، هم طراوت، چوخ پارادان ياخشى دى.

راميزى مفتون ائدركن، بير گۇزل قيز تزه دن،
بلكه من، هئچ دورماييم، چيخيم آرادان ياخشى دى.

راميز عبدالله يئو

سن منى، قويما راحت، دور گنجەلر گل يانيمما

سن منى، قويما راحت، دور گنجەلر گل يانيمما،
گوندوزون ولوله سين، زلزله سين سال جانيمما.

يوخودور، شربتە دۇنموش، گنجەلر قيسمتيميز،
آل منيم، جاني مى جانان، صاحب اول، سن قانيمما.

ائله ائت كى، سئويشك، كيمسه بونو، بيلمز اول،
گلمه سين ذرره قدر، بيرجه لكه، آد-سانيمما.

قالدى راق زيروله ره، هم قوروياق، قويما سولا،
دستك اول سئوگيميزه، صاحب اولوم، هر آنيما.

سن منيم، نورلو چيراغيم، گنجەمين، گوندوزوسن،
رقيبى قويما ياخين، يالواريرام، هئچ تانيمما.

راميز، چكيليپ ارشه يوخوم، سۇزه صاحب، دوزو سن،

غزل خوان شاعیر : راميز عبدالله يئو QƏZƏL XAN ŞAİR: RAMİZ ABDULLAYEV (8 ŞEİR)



چيخ گئت، داها دورما، روح ايله، جان آراسيندا

چيخ گئت، داها دورما، روح ايله، جان آراسيندا،
دوشمەن دئىي ليك، سونرا دوراق، قان آراسيندا.

واردى او محبت، ساراليب، سول دو عليندن،
ايندى گز اؤزونچون، بى ايله، خان آراسيندا.

وئرديم سنه هر شئى، اورينندن نه كئچيردى،
افسوس، سنى سئچديم نيه، اينسان آراسيندا؟

نفسين، وارى يوخ ائل دى، شربت چوخ ايچيردى،
سيلدیم سنى، يوخسان داها، آد - سان آراسيندا.

كابوس ايله، دوست اولماغى سئچدين، نيه لازيم؟
او جهنم، او دا جانين، گئت يان آراسيندا.

راميز، قويما بئله شعيرى، بير گون، يئنە يازيم،
ظولمت دۇزه بيلمز، آچيلان دان آراسيندا.

راميز عبدالله يئو

بیر یالاندير كى، دئيرلر آق، قارادان
ياخشى دى.

رۇيالار يىخدى منى، بلکہ ياراشمير شانيمما.

مؤلف: راميز عبدالله يئو

جانى جانانيمما وئرديم، ائله بيلديم قورويار

جانى جانانيمما وئرديم، ائله بيلديم قورويار،
آرخاين ائتمك اوچون، هم ده كى، هيرسى سويويار.

قوى دو بوز خانايما، ائيله دى بومبوز جانى مى،
بيلمز ايديم جانيمين، اوستونو آغ رنگ بوييار.

دونورام، تيتيريرم، ايندى نه فرقى جانيمين،
وئردى قيش يوخوسونا، ايندى ده ساكيت اويويار.

بير ايدى، ايندى اولوب يوز دنه، دىردى جانيمين،
گۆره سن سئوگى لى جانان، گوناھين بۇيله يويار؟

ايستديم ياخشى اولما، ياخشى دا دوش دو دويونه،
سال دى كندىر بوغازا، چوخ سيخاراق، ائيله دى دار.

راميز، نه قويورسان عقلى، او داھا گيرمز بئيينه،
قالما دى باش دا عقل، هامى سين آليب، سئوگى لى يار.

راميز عبدالله يئو

يئنه يوخسان گۆزليم، هان سى مكان

صاحيبيسن؟

يئنه يوخسان گۆزليم، هان سى مكان صاحيبيسن؟
اؤز الينله باتيران، قله تىكان صاحيبيسن.

بئله قاچما اوزاغا، ائى گولو خندان، اؤلرهم،
روحا، جان بخش ائيله يەن، تىكجه تكان صاحيبيسن.
ائله بيل كى، دايا نيب سوبه ايله، آخشام زامانى،
منى بيهوش ائلين، مستى زامان صاحيبيسن.

گل دوراق اوزبوزه، شعله سالا، شام زامانى،

يئتيريب دقت اندك، سن كى، بو جان صاحيبيسن.

جان آل، آل سنه قوربان، سنه منسوب ائتديم،
چك اونو چارمىخا لاپ، تۆكمه يه قان صاحيبيسن.

راميز، دئمه يوخ خبريم، من لى دئييل، من گئتديم،
تؤوصيه ائتمه منه، شهرتى، شان صاحيبيسن.

مؤلف : راميز عبدالله يئو

**من سنه ، جان سؤيلديم، جانان ندى، ناز
ائيله دى؟**

من سنه، جان سؤيلديم، جانان ندى، ناز ائيلدىن؟
قييمادين نئيوچون منه، اينسافىنى آز ائيلدىن.

بلکه ده من آتشرينده، گونگون يانان زامان،
سن سئويندىن فخر ايله، احوالىنى ساز ائيلدىن.

باشقا آشيقلىر تكى، من ايستديم خوشبخت اولام،
تك سنه بئل باغلاديم، بلکه قيشى، ياز ائيلدىن.

افسوس اولسون اللرينله، آز قالا بدبخت اولام،
قاپقارا قيوريم ساچى، سن يانديريب، داز ائيلدىن.

بیر بيليدىن خاطيرمده، ائى وفاسيز تك قالان،
گۆيه اوچماق ايستيركن، اؤزونو قاز ائيلدىن.

راميزين، يوخ بو ايشدهندن خبرى، هر شئى يالان،
موغامما، خطر يئتيردىن، آدينى جاز ائيلدىن.

راميز عبدالله يئو

طاقتيم يوخدور منيم، يوردون آياق دا

ديزلىرى.

طاقتيم يوخدور منيم، يوردون آياق دا ديزلىرى،

روما خسرو
ROMA XOSROV
(روما خسرو اوغلو آغايئو)



(15 ŞEİR)

سن سيز نفسي می کسير اوريم

باخیرسان، باخیشین ائله سویوق دور،
 ایچیم ده تیتیریر، اسیر اوریم.
 عشقین سرحدینی کئچیب، یاخشی باخ،
 دوشوب اللرینه، اسیر اوریم.

قلبیمی تاپ دالا، کئچ اینجیمره،
 منی بیر اؤزگه بیل، سئچ اینجیمره.
 آرخامجا دانیش سان، هئچ اینجیمره،
 قارشیم دا سوسورسان، کوسور اوریم.

سن منی آتماسان، من قیریلماز دیم،
 ایندی دیزلریمه هئی ساریلماز دیم.
 آرخانجا قاجاردیم، هئچ یورولماز دیم،
 سن سيز نفسي می کسير، اوریم.

او کسین آغاج دئیل

او آغاجین قوللارینی،
 گؤره سن او کیم دی، کسیر.

سن سببکار اولموسان، مفتون اندرکن گؤزلری.
 هر دفعه یوخ سؤیلییرسن، من کوسوم، کوسمور کؤنول،
 لال اولور دیلیم منیم، قالیر یاریمچیق سؤزلری.

آسما قلبدن داشلاری، بیرلیک ده گل، موم ائیلیک،
 دویماسین روحوم بئله، داش دان قالان، او ایزلری.
 یوخ اولان یئرده، ووسال دا یوخ اولور، بس نئیلیک؟
 الله یم، سن رحم ائله، نه اولار، باریش دیر بیزلری.

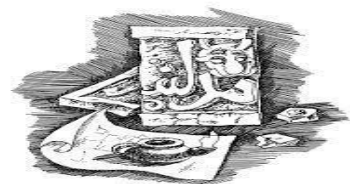
من سنه یالوارماغیم دا، سن ایسه نازینداسان،
 لاغ اندیرلر چوخلاری، گولوم سین وار اوزلری.
 رامیزه باخما بئله، آختار منی، دی هارداسان؟
 رحم ائله، بخش ائیلهمه صحرالاری، چؤل، دوزلری.

رامیز رامیز عبدالله یئو
آذربایجان! وطنیم! من سنین قوربانین اولوم

اوشاق ایکن وطنی، بیزلره سئودیردی بو دیل،
 اوریم سئوگی و قوس سه سینی، بیلدیردی بو دیل،
 یئتمیش ایل اولدو اسیر، «کیملری» دیندیردی بو دیل؟
 یئتر آرتیق، دانیش آزاد، سنین قوربانین اولوم.

الیفبام قوللوق ائدی، باشقا اؤلکه دیلرینه،
 قاریشیب صحبتیمیز، باشقا دیلین، دیلرینه،
 قورخاق یئتمیش ایل، ووردو قولاق دیلرینه،
 یئتر آرتیق، دانیش آزاد، سنین قوربانین اولون.

سؤیله، رامیز آزادام، دیل دئسه، گؤزلر گوله جک،
 سوسما دانیش، یوخسا، باشقالاری لال بيله جک،
 دانیشارسا، یاشارام، سئوینیپ دیل، سؤیله یه جک،
 آذربایجان! وطنیم! من سنین قوربان.



گۆرەن گىتسك، ھان سى يولدا-
قارشىلايار، آدام بىزى؟

دۇنيا نە گۆزل تورمەدى
گۆى دە اللە ى آختاران،
حىيف، ايچين دە گۆرمەدى.
تانرى چوخ شئى وئردى بىزە،
ھەر يە بىر شئى وئرمەدى.

بو گىجەنى، بو گوندوزو،
گاہ باغلايىب، آچان اۆزو.
ياشادى بو حيات بىزى،
ھىچ كىم، اۆز اۆمرون سورمەدى.

اللە ىن دا ائوى بىردى،
دۇنيانى ائو كىمى ھۆردو.
يارىمچىق دىر، بو بىر سىردى،
ائوين دىوارىن ھۆرمەدى.

ياشاماق بىر گوناھ دىرسا،
اۆلوم-سونونجو آھدىرسا
ھۆك مو وئرن اللە دىرسا،
دۇنيا نە گۆزل تورمەدى.

نفس-نفسى سىخىليرام

من بىليرم، عۆمور دئىيل،
كىم بىلير، سوردويوم ندىر.
ھر گون ياشى مى ساييرام،
ياش اوستە سردىيم ندىر؟!

بوداغى قورخو ايچين دە،
يارپاقلارى تىر-تىر اسير.
او آغاچ دا يووا قوروب،
قوشلار اورا يئم گتيردى.
آغاچ قولون ايتيرەن دە،
قوشلار دا، ائوين ايتيردى.

قوردلار يئدى ايچين، چۆلون،
قارىشقالار كۆچوب گئتدى.
كۆلگە سىنە سىغىنانلار،
باخىب گئەن دن، كىچىب گئتدى.

بو دۇنيادا ھاوام چاتماز،
ھر كوچەسى بىر قفس دىر.
او كسىلن آغاچ دئىيل،
آلدىغىمىز بو نفس دىر.

داش آتمادىق بىر نفرە

اۆزوموزە گوونمىك،
يىخدى، يادا اينام بىزى.
گۆزوموزون ترزىسى،
آلدادىرمىش تامام، بىزى.

گلىب دوشدوك، بو شەرە،
داش آتمادىق، بىر نفرە.
شوكور، ساغ چىخدىق سحرە،
نە گۆزلىير آخشام، بىزى.

آددىم اۆندە، فىكىر دالدا،
يولا چىخدىق بىز بو حالدا.

قارشىما چىخان يوللارى،
آياغى يالين گئديرم.

منه آچىلان قوللارين،
چوخ دور، باغلايان يوللارين.
آنام، يىغدىغيم پوللارين،
هامى سين آلين، گئديرم.

كىم سن آى منى گىزله يهن،
گۆز و ياش لى عزيزله يهن.
منى الله دى، گۆزله يهن،
تئز يولا سالىن، گئديرم.

ياشاماق گۆزومه دوروب

گۆرهن، اولوم ساعتى مى،
تانرى هان سى واختا قوروب.
سنه گلن يولو گۆستر،
تانرى، بو يول منى يوروب.

برك توت، قويما دوشه قلىبىم،
الين دن، بو شوشه قلىبىم.
اؤيرنىب ورديشه قلىبىم،
يئر وئردى يئر ووروب.

ياشادىغيم گونلر گوناھ،
بو گئجه لر آچماز صاباح.
چوخ مو چكر، اؤمروم الله،
ياشاماق گۆزومه دوروب.

بىر جان دى دا، داشىبىرام،
كىم دئير كى، ياشاىرام.
گۆرهن، كيمه اوخشاىرام،
گوز گوده گۆردويوم ندير؟!

ديرى-ديرى يوخ اولورام،
اؤز ايچيمه يىخىليرام.
نفس-نفس سىخىليرام،
بو آليب وئردىم ندير؟!

قارا گونون سحرىيهم

سنين قلىبن بىر دونيادير،
من ده، اونون شهرىيهم.
ميصراع-ميصراع، سطر-سطر،
اؤز اؤمرومون اثرىيهم.

هاردا ايدىن، سن سىز تكدىم،
اورىيمه دردلر اكدىم.
بو هسرت هاسار چكدىم،
آيرىليغين چپرئيهيم.

تانرىيا توت آغ اوزونو،
اونوتما اؤزون-اؤزونو.
قارا گۆزلوم آچ گۆزونو،
قارا گونون سحرىيهم.

منى الله دى گۆزله ين

بو دونيادان، او دونيايا،
بىر اؤمرون يولون گئديرم.

ایچیمدن هر شئی اوغور لاییلار

دوغولور باکی دا، اؤلور باکی دا،

یئتیمین آیریجا شهری یوخ دور.

ایچیمدن هر شئی اوغور لاییلار،

نئینیم، قلبیمین چیری یوخ دور.

بو ائودهن الله ین اؤز خبری وار،

یئرین ده، گؤی بوی دا بیر کدری وار.

بوتون گئجه لرین بیر سحری وار،

بوردا گئجه لرین سحری یوخ دور.

داها اؤزوموزه بیز یاد اولموشوق،

دونیانى سو باسار، ائله دولموشوق.

بیر ائوین ایچین ده آزیب قالمیشیق،

هئچ کیمین، هئچ کیمدن خبری یوخ دور.

سنی سئومه مک چتین دی

گؤزلرین ده گؤستر، منی،

دور قارشیم دا گوزگو کیمی.

هر دفعه کسیر یولومو،

باخیشلارین هؤرگو کیمی.

اوریم قالدیغین یئردی،

کیم سنه بئله یئر وئردی.

منه سئوگی آدلی دردی،

تانری وئریب، وئرگی کیمی.

هره بیر کس دن یئتیم دی،

کیمیم وار کی، سن سیز ایندی.

سنی سئومه مک چتین دی،
سن گؤزل سن، سئوگی کیمی.

اؤلوم بوردا اوجوز دو

باخ، بو یول قارانلیغا،

بو یول، صاباحا گئدیر.

یول وار کی، حاق ائوینه،

یول وار، گوناها گئدیر.

سؤن، بیزیم اولدوز دو،

هامی عؤمرون اودوز دو.

اؤلوم بوردا اوجوز دو،

تورپاق دا، باها گئدیر.

بیزه کیم چیخار ییه،

الترینی توت، گؤیه.

بو یول اوزو قیبله یه،

اوزو الله گئدیر.

گؤزون گؤی قلبین بولود

اوستونه بیر چتیر توت،

اورینه نم یاغیر.

گؤزلرین سوسوب اما،

باخیشین دان قم یاغیر.

کاش، دیل تاپیب دانیشا،

گؤی ده، یئرله باریشا.

تورپاق حسرت یاغیشا،

یاغیش دا، هردن یاغیر.

قلم مرککبین تۆكوب كیری دی،
کاغیذلار دردیمی بوکه بیلمه دی.

سنی ائله یئرده اکدییم، سولمادین،
باغبانلار بئله گول اکه بیلمه دی.
سنی اورییمه ائله توخودوم،
هئچ کیم بو ایلمه نی سؤکه بیلمه دی.

سنه قارتوپو گتیردیم

باکییا قار یاغ دی، آنا،
ائوه ده، گله بیلمدیم.
من بیر تیکه چۆرک آلیب،
سیزینله بؤله بیلمدیم.
یورولدوم، حیات یولداشیم،
گۆز یومدوم، یاتا بیلمدیم.
گۆزو یاش لی یات دی قیزیم،
ائوه تئز چاتا بیلمدیم.
جیبیم بوش دو، قلبیم دولو،
سۆزوم ده قالا بیلمدیم.
سنه قارتوپو گتیردیم،
اوغلوم، توپ آلا بیلمدیم.

آنا اوغلون شهید اولوب

آنا اوغلون شهید اولوب،
آرزوسونا چاتیپ، گلیب.
باشین سالامات گتیریپ،
اورینی آتیپ گلیب.

اوزون دن نمی قوروت،
بو آغلاماغی اونوت.

گۆزون گۆی، قلبین بولود،
یاغان دا، بیردن یاغیر.

آیریلیغا تلسمه

من سنی نئجه سئوسمه،
سن ده، ائله بئله سئو.
ایچیم-چۆلوم عینی دیر،
نئجه وارانم، ائله سئو.

واخت گئدیر، قاتار-قاتار،
گل، بو حسرتی آپار.
منی سئومه یه نه وار،
بیر آرجا توت دیله، سئو.

من دن اینجیلیب، کوسمه،
بو یول بیزیم دیر، کسمه.
آیریلیغا تلسمه،
اؤل نه جهن هله، سئو.

قلم مرککبین تۆكوب کیریدی

سن منیم قلبیمه چکدیین داغی،
رساملار کاغیذا چکه بیلمه دی.
سنه اورییم ده تیکدییم ائوی،
وارلیلار شهرده تیکه بیلمه دی.

بو فصیل عؤمروم ده قوراقلیق اولدو،
گۆزوم گۆز یاشینی تۆکه بیلمه دی.



زaman qanlarin qanin yaladi
 bajinin qardashin omuron taladi
 yordonda yovanda bayqosh oladi
 dagladic qanadin yovladin de de

chilpach qaldiric chilpach gozondan iraq
 qanmazlar gozondan olduq oyunchaq
 tehmert vordov bize olannlar dyaq
 nlr chkdik nlr bolmadin de de

hsrtinde axdi gozomun yashi
 tapmadim sne tay qanan sir dashi
 danyshmayi mnle qbrinin dashi
 agladim bir alde chalmadin de de

arxanqa qardashim kochno chatdi
 sanaki sngilinin qovinnonda yatdi
 ana baji qardash dashini atdi
 (khiwan) kimi drde dolmadin de de

اوشاقلاريميز

annalar bajilar ag avlan sayaq
 qiribdir qfsin gotormz boyaq

gozlr yoxo bilme yib,
 bash aime yib, aibilme yib.
 av yashayir, av olme yib,
 tabuton da yatiyb, glib.

avvovon da totob torpayin,
 bo shhidin avp, ayagin.
 ayqlari qarabayin
 palchigina batyb glib.

پ. ب (کیوان) حسین اوغلو (۱۸ شعر)

P.B (KEYVAN) HÜSEYİN OĞLU

دده

trk atdin doniani vov yashinda
 balalar qaidina qalmadin de de
 qapazlar altinda boy atdiric btle
 hayif yardimjimiz olmadin de de

ndnse hayatn dnyshdin qfil
 ahl avba avhalin avxshadi dil dil
 sn sizzlik anamin aihle dy dzlin
 drdin xiala dalmadin de de

yaman gonle qovido pynje pynje ye
 atasiz tablashdiric min aishkynje ye
 gonshly gonmouz dondo gnce ye
 avvovon yadina salmadin de de

yithim adin qoyob chaldilar tebil
 ezab chkdik ezab yannadi nvil
 jhazimiz olduq qm kdr nissgil
 konlomouz bir an almadin de de

اوز کورلوک عشقینده اوخویور آنجاق
آزاد اولمالیدی دوستاقلاریمیز
حاققین آلمالیدی اوشاقلاریمیز

ظولمون قارشی سیندا دایانیب میللت
حاققی اوسته قانا بویانیب میللت
یالان وعدلری دای آنیب میللت
تورپاقدا دیل آچیر یاساقلاریمیز
حاققین آلمالیدی اوشاقلاریمیز

توخماق یارانیلار داش بیینلره
توخوم سیئیک اوچون قوش بیینلره
قورقوشوم تئپکه جک بوش بیینلره
جانیندان گئچیدیر قوچاقلاریمیز
حاققین آلمالیدی اوشاقلاریمیز

چرقتله قورونان دین درده دئیمز
خالق اوچون بسلن کین درده دئیمز
حوققالی خوروزلو نین درده دئیمز
لالدی (کئیوان) گئدیر تورپاقلاریمیز
حاققین آلمالیدی اوشاقلاریمیز

داریخیر

حسرتلر گوروشوب خان باغچاسیندا
الری چاتمایان اینسان داریخیر
ویسال نغمه سینی اولدوزلار یازیر
تبریز سئوینج ائدیپ تهران داریخیر

هشدورود مراغا قوروبدور دیوان
یولوب ساچلارینی مله بیر هیجران
آلغیش دئییر آلقش مییانا زنجان

پاکدشت هارای چکیر سمنان داریخیر

آل گونش یاییبیدیر سسین سوراغین
یاراماز کوسونه چکیب دیر داغین
(تاپیلماز) سئیر ائدیر (لاچین) تورپاغین
دماوند قیی وورور دامغان داریخیر

سولدوزو دوغراییر دوشمانلار بند بند
خویون فریادینا چاتانمیر مرند
قوشا چای سیزلاییر آغلااییر سهند
درد توغیان ائيله ییب هر یان داریخیر

گویلری بورویوب همدان آهی
شبیستر داش ماکو کوردستان آهی
شیمشکلر لاخلادیر میل موغان آهی
اردبیل آستارا جئیحون داریخیر

شیطان دونون گییئن مئیدان اوخویور
گورپه لر کوسونده گولله قوخویور
آنالار شیونله خالچا توخویور
آزادلیغا خالقیم عیان داریخیر

دوغودان باتییا اوز کورلوک سسی
قانانلار قانیله قیریر قفسی
اوکیانلاردان گلیر مظلومون نفسی
یئرسیز سئله دونن آل قان داریخیر

پیچیلدایین دردین آذربایجانین
جانیمیز اورمونون حالینا یانین
تورکون دونیاسینین سورانلار قانین
یورددران سورگون دوشن (کئیوان) داریخیر

گنچن زامان

اولمه سمدہ اولدورجک
قانیمیزی ایچئن زامان
آیاقلا ییب قاریشقا تک
اوستوموزدن گنچن زامان

نسیمی تک سویدوراجاق
دوستاقلاردا اویدوراجاق
اوستومه آد قویدوراجاق
یئرسیز کئفن بیچئن زامان

ائتسین باسین قان قارداشی
بیرجه دفه دئمز واشی
اردن قاباق یوز اویناشی
تاپیب قوشو اوچئن زامان

داش قاشی وار باسیب بوغاز
اوخویاجاق مین بیر آواز
اول "کئیوانی" ییخاجاق راض
یوردون آسان سچن زامان

آغ اولار اوزوم

خالقیمین یولوندان اولسم اینجیم
السمده هر زامان آغ اولار اوزوم
دردی وار مینلر قات داغلاردان آغیر
بولسمده هر زامان آغ اولار اوزوم

منصور تک عشقیله چکیلیم دارا
نسیمی تک گوللم وورالار یارا

آزادلیغا خاتیر قویاندا گورا
بیلسمده هر زامان آغ اولار اوزوم

تورپاغیم قانیملا آچا منظره
چاتا آرزولارا بوتون آغ قره
اولو بابک سایاق جان وئره وئر
گولسمده هر زامان آغ اولار اوزوم

ناموسدو شرفدی غیرتدی وطن
شوهرتدی شوکتدی عیصمتدی وطن
"کئیوان" دونیاسیدی حکمتدی وطن
بیلسمده هر زامان زامان آغ اولار اوزوم

کئیوان "داریخیر"

حسرتلر گوروشوب خان باغچاسیندا
الری چاتمایان اینسان داریخیر
ویصال نغمه سینی اولدوزلار یازیر
"تبریز" شنلیک ائدیر "تهران" داریخیر

"هشدرود" "مراغا" قوروبدور دیوان
یولوب ساچلارینی مله ییر هیجران
آلغیش دئییر آلقش "میانا" "زنجان"
"پاکدشت" هارای چکیر "سیمنان" داریخیر

آل گونش یایبیدیر سسین سوراغین
یاراماز کوکسونه چکیب دیر داغین
"تاپیلماز" سئیر ائدیر "لاچین" تورپاغین
"دماوند" قیی وورور "دامغان" داریخیر

"سولدوزو" دوغراییر دوشمانلار بند بند
خویون فریادینا چاتانمیر "مرنده"

"قوشا چای" سیزلاییر آغلايیر "سهند"
درد توغیان ائيله ییب هر یان داریخیر

هونگورور "بیلسوار" "بارس آباد" یانیر
یاتانلار یئرینه گئرمی اوتانیر
"ارشه" ماحالیمیز قانا بویانیر
"خییو" یومروق اولوب زامان داریخیر

گویلری بورویوب همدان آهی
"شبیستر" داش ماکی "اردستان" آهی
شیمشکلر لاخلادیر "خوزستان" آهی
اردبیل آستارا موغان داریخیر

"بابک" له "ساوالان" وئریب ال اله
"اهر" "گلبردن" قالخیب ولوله
"اوچ قارداش" "هشته سر" دایاقدیر ائله
داغ داشی تیتردن اوصیان داریخیر

شیطان دونون گییئن مییدان اوخویور
گورپه لر کوكسونده گولله قوخویور
آنالار شیونله خالچا توخویور
آزادلیغا خالقیم عیان داریخیر

"سرابدا" محشردی قیامت قوپوب
سانماکی سریین خیالا هوپوب
"ورزیقان" هارایین اوزونو تاپیب
"مهروانلا" خوجا الان داریخیر

دوغودان باتییا اوزکورلوک سسی
قانانلار قانیله قیریر قفسی
اوکیانلاردان گلیر مظلوم نفسی
یئرسیز سئله دونن آل قان داریخیر

"آصلان دوز" آرخایام قارداشیم دئییر
"خداآفرین" یاتما سیرداشیم دئییر
"قاراداغ" بایوندور یولداشیم دئییر
ال اله حورولوب اینسان داریخیر

قالاق قالاق اولوب "سلماسین" قمی
اینیلده ییر "جولفا" تاپانمیر دمی
"بانه" نین "سقیزین" گوزونده نمی
گوردوکجه "کرمانشاه" یامان داریخیر

صاحیلدن صاحیله بویلانیر بایراق
حوریئت آختاریر بو حسرت تورپاق
اولکه شهید وئریر بیرلیک اولاجاق
داریخما دئییرم دووران داریخیر

"بلوچستان" اولوم پالتارین گئییر
"خوراسان" دردیندن اوزونو یئییر
"مازندران" سجده قیلیب باش اییر
قیزلار گولله لنیب اوغلان داریخیر

پیچیلدایین دردین "آذربایجانین"
جانیمیز "اورمونون" حالینا یانین

"شمال" تپه دیرناق اود ایچینده دی
فریاد ایچینده دی یاد ایچینده دی

تورکون دونیاسینین سورانلار قانین
یورددران سورگون دوشن "کئیوان" داریخیر

حقیقته یالاندی

دستمازلا ظوم ائدیرنلر عبادتده یالاندی
حقیقته بورک قویورسان حقیقته یالاندی
بالالارین نازی نعمت ایچینده دی هر زامان
میللتینده آج مله بیر ولایتده یالاندی

هی دئییرسن یئر اوزونده کاتیییئم آلله هین
یارانیشی قیردیریرسن کیم یویاجاق گوناھین
حاققی اوسته اولنلرین قانین ایچیر طاماهین
آلله یولو بئله اولسا قیيامتده یالاندی

کیم دئییبدی اینسانلارین جانین آلین دهشتله
حئیوان سایاق بوینوزولا یئر چالین دهشتله
آغلایانین باشی اوسته جلااد اولون دهشتله
جنتت اهلی بئله ائتسه اول جنتتده یالاندی

ظولموکارا باش ائیمه ییب آغلامیشام حاق ساری
ائشیتیمیشم قوران دئییب مظلوملارین اول یاری
حاغسیرلیقلا تاپدانیمشام یوخدور "کئیوان" دیاری
سندده بئله باشلایب سن سخاوتده یالاندی

قارداشیم وار

کوپه لرده گئجه گوندوز هارای چکیر قارداشیم وار
ساچلاریندان آسیلاراق گورپه باجیم هاماشیم وار
کوچون چاتمیش دورنالارین تابوتوندا سیرداشیم وار
اؤزون یئییب توکن جانیم قورومايان گوزیاشیم وار
ال قولتوقدا قارا گییین قیز گلینیم آز یاشیم وار

داش پارچالیر فریادیمیز گومانیمیز گلن یوخ
آرخامیزی بوش گورورم دردییمیزی بیلن یوخ
بوکوموشوک دردی قمه اوز اوز باشینا اولن یوخ
آرامیشام میللتیمیز سون نفسده گلن یوخ
سئوگی اولوب قان آغلاییر دنیز دنیز یورد داشیم وار

قانیمیزا یئریکله بیر یوردوموزا سوکنلر هی
شنلیک ائدیر یئرسیز یئر قانیمیزی توکنلر هی
اولدورمکله کونلوموزه داغ اوستن داغ چکنلر هی
قانانلارین دوداغین قییخ ایله تیکنلر هی
چرخی زامان دونجکدیر باشین اولار گوی داشیم وار

دوبوشلرده سینه گریب دوز چیخمیشیق سیناقلاردان
صغر خان تک قورخما میشیق ایللر بویو دوستاقلاردان
باج آلمیشیق یورد یوواسین ساتانلاردان آلچاقلاردا
باش قالدیریب "کئیوان" سایان اود دیاری تورپاقلاردان
تاریخلردن سوراقلارسان پوزولمایان یادداشیم وار

قهرمان ساری

گوپلر قارا گئییب اوخشاما دئییر
دار آغاجین اوپئن قهرمان ساری
دویانلار صاباحین دردینی یئییر
دار آغاجین اوپئن قهرمان ساری

سس وئرسین سسینه خالقین دویانلار
بیر قدم گوتورسون یئرسیز اوپانلار
میللت دئییب گلین یولون جایانلار
دار آغاجین اوپئن قهرمان ساری

آزادلیق عشقیله پوزاق کدری
پالتاریمیز خلت آلاق شهری
سون قویاق حیاتا ایچک زهری
دار آغاجین اوپئن قهرمان ساری

دیلله ننی منگه نده پارچالا بیر نیفرتی
دوستاقلاردا بوینون بورور اولان یاریم جانا باخ

بو سیتمی یازماییدی کربلا نین یادداشی
قویمایلار قبری اوسته گله باجی قارداشی
بیزیم اوچون کیم یارادیب اوزو دونموشم اوباشی
دئیر دینین سوتونودور بیر جه متیر جونا باخ

سوسوزندان چات چات اولدو دوداقلاری جاوانین
جاوان یاشدا وطن دییه قوربان وئردی اوز جانین
کربلانی جانلاندیریپ کوچه لری زامانین
ظولمه قارشی دیزه چوکمه "کئیوان" بئله آنا باخ

دونیانی "صنم"

اولو دییاری مین سئویملی قیزی
بوی آتدیقجا ایزله زامانی "صنم"
قورو اینسانلیغی باش تاجین اولسون
یوخلا عومور یویو یانانی "صنم"

"زینب پاشا" کیمی پااغین اولسون
ایکیت "حجر" سایاق یاراغین اولسون
دوغما آذربایجان مایاغین اولسون
شان شوهرتیه بورو دونیانی "صنم"

اوخو آل حیاتدان زیروه لرده قال
حوسنونه باخدیقجا کام آلسین "کامتال"
گونش دویغولو اول بولوددان باج آل
ایشیقلا ندیر سوزسوز هر یانی "صنم"

سونمه وارلیغیندا "آلیشان" تانین
حرارتله کول ائت ظولموکار جانین
"تئللی زه ری" اولسون یولون نیشانین
سئویندیر کوچسه ده "کئیوان" ی "صنم"

سیلاحین قوی یئره آی وطن اوغلو
اوزونو بیر میللت سای وطن اوغلو
"کئیوان" ینی اولموش سای وطن اوغلو
دار آغاجین اوپئن قهرمان ساری

دانا باخ

کربوبلا اولدو بو گون یوردوموزدا قانا باخ
جاوانلاریم دار دیبینده شوهرته باخ شانا باخ
ساجلارینی یولوب آنا شیریق چکیر اوزونه
قورخوسوندان دیلی باتیب چوبالاییر سونا باخ

شومرو زامان آت اوینادیر قوللوغوندا لشکری
حقیقته پرده چکیب وئیر ظولمه دئییه ری
قددارلیقدان لذت آلیر اولدورمئکله هر اری
شهرلرده داش آپاریر کیمدی قانی قانا باخ

فاطمه آنا گورسه بیزی یاددان چیخار کربلا
اؤزون توتار اولو تانری ظولمون کونکون پارچالا
تصبحه الدهه قوران دیلده سالیب خالق زاولا
منیم کیمی نالا ائدیر موقددس دیر آنا باخ

دین آدیله مکیر مکیر یئری گویو لاخلادیب
اولنلرین قانین ایچیر قالانلاری داغلادیب
اؤیونده ده سئوینج ائدن اینسانلاری آغلادیب
شیطان اوغلو ملک کیمی گئییندی دونا باخ

سو وئرمه ییب گوز اونونده باغلادیلار دیر یه
حسین باشین بونلار کسب داش باغلا ییب اوریه
سیاستله اینوستودا زهر قاتان چوریه
معاویئنین اوولادی دیدی ظولمو گلیمیر سانا باخ

خالوار خالوار باغیشلاییر سایا سالمیر میللتی
باشقا باشقا اولکه لرده سارای تیکیر خلوتی

گول سیزیلداایر

اوزگه اوجاغینی قالاماق اوچون
تله سمه تله سسن گوزدن دوشرسن
لذتین دویانلار چالار باشیندان
ایتیریپ اوزونو اوددا بیشرسن

اٹلیله آغلایان اٹلیله گولن
اٹلین قوجاغیندا شان شوهرت تاپار
اونوتماز "کئیوان"ی اوولادیم سایاق
دار گونده وطنی الیندن توتار

قالانماقدادیر



کارتون دکتر رحیم آق بایراق

اورمو قان قوخویور بولودلار باخمیر
آهیمیز گویلری یاندریمیر یاخمیر
اوتانیدیقدان داها شیمشکده شاخمیر
دردیمیز اوست اوسته قالانماقدادیر

قوشلارین نیفرتی گلیبدر بیزدن
گوز یاشی اخیدیر دونور دنیزدن
هارای گوزلور هارای دوغما تبریزدن
دردیمیز اوست اوسته قالانماقدادیر

شاعیر نه ایتیریپ نه آختاریرسان
تویو یاسا دونوب اٹل سیزیلداایر
آنالار اوزونده ساغالماز شیریق
هارای چکیر هارای گول سیزیلداایر

آنالار اونونده دنیا باش اییر
سس وئریر سسینه گوز یاشلاریله
هر قاپی باشیندا بیر قارا بایراق
سن بئش داش اوینورسان بایقوشلاریله

کیمه وفا قیلیب دونیانین مالی
سن دالی قالمیسان ساتیرسان اٹلی
آلچاقلار اونونده دیزه چوکورسن
میللتین باشینا سئپیرسن گولو

اوگه ایپی اوسته گل ییغما اودون
ایپین چکر یاری یولدا قالارسان
یاندیرسان توستوسو گور اٹله ر اٹلی
گور پشمان الینی باشا چالارسان

آرخادا اولماسان اٹله اوبایا
چالیش کی اوزونو گوزلردن سالما
یادلار تک دوز سئپیپ اٹل یاراسینا
اوتانیب قاپیلار دالیندا قالما

دوینا قان آغلاییر بیز تک میللته
سندنه بی گلین سیز تالار توتوموسان
یئر گوویو بیرخالیر بالا وای سسی
ده وه قولاغیندا ندن یاتمیسان

داشینی سالیم

کریمین ایشلری ازلدن دوزدو
اوریی داش کیمی اللری بوزدو
قار سایاق اریئن اوتانجاق اوزدو
باشیما هارنین داشینی سالیم

قارا گون عومرومو بیچیر اوراق یک
باشیما سئیلیر کول اتک اتک
آرزولار محو اولور پوزولور ایستک
باشیما هارنین داشینی سالیم

کولوک چالیدی داغا فرهاددان بئر
جانا گالیم جانا گورمه دیم اسر
عشقیم دوستاق اولوب توتان یوخ خبر
باشیما هارنین داشینی سالیم

قایساقلانماق بیلیمیر کونلومده یارا
کونده مین بیر دغه چکدیریر دارا
ایسته میر "کئیوان" ی آسان آپارا
باشیما هارنین داشینی سالیم

آنان شاعیر دوغماییبیدیس

سندیر قلمینی شاعیرم دئمه
اوتان آنان شاعیر دوغماییبیدیس
بو آدلا خالقینین چوریین یئمه
اوتان آنان شاعیر دوغماییبیدیس

نه لذت آلیرسان یالان پالاندان
میللتین باشینا پالاز چالاندان

آهیمیز گون به گون اوجالیر فلک
یالتاقلار قوچاقدان باج آلیر فلک
طبیعت اوزوده قوجالیر فلک
دردیمیز اوست اوسته قالانماقدادیر

زaman بئلمیزه قویوب بهری
قالما قالی بورویوب کندی شهری
"کئیوان" ی تیتردیر اورمو قهری
دردیمیز اوست اوسته قالانماقدادی

باش آچمیرام

دئمه نییه گئت گل یوتدور
آغلاماقدان باش آچمیرام
ایشیم یوخدور واختیم چو خدور
آغلاماقدان باش آچمیرام

زaman ائدیر بول سیتمی
هی یئیرم دردی قمی
مله بیرم قوزو کیمی
آغلاماقدان باش آچمیرام

آیاق اوسته اریبیرم
دانلاق آلتدا چوروورم
دیزی دیزی یئریرم
آغلاماقدان باش آچمیرام

متیر قویوب کوچه لره
دن گزیرم جوجه لره
"کئیوان" حسرت گئجه لره
آغلاماقدان باش آچمیرام

گلنی ووروبدور یاما جا دنیا
بیلیب بوش فیرلانان "کئیوان" باشیدی

شیطان یئریدی

پااغینین آلتدا ایلان قیوریلیب
گوم گوی داش اوریین شیطان یئریدی
ظولموندن اوتانیب زامان قیوریلیب
گوم گوی داش اوریین شیطان یئریدی

یئر گویو بورودو ظولمون سیتمین
یاسلا قوجاقلادین میللتین دمی
اولکه تالان اولدو قویدون قدمین
گوم گوی داش اوریین شیطان یئریدی

یوخویا قالاییدی اکنده ده دن
داسا چئوریله یدی بلکده گودن
آغلادی حالیزا هر یولدان اوتتن
گوم گوی داش اوریین شیطان یئریدی

اوزونه باخماغا گوزه قیمیرام
سنی دانلاماغا سوزه قیمیرام
"کئیوان" ی بوکه سنی بئره قیمیرام
گوم گوی داش اوریین شیطان یئریدی



سئوینج دویان ال قولتوقدان قالاندان
اوتان آنان شاعیر دوغما ییبیدیس

آرخاندایان دئییب دویور سن باشا
اورک یاندر میرسان باجی قارداشا
چااغینلا ساتقینلا دایانان قوشا
اوتان آنان شاعیر دوغما ییبیدیس

"کئیوان" ی جیبیلله اولچوب بیچیرسن
خالقین ایسته یئنین قانین ایچیرسن
سانما سوزله سرحدلری گئچیرسن
اوتان آنان شاعیر دوغما ییبیدیس

اینسان باشیدی

اینسانلیق بیر تاجدیر اینسان باشیندا
قیسمت اولان باشلار اینسان باشیدی
باش وار عاغلی هوشو اوزگه باشیندا
باشدا وار عدالت دیوان باشیدی

باش وارکی یارانمیش گونونده گئدیر
باش وارکی پاسلانمیش دویونده گئدیر
باش وارکی دونیانین اونونده گئدیر
باشدا وار لعنت لیک شیطان باشیدی

باش وارکی پااغی اوزوندن باها
باش وارکی یارانیب آمانا آها
باش وارکی یوخلاسان دئییه ر الله ها
باش وارکی الله سیز سلطان باشیدی

هی دولوب بوشالیب بو قوجا دنیا
یاردیم کوسترمه ییب محتاجا دنیا

نه سنين كيتابين يازماييب بونو،
نه ده كي، اورين سن دن گئتمه ييب...

سن هاردان بيله سن ندير محبت
يولونو ساعتلا گوزله مك ندير،
يورغون سيماسيني گوروب، هوسله
فيكريني داغيتماق، جملعه مك ندير...

سن هاردان بيله سن ندير محبت
ياد بير اويون جاق تك قيرمي سان اونو
اويناديپ، يورولوب عيني اويوندان،
ديوارين كونجونه قوي موسان اونو.

سن هاردان بيله سن ندير محبت،
تئليني اويناديپ، قوخلاماغي وار.
هله حسرتينه تاب گتيرمه ييب،
آرادا اوشاقتك آغلاماغي وار.

سن هاردان بيله سن ندير محبت،
هوسينه قوربان گزير سن هله.
خوشبخت ليك توي قوروب سنينچون، اما،
تاخيره سالميسان سن اونو يئنه.

سن هاردان بيله سن ندير محبت،
ايله نجه آختاريپ يورولمادين مي؟!
كيمين سه اورين آياغين آلت دا،
قيراندا حيات دان اوتنمادين مي؟

سن هاردان بيله سن ندير محبت
سئوينج گوز ياشيني قمه قاتدين مي؟

سونا اينتياز (نورعلي اوا سونا سيار قيزي) SONA İNTİZAR



۱۹۹۰-جي ايل ماي
آيينين ۱-ده باكي
شهرين ده آنادان
اولوب. ۱۹۹۶-جي
ايله آذربايجان اولكه

نين ميللي قهرمانى فايق رفيع او آدينا ۱۶۶
سايلي تام اورتا مكتبه داخيل اولوب، ۲۰۰۷-جي
ايله همين مكتبي بيتيريب. ادبياتا، پوئزيا
اثركن ياشلايرندان مازاق گؤستيرير. دؤوري
مطبوعات صحيفه لرین ده شعيرلري ايله چيخيش
ائتمك ده دير.

۱۴ فورال ۲۰۱۲-جي ايل تاريخيندن اعتباراً،
آذربايجانين مدنيت و ادبيات پورتالينين
edebiyat-az.com
باش رئاكتور معاويني دير.

سن هاردان بيله سن ندير محبت

SƏN HARDAN BİLƏSƏN MƏHƏBBƏT NƏDİR

سن هاردان بيله سن ندير محبت،
الرين اوزالي قالدими، سؤيله؟
گئدين آديمين سونادك ساييب،
قايديب گلمه سين گوزلردن بئله...

سن هاردان بيله سن ندير محبت
دعالار ائتمی اؤيرندین می سن؟
ناراحت، نیگاران، تک قالاندا یوخ...
گؤزلرین دولو خان دا بيله جک سن...

سن هاردان بيله سن ندير محبت
اؤده حاضرین یوخ، پای دا گلمه ییب.

سن هئچ سئوديينى اوزمه مك اوچون،
اؤزونو آتسه، اودا آندينمى؟

سن هاردان بيله سن ندير محبت
كدرى قلوبين ده گيزله مك ندير
كؤنلونه آلاسان، اما اؤزونون
دردين سه هله ده اؤز قلوبين ده دير.

سن هاردان بيله سن ندير محبت
كيمه سه اؤزونو خر جله مك كيمى،
حيات دا، سئوگى ده بير فلسفه دير.
سونا اينتظارام، يازديغيم شعير.
ارماغان دير سنه، هميشكى كيمى...

عكسين گؤز لريمين اؤنون ده دوروب ƏKSİN GÖZLƏRİMİN ÖNÜNDƏ BURUB

عكسين گؤز لريمين اؤنون ده دوروب
يومورام آچيرام، يوخا چيخمايير
ائله بيل فيكييريم هارداسا قاليب
ائله هئى بوى لانير، منه باخمايير

اليمى اوزاتديم خيالىنا من
ايستديم توتاسان اليم دن منيم...
بو نجه بير چيسس دير؟ سوالينا من
نجه جاواب وئريم، نجه سؤيلىيم...

تصوور ائيله كى، الين اولدوز
باخان دا ياخين دى، اما، چه فايدا
هئى جان آتيرسان كى، اولدوزو توتا،
اما، هئچ يئتميير اونا هاراي دا.

ائل جه تاماشا ائيله مك قالير،
بيچاره قاليرسان خيالىنا تك.
بير ده گؤرورسن كى، گؤزون قارالير،
داها دؤيونميير سينن ده اورك.

بئله جه محو ائدر فيكيير اينسانى
يوخولارين چكيلر باخ، عرشه ده
اؤلندك آيريلماليق، بس هانى؟
نه واختسا دا قووشاريق بلكه ده.

بلكه داها آرتيق بير سئوگيله بيز
يئنى دن ياشاماق عشقينه دوشدوك.
يا دا اولوب گئديب، او بيرى دونيا يا،
بلكه تانرى جننتينه گؤرودوك...

خيالىنا سؤيله، بير ده قارشىما
قوى سن سيز گلمه سين، سن سيز چيخماسين.
سؤزومو هكك ائيله سن يادداشين،
هئچ زامان اونوتما، يادين دا قالسين.

گل اؤزون قوجاقلا، گل اؤزون ساريل،
اللايرين دولانسين بئليمه منيم.
آلنيم دان اوپ منيم، حالاليم دئنن،
بوينونا دولان سين منيم اللريم.

مندن قاچديغيني آنلاديم بو گون MƏNDƏN QAÇDIĞINI ANLADIM BU GÜN

مندن قاچديغيني آنلاديم بو گون
من سنين يولوندا گول - چيچك ايديم

چیلله آخشامی

اکبر رضایی (سسین) اردشیر اوغلو (مولان)



چیلله آخشاملاری نین ، چوخ گۆزل عادت لری وار
اثلیمین تاریخی نین ، شانلی سعادت لری وار

میللتین قلبی دولور ، موتلولوغا شادلیغا چوخ
بوگون اینسان اولانین ، چوخلو کرامت لری وار

وارلیلار یوخسولو یاد ائتمه لی دیر ، آز یادا چوخ
بو ایشین ، جنته مینلرجه دلالت لری وار

گئجه سی بویلو ، اوزوندور ، ایچی عشقیله دولو
بوتون اینسانلارا چوخ ، بوللو سخاوت لری وار

عادت ، عنعنه سی ، رسیم لری تاییسیز دیر
بو حیاتین دادینا ، آرتی ظرافت لری وار

قاریزی هم یئمیشی ، اینجیری هم کیشمیشی بول
مئویه سینده جان آلان ، جانلی طراوت لری وار

هامی شاد اولمالی دیر ، آزلیغینان چوخلوغونان
شاد ائدیپ شاد اولانا ، تانری رضایت لری وار

یاد ائدین هم باجینی ، قارداشی ، هم دوست تانیشی
یادی دا یاد ائده نین ، چوخلو نجابت لری وار

مین دفعه کئچسن ده منیم یانیمدان
دؤنوب باخماسایدین ، گۆرمیجکدین.

من دن قاچدیغینی آنلادیم بوگون
من سنه تامارزی ، من سنه حسرت ،
سنین قلبین منه بیر اؤزگه قوربت
منیمسه اوریم گولوستان ، جنت

من دن قاچدیغینی آنلادیم بوگون
گۆزومه باخماغا اوزون گلرمی؟
آلدادیب ، اوینادیب ، قیردیغین اورک
یئنی دن جانلانیب ، هئچ دؤیونرمی؟

من دن قاچدیغینی آنلادیم بوگون
سینه مه ووردوغون داغ نه ایدی بس ،
سن منیم گۆزومده یوکسک دن یوکسک ،
من سنین گۆزون ده نه اولموشام بس؟

من دن قاچدیغینی آنلادیم بوگون
یولوما چیخماغا جسار تین یوخ ،
من آبیر ائيله ییب ، سوسوب دورموشام
سنین سه ماشاللاه گیلئی نه چوخ.

من دن قاچدیغینی آنلادیم بوگون
سونانی اودلارا آتیب ، گئتمی سن.
من بو محبته بیر آیری سورگون ،
سن سه ، امه ییمی آیاقلار آلتدا
ازیب ، تاپدالاییب ، قیریپ گئتمی سن...

اونودولماز مفتون امینی سایین قالا (شاهین دژ) شهرینده حیاتا گۆز آچمیشدی. آنجاق حیاتی و توپلومسال یوکسکلنمه سینی مبارزلر شهری تبریزده سورموشدو. سوزگون دویغولاری و قلمیله ادبیات ساحه سینده و دوشونجه لی یاشام طرزی ایله ده اینسان سئورلیک، وطن سئورلیکده اؤزونه آد سان قازانمیشدیر.

اونون اثرلری نین اوخونماسیندان میلی وارلیق، شرفلی و مبارزه لی اینسان حیاتی اولدوقجا آنلاشیلیر. آذربایجان خالق نین فولکلور، موسیقی وارلیقلاری، ادبی و هنری زنگین لیک لری بو دگرلی شاعیرین یارادیجی لیکلاری نین تام قوخوسودور.

اونودولماز اوستاد مفتون امینی ایلك اولاراق فارس شعر و ادبیاتیندا، تانینمیش و آد قازانمیش اولسادا آنجاق آنادیلینه سئوگی و سایغی سینی اونوتمايیب و اولدوقجا بورجونو یئرینه یئتیرمیشدیر. اونون آنادیلده یازیب یاراتدیغی اثرلری چوخ اوره یه یاتیم، گۆزهل و عمومیتله چوخ قالارقی اثرلردیلر.

مفتون امینی نین شعر موضوعلاری دویغو و دوشونجه باخیمیندان چوخ درین و معنالی دیرلار، اونون آنادیلیمیزده اثرلری نین داها آرتیق پایلانیب و تانینماسی بوتون خالقیمیزین اونون بیر عؤمورلوک چالیشمالارینا دایر بورجو ساییلیر. دگرلی اوستادین ادبی باخیمی و شعر دونیاسی، چوخ گئنیش، اؤزل و درین دیر.

۱۳۳۰ نجو ایللرده یایملانان ایلك اثرلری کلاسیک اولاراق تانینمیشدیر. سونرالار یئنی فورمالاردا یازیب یارتماغا چالیشدی و هامیسیندا اؤزو ایچین آد سان قازاندی.

عشق اولسون گؤزل روحونا

یولو داواملی اولسون

چوخ قدیمدن قالیب اینسانلارا بو، یول یؤنتم قوجایا هم جاوانا، چوخلو حیکایت لری وار

"سسسیز" اولماز بو ائللین خالق، عزیز گونلرده هامی نین بیربیرینه، بوللو رفاقت لری وار

آتالار یا آنالار، گۆز یولا تیکمیش، گوده جک تانری نین بؤیله مراسمه، نظارت لری وار
کیمسه یولداشلاری یاد ائيله مه سین، تک جانینا هامی نین سئودیگینه، سونسوز ایرادت لری وار

سئوین همده سئویلین، سئوگینی بول بول یارادین
سئویلن قیبلرین، چوخلو ملاححت لری وار

بو مراسیملر، اوزون ایللر، اولوبلار بیزه یار
مینجه ییللار دا کئچه، بوللو شرافت لری وار

هاممی تانرییا قووشاجاقدیر

بو دنیا فانی دنیا دیر

یازار: اکبر رضایی (سسسیز) اردشیر اوغلو (مولان)



اونودولماز یدالله مفتون امینی (۱۳۰۵-۱۴۰۱)
ابدیته قوووشدو. پایلاشیلمیش آجی خبرلر
اساسیندا ۱۰/۹/۱۴۰۱ تاریخینده آذربایجانین
اونودولماز شاعیری (یدالله مفتون امینی) تهران
شهرینده حیاتا گۆز یومموش.



یدالله مفتون امینی

غمین قوربانی تبریز، یئللی تبریز،
آلولو ایلدیریملی سئللی تبریز،
نه قانلار قایناییب سندن، اولوب داش،
بئله یکیم ائینالیندان بللی تبریز.

بوتون دونیالارین دردین قانار داغ،
سؤال ائتسن سکوت ایله دانار داغ،
سهندین اوستو قاردیر، آلتی قاندیر،
بو جوشقون دردین بیر گون یانار داغ.

قاناد آچسام بوگون دنیا منیمدیر،
بولقدان توتدو تا دریا منیمدیر،
اییق گز ایستی ال واز گنجه واردان،
کی سون گون تکجه بیر رویا منیمدیر.

ایچه ک بو جامی اوزلر آغلیغی ایله
قیزارداق رنگی عشقین ساغلیغی له
سویوق دونیانی باسمیش دیر ولاکن
نه غم واردیر ؟ اوره کلر داغلیغی له !

(عاشیقی کروان) منظومه سیندن سچیلیمیش بیت لر

حبسدن چیخان آدام

یوسف خیال اوغلو

چیخاجاق بیر آزادان آدام.

ایللرین چؤکونتوسو چؤکموش اوزویله،
آلنینی گونشه سره جک آدام.

یوخوسوز یاتاقلار، سوسقون گزینمه لر،
گئریده قالاجاق.

و آه! حوزونله، بیر کول کیمی سوورولوب
گوله جک آدام.

قار یاغمیشدیر شامدان گولونون اوستونه،

آنی لار توزا بولانمیشدیر،

کیتابلار سوبادا یانمیش،

آه!... سازلار دوواردان قالمیش،

گؤزلیم ماهنیلار یاغمالانمیشدیر.

حبسدن چیخاجاق بیر آزادان آدام.

کؤهنلمیش چامادانی، قابا سسی یله،

اؤزونو یوللارا ووراجاق آدام.

اوز چئویرن دوستلار، فیریلداق داورانیشلار،

آچیغا چیخاجاق.

و آه! اؤزویله، بیر اینجه حسابی گؤره جک آدام.

سوسامیشدیر تبسومون سئیرینه،

ساجلاری هئج بیر گون اوخشانمامیشدیر.

آه!... سازلار دوواردان قالمیش،

آه!... کیتابلار سوبادا یانمیش،

گؤزلیم ماهنیلار یاغمالانمیشدیر،

آنیلار توزا بولانمیشدیر،

قار یاغمیشدیر شامدان گولونون اوستونه.

بیر دئوریم قدر یالنیز،

آه!... وفانیز قدر یانلیش،

مومکونسه فرض ائدین یاشامامیشدیر!...

Khudafərin



Türkçə - Farsca

Aralık 2022 - İL 21 - SAY 211 (ELMİ-ƏDƏBİ-KÜLTÜRƏL DƏRGİ)

[http://www. Khudafarin.ir](http://www.Khudafarin.ir)

<https://t.me/xudafarindargisi>

